

دیوانچی اشعار ترکی

عبدالله حبیبی

(ملک الشعراء دربار شاه اسماعیل صفوی)

مقدمه، تصحیح، تحشیه: دکتر حسین محمدزاده صدیق

سرشناسه: محمدزاده صدیق، حسین، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور: دیوانچه اشعار ترکی عبدالله حبیبی / مقدمه، تصحیح، تحشیه حسین محمدزاده صدیق.
مشخصات نشر: تهران: تکدرخت، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۱۸۲ ص. شابک: ۸-۷۹-۵۵۵۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
موضوع: حبیبی آذربایجانی -- نقد و تفسیر
موضوع: شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۰ ق.
موضوع: شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۰ ق. -- تاریخ و نقد
رده بندی کنگره: PL۳۱۴/ج۲۷ ی۱۳۸۹۵۸
رده بندی دیویی: ۳۹۴/۳۶۱۱
شماره کتابشناسی ملی: ۰۲۷۱۸۱۲



دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی
(ملک الشعراء دربار شاه اسماعیل صفوی)

مقدمه، تصحیح و تحشیه: دکتر حسین محمدزاده صدیق
محل نشر: تهران / ناشر: تکدرخت / سال نشر: ۱۳۹۰ / شمارگان: ۲۰۰۰ / چاپ: اول
شابک: ۸-۷۹-۵۵۵۹-۶۰۰-۹۷۸
نشانی: خیابان جمهوری، ابتدای نوفلاح، پلاک ۱، واحد ۴.
تلفن: ۶۶۵۶۵۱۳۲

اۆلدورور سلطان ايكي عالمده بس،
چون جيبى هر كيم عبدالله اولا.

چند کلمه

عبدالله حبیبی، شاعر دربار سلطان یعقوب آق قویونلو (مقت. ۸۹۷ هـ.) و ملک الشعراء دربار شاه اسماعیل اول صفوی متخلص به ختایی (جل. ۹۰۷ هـ. / ف. ۹۳۰ هـ.) بود. او در قصبه‌ی برگشاد متولد شده، در عهد نوجوانی به سلطان یعقوب تقرّب یافت و مقیم تبریز شده است. وی در این شهر نزدیک چهل سال اقامت داشت و گروهی از شعرای روزگار خود را رهبری می‌کرد. دارای مذهب شیعه‌ی اثنی‌عشری و مبلغ معارف آن بود. در اواخر عمر مجبور به مهاجرت به شهر اسلامبول شده و در همان جا مدفون گشته است.

نسخه‌های خطی دیوان ترکی وی مانند آثار بسیاری از شعرای شیعی، مفقود شده است و تاکنون متن کامل دیوان وی به دست نیامده است. آنچه در این دفتر گرد آمده است، حاصل رنج کاوش‌ها و جستجوهای تنی چند از پژوهشگران سلف؛ مرحومان: سلمان ممتاز، محمدفؤاد کوپرؤلؤ، عزیزآقا محمدوف است که از لابلای سفینه‌ها و جنگ‌ها، از جمله مجموعه‌ی جامع‌النظائر جمع کرده و انتشار داده‌اند. تلوین و تبویب مجلد دیوانچه‌ی وی به امید جلب توجه جوانان به اهمیت حفظ میراث فرهنگی گلشنگان خود انجام می‌پذیرد. این تمنی برآورده و این آرزو پذیرفته باد!

دکتر ح. م. صدیق

تهران - آذرماه ۱۳۸۹

فهرست

بیرینجی بۆلۆم: مۆدّمه ۱۱

۱. سىندىلر ۱۲

۱ - ۱. تحفه‌ى سامى ۱۲

۲ - ۱. روز روشن ۱۳

۳ - ۱. تذکّره‌ى قىنالى‌زاده ۱۴

۴ - ۱. اوليا چلبى ۱۵

۵ - ۱. الذرىعه ۱۵

۶ - ۱. لغت‌نامه‌ى دهخدا ۱۶

۷ - ۱. دانشمندان آذربايجان ۱۶

۲. گۇرۇشلار و نظىرلر ۱۸

۱ - ۲. مختصر آذربايجان ادبياتى تاريخى ۱۸

۲ - ۲. رسيملى تۇرك ادبيات تاريخى ۲۰

۳ - ۲. قديم و اورتا عصر آذربايجان ادبياتى ۲۱

۴ - ۲. ديانت وقفى اسلام آنسيكلوپديسى ۲۷

۵ - ۲. حبيبى شعرلر ۲۸

۶ - ۲. دانشنامه‌ى ادب فارسى ۳۰

۳. ياشايشى ۳۲

۱ - ۳. دۇغوم ايلي ۳۲

۲ - ۳. دۇغوم يئرى ۳۲

۳ - ۳. آدى ۳۲

۴ - ۳. تخلص ۳۳

۵ - ۳. عائله‌سى ۳۳

۶ - ۳. اوشاقلىق و گنجلىگى ۳۴

۷ - ۳. سلطان يعقوب ايله گۇرۇشۇ ۳۴

۸ - ۳. آق‌قويونلۇلار و حسن پادشاه ۳۵

۸ ➤ فهرست

۳۶.....	۹ - ۳. سلطان یعقوب.....
۳۸.....	۱۰ - ۳. تبریزه ادبیات و مدنیت پایتختی.....
۳۹.....	۱۱ - ۳. تبریز، شاعرلر مرکزی.....
۴۱.....	۱۲ - ۳. شاه اسماعیل درباربندا.....
۴۲.....	۱۳ - ۳. شاه اسماعیلین ادبی و علمی مقامی.....
۴۵.....	۱۴ - ۳. حبیبی نین آنا دولویا مهاجرت.....
۴۵.....	۱۵ - ۲. اؤلۆمۆ.....
۴۶.....	۱۶ - ۳. مزارې.....
۴۷.....	۴. چاغې و چاغداشلاری.....
۴۸.....	۱ - ۴. طفیلی اردییلی.....
۵۰.....	۲ - ۴. کشوری دیلمقانی.....
۵۲.....	۳ - ۴. احمدی تبریزی.....
۵۳.....	۴ - ۴. ختایی.....
۵۴.....	۵ - ۴. حامدی.....
۵۵.....	۶ - ۴. بصیری.....
۵۶.....	۷ - ۴. سروری.....
۵۷.....	۸ - ۴. شاهی.....
۵۸.....	۹ - ۴. حقیری تبریزی.....
۵۹.....	۱۰ - ۴. فضولی.....
۶۴.....	۵. اعتنا اتندیگی شاعرلر.....
۶۵.....	۱ - ۵. خلیلی.....
۶۷.....	۲ - ۵. حمدی.....
۶۷.....	۳ - ۵. احمد پاشا.....
۶۹.....	۴ - ۵. شیخی.....
۷۰.....	۵ - ۵. احمدی.....
۷۱.....	۶ - ۵. سعدی.....

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی.....	۹۷
۷ - ۵. نسیمی.....	۷۲
۸ - ۵. حافظ.....	۷۳
۶. حبیبی نین یارادېجیلېغې.....	۷۴
۱ - ۶. حبیبی و قرآن.....	۷۴
۲ - ۶. نعت.....	۷۵
۳ - ۶. حروفی اصطلاحلاری.....	۷۵
۴ - ۶. موسیقی.....	۷۶
۵ - ۶. شطرنج.....	۷۷
۷. حبیبی دیوانچاسېندا شعر بیچیملری و دیل.....	۷۸
۱ - ۷. قصیده.....	۷۸
۲ - ۷. غزل.....	۷۸
۳ - ۷. ترکیب‌بند.....	۷۸
۴ - ۷. قوشا بیت.....	۷۹
۵ - ۷. ادبی صنعت‌لر.....	۷۹
۶ - ۷. دیل اؤزه‌للیگی.....	۸۰
۷ - ۷. شهرتی.....	۸۱
۸ - ۷. دیوانچا.....	۸۲
۹ - ۷. دیوانچانېن ترتیب ائدیلمه‌سی.....	۸۲
۱۰ - ۷. تصحیح طرزی.....	۸۴
۱۱ - ۷. باکی چاپې نېن سهولری.....	۸۵
جدول آسان‌خوانی متون ترکی.....	۸۹
جدول اختصارات.....	۹۱
ایکینجی بۆلۆم: دیوانچه.....	۹۳
۱. قصیده‌لر.....	۹۴
۲. غزللر.....	۱۰۲
۳. ترکیب‌بند.....	۱۵۳

۱۰ ➤ فهرست

۴. قوشاييت ۱۵۶

۱۵۷..... اوچۇنچۇ بۇلۇم: آر تېرمالار

۱. تۆركجه لغت معنی ۱۵۸

۲. عربجه و فارسجا لغت معنی ۱۵۶

۳. آیلهلر و عربجه عبارهلر ۱۶۴

۴. اؤزل آدلار ۱۶۵

۵. موسیقی اصطلاحلاری ۱۷۱

۷. كشف الأیيات ۱۷۲

۸. حییی کتابلیغی ۱۸۱

بىرىنچى بۆلۈم:



۱. سندلر

ملک الشعراء، عبدالله حبیبی برگشادی، ۱۰ - نجو تبریز مدنیّت مرکزی نین ان آدلیم و تأثیر بوراخان عالم شاعری اؤلموشدور. تبریزین مدنی حیاتی نین تاریخینده مهم ایز قویان بو شاعری، اؤز عصرینده یاشایان شاعرلر و تاریخچیلر حرمت ایله یاد ائتمیشلر و لاکن سیاسی کشمکشلر و چالختیلار نتیجه سینده، اودا باشقا علم و ادب آدمیلر کی می اؤز دیده رگین دؤشموش و اثرلری ایتیپ باتمیشدیر. اونون حیاتی ایله علاقه دار، علم عالمپنه معلوم اولان تاریخی ادبی منبع لر و قاینقلار آراسپندان، الده ائده بیلدیگیمیز سندلری بورایا تویلاپرېق.

۱ - ۱. تحفه ی سامی^۱

عبدالله حبیبی برگشادی حقیقنده الده اولان بیرینجی سند، تحفه ی سامی تذکره سی نین ۶ - نجی بؤلومودور. بو بؤلومون عنوانی بئله دیر: «در ذکر ترکان و شعرای مقرر و معین ایشان.» بورادا سام میرزا ۲۹ تۆرک شاعرینې معرفی ائدیر. او همین بؤلومده حبیبی دن بئله یاد ائدیر:

«مولانا حبیبی برگشادی از برگشاد آذربایجان است. اول در خدمت سلطان یعقوب می بود، آخر به شرف ملازمت حضرت صاحبقران مغفور سرافراز گشت. آن حضرت او را منصب ملک الشعرا یی داده؛ از روی هزل، گرزالدین بیک نام نهاد. در اوایل حال به واسطه ی فقر و پریشانی اوقات به شبانی می گذرانید. گویند سبب تربیت او این شد که سلطان یعقوب روزی در شکارگاه او را دید که بره ای چند می چراند. یکی از ملازمان را

۱. سام میرزا صفوی. تحفه ی سامی، به تصحیح رکن الدین همایونفرخ، تهران، ص. ۳۶۵.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۳

فرمود که: «از این پسر بپرس که این بره‌ها از کیست؟» آن ترک نزدیک حبیبی آمد و پرسید. و او جواب داد که: «بره‌ها از گوسفندان است.» ترک، دیگر بار پرسید که: «بزرگان ده شما کیان‌اند؟» گفت: «گاوآن از همه بزرگترند.» بار دیگر گفت: «من آن‌هایی را می‌گویم که پیشواز مردم به دم در می‌آیند.» ترک در قهر شده، به ترکی گفت: «آی نه‌جاپایدیم سنی!» گفت: «چاپا گور که یولداشلارین گتدی.» آن ترک قیل و قال را به عرض پادشاه رسانید ... پادشاه را خوش آمد، او را تربیت فرمود و به واسطه‌ی لطف طبع، شاعر شد. این مطلع ترکی و بیت از اوست:

مطلع

گر سنین چون قبله‌اسم چاک ای بت نازک بدن!
گوروم اولسون شول قبا اگنیمده پیراهن کفن.
چخمسا سودای زلفون باشند ای مه گر یوز ایل،
استخوان کله‌م ایچره دوتسا عقربلر وطن.»

۲ - ۱. روز روشن

روز روشن تذکره‌سی‌نین مؤلفی ایسه حبیبی سؤرونو «جیشی» تلفظ ائدهرک یازپر:
«جیشی آنریاجانی، ترکی‌نژادی بود که به تربیت سلطان یعقوب استعدادی حاصل نمود
و شاه اسماعیل صفوی او را به رتبه‌ی ملک‌الشعرایی رسانید بیت:
مرا تو دیده و از دیده هم عزیزتری،
چه دیده‌ای که بر احوال من نمی‌نگری؟»^۱

۱. مظفر، محمد (صبا)، روز روشن، هویال، ۱۹۲۷، ص. ۱۸۷.

۳ - ۱. تذکره‌ی قبنالی‌زاده^۱

باشقا تذکره‌لرده حبیبی باره‌سینده توتارلی بیر بیلگی یۆخدور. بونلارین آراسیندان نمونه اۆچۆن قبنالی‌زاده تذکره‌سینده وئریلن یازبې درج ائدیریک:

«دیار عجمدن سلطان بایزید زمانېندا روما گلمیش پرگاروار نقطه‌ی
جهانی آياغې آلتېنا آلمېش عالمی سیاحت ائيله‌میش، اهل علم و معرفت
کیمسنه ایدی. اگرچه اداسی عجمانه، لاکن شعرى عاشقانه و کندى‌نین
طرز مخصوصی واردېر کى آندا یگانه ایدی. سلطان سلیم‌خان دؤرؤنده
وداع سرای جهان اتمیش ایدی.

بو مسدس مشهور آنا استاد اولونور:

دؤن گؤردؤم اول نگار طربناک و ارجمند،

کافور اليله دسته‌له‌میش عنبرین کمند.^۲

وَلَهُ:

باخدیهم شکنج طره‌سینه زار و مستمند،

بیر شخص ناتوان اوتورور گردنینه بند.

«—کیمدیر بو مسکین، اول نه رسندیر؟» —دئدیم، دئدی:

«—زُلفؤم کمندی توتساغی جانېندېرېر سنین!»

وَلَهُ:

گر سنین چۆن قبلمايام چاک، ای بت نازک بدن!

گؤرؤم اولسون بو قبا، اگنیمده پیراهن کفن.»

۱. قبنالی‌زاده، تذکره، ج. ۱، صص. ۲۷۹ - ۲۸۰.

۲. تذکره‌ده مسدسدن بیر بند ذکر اولموشدور، ص. ۲۳.

۴ - ۱. اولیا چلبی

اولیا چلبی اؤز سیاحت‌نامه اثرینده ده، حبیبی نین مزارینا اشاره اندرک یازبر:

«زیارتگاه سلطان الشعراء حبیبی

کندیسی عجم‌دیر ... حقاً پاکیزه اشعارې واردېر. بو، سؤدلوجه ده، جعفرآباد
تکیه‌سینده مدفون‌دور. «جعفری مذهبینده اولدوغوندان، جعفرآباد،
تکیه‌سینده دفن اولونماغی وصیت ائتدی.» دئییه مشارالیه بعض اسناداتدا
بولونان اولدو.»

۵ - ۱. الذریعه

شیخ آغا بزرگ تهرانی الذریعه کتابیندا یازبر:

«دیوان حبیبی آذربایجانی او شعره

مِنْ قِصَّةِ بَرَكْشَادٍ مِنْ نَوَاحِي چای بآذربایجان. خَدِمَ السُّلْطَانِ يَعْقُوبَ
آق قویونلو، ثُمَّ لَقِبَ مِنَ الشَّاهِ اسْمَاعِيلَ الصَّقَوِي بِمَلِكِ الشُّعْرَاءِ وَ «گزالدین»
أوردَ شعرَهُ التُّرْكِيَّ وَ تَرَجَمَتْهُ فِي (دجا - ص ۱۱۲) عَنْ تَحْقِيقِ سَامِي، وَلَكِنِّي لَمْ
أَرَهُ فِي الْمَطْبُوعِ مِنْهُ. ثُمَّ نَقَلَ قِصَّةَ مَلَاقَاةِ السُّلْطَانِ يَعْقُوبَ لَهُ؛ حِينَ كَانَ الْمَلِكُ
مَشْغُولًا بِالصَّيْدِ وَ حَبِيبِي يَشْتَغِلُ بِرَغْيِ الْأَغْنَامِ وَ مَا دَارَ بَيْنَهُمَا مِنَ الْكَلِمَاتِ. وَ
نَقَلَ عَنْ تَذَكُّرَةِ حَسَنِ چلبی أَنَّ حَبِيبِي سَافَرَ إِلَى تَرْكِيَّةِ فِي عَهْدِ السُّلْطَانِ بَايَزِيدِ
الثَّانِي وَ مَاتَ هُنَاكَ فِي عَهْدِ السُّلْطَانِ سَلِيمِ (۹۲۶ - ۹۱۸) وَ قَدْ صَحَّفَهُ فِي
(روشن) بِه جیشی کما مر فی (ص. ۲۱۳).»^۲

۱. اولیا چلبی. سیاحت‌نامه، اسلامبول: چاپ سنگی، ص. ۴۱۱.

۲. آقابزرگ الطهرانی. الذریعه الی تصانیف الشیعه، القسم الأول من الجزء التاسع، طهران: الطبعة الأولى،
ص. ۲۳۱ - ۲۱۳.

۱۶ ➤ مقدمه: سندلر

شیخ آغانزرگ بیر دفعه ده «جیشی» ماده سینده حبیبی دن یار ائدیر:^۱
«۱۳۰۹: دیوان حبیبی او شعره: وَهُوَ مِنْ تَرَکَمَهْ آذربایجان ریاء السُّلْطَانُ یَقُوبُ آق قویونلو و
صار ملک الشعراء الشَّاه اسماعیل. کذا فی (روشن - ص. ۱۵۹)، و تذکره یوسف علیخان و
عنه ما فی (دجا - ص. ۱۰۲)، و اَحْتَمَلْ اَتَحَادُهُ مَعَ حَبِیبِی.»

۶ - ۱. لغت نامه ی دهخدا

شمس الدین سامی قاموس الاعلام اثرینده حبیبی دن آد آپاریر! علی اکبر
دهخدا/ اونون سؤزلرینی فارسجا یا ترجمه ائدیب لغت نامه کتابنا داخل ائدیر:
«حبیبی، وی اصلاً ایرانی بود و در دوره ی سلطان بایزیدخان ثانی به
اسلامبول رفته و به زمان یاوز سلطان سلیم خان وفات کرده است. او،
عالم متفنتی بوده و سیاحت های بسیار کرده، و شیوه ی ایرانی داشت.
اشعار او عاشقانه و صاحب سبکی خاص است و بیت ذیل از اوست:
گر سنین چین اتمیه م چاک ای بت نازک بدن،
قبریم اولسون اول قبا اگنمده پیراهن کفن.»^۲

۷ - ۱. دانشمندان آذربایجان

مرحوم محمد علی تربیت ایسه، دانشمندان آذربایجان کتابندا حبیبی
باره سینده دئیلن سؤزلری تکرار ائدیر و یازیر:
«حبیبی، از قصبه ی برگشاد (در گوی چای) آذربایجان است. اول به
خدمت سلطان یعقوب می بود؛ آخر، به خدمت صاحبقران مغفور (شاه

۱. همان، ص. ۲۱۳.

۲. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه ی دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج. ۶، ص. ۸۶۷۴، ماده ی حبیبی.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۷

اسماعیل) افتاد. او را منصب ملک‌الشعرایی داد و از روی هزل
گرزال‌الدین بیک نام نهاد. و در اوائل حال به واسطه‌ی فقر به شبانی اوقات
می‌گذرانید. گویند سبب تربیت او...
حسن چلبی در تذکره‌ی خود گوید: «حبیبی شاعر در عهد سلطان
بایزیدخان ثانی به مملکت عثمانی آمده و پس از سیر و سیاحت بسیار در
عصر سلطان سلیمخان (۹۲۶-۹۱۸) وفات کرده است.»^۱

۱. تربیت، محمدعلی. دانشمندان آذربایجان، تهران، ۱۳۱۴، ص. ۱۱۲.

۲. گۆرۆشلر و نظرلر

ملک الشعراء عبدالله حبیبی کیمی بیر شخصیت باره سینده، تدقیقاتچیلارین گۆرۆشلی و نظرلی نشر اولموشدور. گرچه اونون دیوانی و اثرلی تام اولاراق هله ده تاپیلماپشدیر، و لاکین آراشدیرماچیلار الده اولان آتارینی تدقیق و تحلیل ائتمیشلر. بورادا مهم نظرلر و گۆرۆشلی قایناقلارین عنوانلاری ایله بیر یئره گتیریپک:

۱ - ۲. مختصر آذربایجان ادبیاتی تاریخی

حبیبی، باره سینده یئنی و معاصر آراشدیرمالار، سلمان ممتاز و اسماعیل حکمت ارجیلان - بن یازدېقلاری مقاله لر ایله باشلاپیر. سلمان ممتاز «سلطان الشعراء حبیبی» عنوانلی مقاله ده و اسماعیل حکمت «آذربایجان ادبیاتی تاریخی» کتابیندا و «حیات» مجله سینده اونون الده ائدیلن شعرلرینی تقدیم ائتدیلر.

و لاکین یئنی گۆرۆشلر و نظرلر، رحمتلی حمید آراسلی ایله باشلاپیر. او مختصر آذربایجان ادبیاتی تاریخی کتابیندا حبیبی ایله علاقه دار یازیر:

«... حبیبی نین الده اولان اثرلی، غزل و مسدس لردن عبارتدیر. بو

شعرلرده کی صنعت کارلیق، یئنی اسلوب، اؤزونه مخصوص افاده طرز،

اونون میلادی ۱۶ عصر آذربایجان شعرینه استقامت وئرن صنعت کار

شاعر اولدوغونو آچیق گۆستریر:

دۆن گۆردۆم اول نگار طربناک و ارجمند،

کافور الیه دسته له میس عنبرین کمند...

شاعرین بو بند ایله باشلایان مسدّس - ینده کی خاص قورولوش شعرین
عصرلرجه تقلید اولونماسینا سبب اولموشدور. سؤن بیتین دیالوگ
فؤرماسیندا بیتمه‌سی و ایلک دؤرد مصراعین منطقی نتیجه‌سینی افاده
اتمه‌سی شعرین موفقیت‌لی جهت‌دیر.

حبیبی نین موفقیت‌لی غزل‌لری ده اوزون مدّت یاخین شرق شاعرلری
اؤچون نمونه اولموشدور. شاعرین فضولی طرفیندن تخمیس اولونموش
آشاغبداک‌ی غزلی، بو جهتدن ماراقلیدیر:
سندن اؤزگه یاریم اولسا ای بت نازک بدن

محبت‌ه صادق شاعرین اضطرابلارینې افاده ائدن بو غزلده کی لیریکا (=
تغزل)، حبیبی‌نی، فضولی‌نین اؤستاد حساب ائتمه‌گه حق وئیر.
حبیبی نین ملک‌الشعراء اولدوغو ایللرده، اونون ادبی مجلس‌لرینده اشتراک
ائدن و اونون باشچیلیق ائتدیگی ادبی جریان‌ا دهاا بیر چوخ شاعرلر
گؤرؤرؤک.

دلا مقید اول عنبرین کمند اؤلا گور،
غریب سلسله‌دیر، زلف یار بند اؤلا گور.

بیتی ایله باشلایان غزلین مؤلفی بدیع‌ی:
گؤزؤمده سیم/اشک و سینهم اؤزره تازه داغیم وار،
گدای کوی عشقم، سیم ایله زردن فراغیم وار.

جنونوم مبتلای زلف جانان اولمایان بیلمز،
پریشان خاطرین حالین پریشان اولمایان بیلمز.

بیتلری ایله باشلایان غزل‌لری یازان صاحبی:

۲۰ ➤ مقدمه: گۆرۆشلر و نظرلر

تعجیل ائدیپ هلاکیمه قصد ائتمه، ای اجل!

شاید وصال یارا ایرم، احتمالدیر.

مصراعلارین یارادان بیداری، صلاح، کرامی، رستم بیگ، قلیچ بیگ و
اؤنلارجا شاعرلر بونلارین سیراسینا داخل ائدیله ییلرلر...»^۱

۲ - ۲. رسیملی تۆرک ادبیات تاریخی

سامی بانارلی رسیملی تۆرک ادبیات تاریخی کتابیندا، یئرینده حبیبی نین حال

ترجمه سی و شعرلری نین تحلیلینی گتیریر و یازیر:

«حبیبی، آذری ادبیاتیندا م. ۱۴ عصر شاعری نسیمی نی م. ۱۶ عصرین
بؤیوک شاعری فضولی یه باغلایان بیر کئچیده دورینی، صنعتی و
شخصیتی ایله دۆلدورموش، اۆلدوقجا قدرتلی بیر شاعردیر. داها چۆخ
موفق اۆلدوغو ساحه، غزل طرزیدیر. غزللری عاشقانه و صوفیانه بیر ادا
ایله و یئر - یئر تمیز بیر تۆرکجه ایله سؤیلنمیشدیر. بیر طریقه منسوب
اۆلدوغو کسین اۆلاراق بیلینمه مکله برابر، اؤندا هضم ائدیلمیش بیر
تصوف دویغوسو واردیر ... شیعی اۆلدوغو قدهر حروفی اۆلدوغودا دقتی
چکن حبیبی نین، جانلی و آهنگلی بیر اؤسلوبو واردیر. نسیمی قدهر
جوشغون اۆلما ماقلا برابر حبیبی، صنعت قدرتی باخیمیندان اۆز
عصرینده کی آذری شعرینی تمثیل ائده بیلجک بیر قدرتدیر...

آذری ادبیاتیندا نسیمی دن فضولی یه قدهر بیر تکامل خطی گۆسترر،
ساده، صمیمی و عاشقانه سؤیله ییش، فضولی یه حبیبی نین شعریندن
کئچهرک اولاشمیشدیر. اساساً اؤنون صنعت دگری نین ان آچیق دلیلی،

۱. آراسلی، حمید. مختصر آذربایجان ادبیاتی تاریخی - ۱، باکی: ۱۹۴۳، صص. ۱۸۸ - ۱۸۶.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۲۱

بۆتۆن تۆرک شعرى نین ان قدرتلى شاعرې فضولى طرفیندن تسدیس و
تنظیر اندیلمه‌گه دیگر بولونموش اولماسېدېر.^۱

۳ - ۲. قدیم و اورتا عصر آذربایجان ادبیاتی

داها جامع و یتتلی بیر نظر و گؤرؤش. علیار صفری و خلیل یوسف
/ نۇغلونون مشترک یازدېقلارې قدیم و اورتا عصرلر آذربایجان ادبیاتی کتابیندا دقتی
جلب اندیر. همین یازبدان پارچالار نقل اندیریک:

«حبیبی آرتیق ۱۵ - نجی عصرده حامدی نین یارادېجېلېغېندا اؤزؤنؤ آیدېن
حس ائتدیرن، ۱۶ - نجی عصرین اوللرینده سروری و شاهى
یارادېجېلېغېندا داهادا گؤجله‌نن، فضولى شعرینده کمالا چاتان یئنی
شعریّت اؤسلوبون ان گؤرکملی نماینده‌لریندن بیریدیر. ۱۵ - نجی
عصرین آخرلاریندا ۱۶ - نجی عصرین اوللرینده یاشایېب یارادان بو
قدرتلى صنعتکارېن گؤزهل شعر دیلی، اؤسلوبو، شعرلرینده کی ساده‌لیک
و الوانلیق، صمیمی حسلری اعجازکار بیر شکله افاده ائتمک قابیلیتی اونا
آذربایجان ادبیاتی تاریخینده ایرجا بیر موقع قازاندېرمېشدېر...
... شعرلریندن الله اولان نمونه کر گؤستریرکی، حبیبی دنیا گؤرؤشؤ
اعتباری ایله وحدت وجودی بیر شاعر دیر. انتباه دؤورؤنون بیر چؤخ
صنعتکارلارې کیمی حبیبی نین وحدت وجودی اولماسې، مرقى بیر
حادثه ایدی. بو وحدت وجودی لیکده، فئودال دنیا گؤرؤشؤنؤن آیدېن بیر
انکارې واردېر.

۱. نهاد سامی بانارلی. رسمیلی تۆرک ادبیاتی تاریخی، اسلامبول: ۱۹۷۱، ج. ۱، ص. ۴۳۶.

حبیبی نین وحدت وجودی شخصیت کیمی، صوفی، یوخسا حروفی اؤلما سېنی الده اؤلان شعرلره گۆره تام آیدېنلاشدېرماق بیر قدهر چتیندیر. صوفی لیک و حروفی لیک آراسیندا بیر سېرا اساس مسأله لرده اؤلان یاخېنلېق دا بونا مانع اۆلور. آنجاق، اۆنون بعضی شعرلری، اۆ جمله دن «خرابات» ردیفلی پارچا شعرین حروفی لیگه و نسیمی یه یاخېن اۆلدوغونو آیدېنلاشدېرېر.

«خرابات» شعرینده کی سادالامالار، فضل دئیّه، فضل الله نعیمی یه اشاره ائدیلمه سی^۱ گۆستریرکی، حبیبی نین وحدت وجودو، حروفی وحدت وجولوغونا داها یاخېن اۆلموشدور...

حبیبی نین غنایی شعرلرینده، یئنی تیپلی خیرخواه انسانېن صورتی یارادېلېر. اۆنون دۆشۆنجه سربست لیگی، زمانه یه قارشې لاقیدلیگی، ساقی یه و پیر مغانا مراجعت لری شکیلنده وئریلیر. شاعرېن تغزل قهرمانی معناً آزاد اۆلموش انساندېر. حقیقتی درک ائتمک، معنوی اوجالېق، زمانه سی نېن محافظه کار و زاهد طبیعت لی آداملارېندان سئچیلیمک، رومان تیک خیاللارېن قانادېندا دهر و زمانېن غصّه سینی اونودماق، اۆنون اساس کیفیّت لری دیر:

ساقی! سحر دیر، سون بری، جام جمی نوش ائده لیم،
بو سنگسار اۆلموش سری اۆل جاملا سرخوش ائده لیم.
روح ایله عقلی راه ایله لایعقل و مست ائیله ییب.
دهر زمانین غصه سین بیر دم فراموش ائده لیم.

۱. کۆنۆل چیرکین یو گئتسین فضل الیله!

بو پارچادا تَغزلى قهرمانين رومانتىك تمثالي دؤورۇن حاكم ايدئولوژيىنى
تمثيل ائدن زاهد قارشى قۇيولور. اُونون حياتا، انسانا، گؤزەلليگه
مناسبتينده، گؤجلۇ بير سئوينچ واردېر. كدرلى دنيانين كدرلرينه سئوينجلى
بير رومانتىسم ايله جواب وئرمك قدرتى واردېر. لاکين قهرمانى عصرين
آداملارېندان سئچن بير كيفيتده اودور كى، اۇنلار وعدهلر ايله ياشاير...
تَغزلى قهرمان ايسه انسانى، سئودىگى گؤزەلى هر شئيه قارشى قۇيور، هر
نەدن اۇستۇن توتور:

سنه اى زاهد! بهشت و حور و رضوانى، منه،
اؤل بت زيبا نگارېمېن لقاسى خوش گلير.

و يا:

حور عينه دعوت ائتمه منى، واعظ! وارمازام،
حسن ايجينده چۇن كى شۇل بى مثل و بى همئا گلير.

شاعرين بو جسارتلى حُكم‌لرينى، اُونون صوفى - حروفى وحدت
وجودلونغوندان آيرى دؤشۇنمك، اوندان كناردا آختارماق دؤزگۇن دگيلدير.
اۇنداكى بو جسارت محض وحدت وجود اينانجېندان گلن، اُونونلا باغلي
اۇلان آزاد فكرليليگين نتيجه‌سيدر. حبيبي‌نين اثرلرينده انسان
گؤزەلليگى نين ترنم ائديلمه‌سى نين ده كؤكۇنۇ بورادا آختارماق لازمدېر.
حبيبي‌نين الدهه اۇلان اثرلى ايجهريسىنده، انسان گؤزەلليگى نين ترنم‌ۇنه
و عاشقانه دۇيغولارېن افاده‌سینه حصر ائديلميش شعرلر داها چۇخدور.
بورادا حبيبي داها قادردېر، اُونون اۇسلوبو داها پارلاق و آيدېن گۇرۇنۇر.
شاعر، انساندان گۇزل و اۇجا هئچ نه تانېمېر. انسانين سيماسېندا يئر ايله
گۇيۇ بيرلشديرير، اُونو «اى اۇزلۇ گۇنش» دئيه اۇيۇر. بونا، كئچيجى بير

حال كىمى يۇخ، شاعربن ايدئولوژىك موقعيتى، انسانا مناسبتده هانسې جيههده داينماسې نېن نتيجهسى كىمى باخماق لازمدېر. انسانى، «حورى ملك سيما بشر»، «جان گۆيۆنده دۇغان قمر اۆزلۆ گۆنش» آدلاندىران حبيبى نېن فكرلرى و حسلرى حاكم ايدئولوژيه ضددير. شاعر حسلرېنى افاده اۆچۆن، زنگين شعر ديلينه، قانادلي رومانتيك اؤسلوبا مالكدېر. اؤنون قناعتلرېنى افاده طرزىنده آرخابېنلىق و گۆجلۆ اينام دويولور. انسانى، دنيانى ايشىقلاندىران گۆنش سايماق آنجاق شاعرانه تشبيه ديگيل، انسانېن يئر اۆزۆنده كى موقعينه وئريلن قطعى قيمتدير. حبيبى نېن شعرلرېنده ترنم ائديلن تكجه گۆزل قېز، سئوگىلى ديگيل، همده عموميتده انساندېر... انسان گۆزه لايىگى نېن تصدىقى و رنگارنگ بۇيالار ايله وصفى باخېمېندان «دئديم - دئدى» مسدسى، حبيبى ياراديجېلېغې نېن ذروهسى سايبلا بيلر. غنائى عنصرلر ايله حماسى واسطه لرين، جدى ليك ايله شوخلوعون، الوانلىق ايله ساده ليگين غريبه شكلده بيرلشديگى بو اثر، دؤغروداندا، تكجه حبيبى ياراديجېلېغې نېن ديگيل، بۆتۆنلۆكله آنريايجان كلاسېك شعرى نېن گۆزەل نمونه لرېندندير. بورادا، مدائن خرابه لرى، انيس القلب و گۆرمه ديم كىمى شعرلرده اؤلان درين اجتماعى مضمون يۇخدور. زمان ايله دؤيۇش، اؤنون اجتماعى اساسلارېنى گۆلجۆ شكلده انكار حبيبى نېن الده اؤلان بۆتۆن شعرلرى اۆچۆن ياددېر. لاكېن زمانېن ايدئولوژيىسېنه قارشې چېخماق، اؤنون انسانا مناسبتىنى رد ائديب انسانا محبتى اؤنا قارشې قويماق حبيبى شعرى نېن، اؤجمله دن «دئديم - دئدى» مسدسى نېن سجيەوى جهتىدير. بۇيۆك انسان سئوهر حبيبى نېن انسان گۆزه لايىگى نېن دويودوغو چۆخ جهتلى ذوق، شعرين اساس موضوعودور. اؤنون دوروشو، باخېشې، دانېشېغې، زينتى، گئيمى، حركتى، الى، اۆزۆ،

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۲۵

ساچې، خالې، دیشې، دۇداغې الهام ایله ترنم ائدلمیشدیر. بنزه تمه‌لرده کی
یئنی لیک و آردیجبللق خصوصیه دقتی جلب ائدیر:
دۇن گۆردۆم اول نگار طربناک و ارجمند،
کافور الیه دسته‌له میش عنبرین کمند.
باخدیم شکنج طره‌سینه زار و مستمند،
بیر شخص ناتوان اوتورور گردنینه بند.

«- کیمدیر بو مسکین، اول نه رسندیر؟» - دئدیم دئدی:

«- زلفۆم کمندی توتساغی جانبدبربر سنین!»

چکمیش جماله فرّ و دم و عزّ و جاهې،
عنبرله دۆلدوروب، باشا اگمیش کلاهې.
ابرین یۆزۆندن آلدې و عرض ائتدی ماهې،
گۆردوم یۆزۆنده دانه‌ی خال سیاهې.

«- شول مشک لاله اؤزره نلندیر؟» - دئدیم دئدی:

«- جانېندا عکس داغ نهانېندبربر سنین.»

ایستر یارادېلان تمثاللار، ایستر بو مناسبت ایله ائدیلن سؤال — جواب،
مرکب، زنگین، عین زماندا شن، شوخ حسلری افاده ائدیر. حبیبی‌نین
استفاده ائتدیگی «دئدیم - دئدی» اصولونون اؤزۆده یئنی دیر. باشقا سؤال
— جوابلار بنزه‌میر. بورادا دئدیم — دئدی‌لرین مصراعلاردا
یئرلشدیریلمه‌سینده ده اؤزۆنه مخصوصلوق واردیر.

حبیبی‌نین یارادیجبلېغېندا غنای قهرمانېن داخلی عالمې‌نېن، زنگین
دۇیغولارې‌نېن، سئوینج و کدری‌نین افاده‌سې‌ده اؤستۆن یئر توتور. اؤنون
بیر سېرا شعرلرینده داها چۆخ گۆزهل وصف ائدیلمیسه، بیر قسمینده
عاشقېن حسلری عکس ائتدیریلیر. اؤنون سئودیکې گۆزله اولان گۆجلۆ

۲۶ ➤ مقدمه: گۆرۆشلر و نظرلر

میلی، اۆرهک یانغیلاری واردير. بو باخیمدان کلاسیک شعریمیزده بۆیۆک
عکس صدا اۇبادان آشاغیداکى غزل داها سجه دیدیر:
گرچی شاد اؤلمان دخی، ای دل! بوندان بۇيله کیم،
چۆن مننه همدم اؤلان سنسن، نه سن اؤلگیل، نه من.

شعر، دنیوی حسلرین حرارتلی افاده سی و تصدیقیدیر. عاشقین معنوی
عالمین، سئوگیسین، صداقتین بۆتۆلۆگۆ، گۆزه للیگی طبیعی و
ایناندیرجی سسله نیر. اوللر عشق اهلینه گۆلن عاشقین سئومه سی،
محبت آلولاریندا یانماسی اۆنون اۆزۆنده اۆخونودا ایناندیرر کی بو
سئوگی ابدی و دگیشمز دیر. عاشقین اۆلۆمۆندن یۆز ایللر کئچسه، کله
سۆمۆگۆنده عقربلر وطن توتسدا، سئودیگی گۆزه لین زلفونون سئوداسی
اۆنون باشبندان چیخما یاقاقدیر. حروفی شعرلرینده انسانی
الاهیلشدیرمکله اۆجالدان شاعر، بورادا اۆنو معنوی گۆزه للیگی، انسانی
صفتلری ایله گۆیلره قالدیرر، یۆکسک و تمیز گۆستیرر. فضولی و ختایی
کیمی صنعت کارلارین بو غزله تخمیس و جواب یازماقلاری دا تصادفی
دیگیدیر. یوخاریدا قید ائدیلدیگی کیمی، حبیبی نین بو غزلی کشوری به
جواب یازدیغی داها ایناندیرجی گۆزۆنۆر.

هر حالدا، حبیبی نین شعر صمیمی لیگی، عاشقین معنوی عالمین داها
قاباق چیزگیلر ایله عکس ائتدیردیگی شعر فضولی نین شعر اۆسلوبونا داها
داخل اولدوغو اۆچۆن فضولی، کشوری یۆخ، حبیبی نین شعرینی تخمیس
اتمیش دیر.

حبیبی شعرینین اۆیره نیلمه سی گۆستیرر کی، اؤ، ۱۵ — نجی عصرین
سۆنو و ۱۶ — نجی عصرین ایلک یارپسیندا یاشامیش اۆزۆنه خاص بیر

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۲۷

صنعت‌کاردپر. او، آذربایجان شعرینه یئنی شعر فورماسی و تمثاللی افاده‌لر
گتیرمیش، اؤزوندن سؤنرا کی شعره معین تأثیر گؤستریمیشدیر.^۱

۴ - ۲. دیانت وقفی اسلام آنسیکلوپدیسی

ملک الشعراء عبدالله حبیبی ایله علاقه‌دار ان سون یازیلان ییغجام علمی
مقاله، «ساسانی، چنگیز صادق /وغلو» امضاسی ایله دیانت وقفی اسلام
آنسیکلوپدیسینده نشر اولان «حبیبی» ماده‌سی مقاله‌سی‌دیر. همین مقاله‌دن
بعضی پارچالار نقل ائدیریک:

«... آذری آراشدیرماچیلار، خلق شعرینه ایلگی دویان حبیبی‌نین بو
قاینقدان آلدیقلاری ایله کلاسیک تورک شعرینه یئنی بیر دویارلیق
گتیردیگینی قبول ائدرلر. آذری تورکجه‌سی ایله یازیلدیغی اؤچون تذکره
یازارلاری‌نین «عجمانه اؤسلوبو» دئییه تعریف‌لهدیکلری شعرلری ساده و
صمیمی بیر افاده داشیماقدادیر. جانلی و پارلاق مجازلار ایله عاشقانه و
تصوفی - فلسفی منظومه‌لرده یازان حبیبی‌نین شعرلرینده یئر - یئر
حروفی‌لیک ایله ایلگیلی مضمونلاردا راستلانماقدادیر. محمد فؤاد
کؤپرؤلؤ، نسیمی، ختایی و فضولی آراسیندا بیر کئچمیش دؤنه‌مین
تمثیل ائدن حبیبی‌نی یاشادیغی دؤنمین ان اؤنملی آذری شاعرلریندن
بیری اولاراق قبول ائدر. حبیبی، گئنیش اؤلچوده نسیمی‌نین تأثیرینده
قالمیش، شیخی‌دن و بیر اؤلچوده /حمد باشادان دا تأثیرلنمیشدیر. هم

۱. صفلی، علیار. /خ. یوسف‌اوف. قدیم و اورتا عصرلر آذربایجان ادبیاتی، باکو: معارف نشریانی، ۱۹۸۲،
صص. ۲۱۵ - ۲۱۰.

۲۸ ➤ مقدمه: گۆرۆشلر و نظرلر

آذری، هم عثمانلی شعر گله‌نگینه باغلی اۇلان م. ۱۵ عصر شاعرلریندن
خلیلی‌نین ده شاعر اۇزرینده اۇنملی تأثیر و واردیر.
حبیبی، آذری ساحه‌سینده یئتیش شاعرلره، نسیمی‌دن سؤنرا ان چؤخ
تأثیر قۇیانلاردان بیریدیر. اؤنون شعرینده کی ان اۇنملی عنصرلر، عشق،
معشوق، خرابات، میخانه، جام، حضرت آدم، سجده، وحدت، اثرمه کیمی
تصوفی مفهوملاردیر ...»^۱

۵ - ۲. حبیبی شعرلر

عزیز آقا محمّدوف حبیبی‌نین شعرلرینی توپلامیش و ایلیک دفعه اولاراق
کتاب حالیندا نشر ائتمیشدیر. بو کتابا یازدېغی اؤن سؤزۆن بیر نئچه پارچا نقل
اؤدیریک:

«حبیبی م. ۱۴ عصر گۆرکملی آذربایجان شاعری نسیمی ایله م. ۱۶
عصرده باشامیش بؤیۆک فضولی آراسیندا یئتیش قدرتلی بیر شاعر دیر...
م. ۱۵ عصرده نسیمی‌دن سؤنرا، اؤنون قوتلی ادبی تأثیرینه معروض
قالان بیر چؤخ آذربایجان شاعرلری کیمی، حبیبی‌نین یارادیجی‌لیغیندا
حروفی‌لیک اؤزۆنۆ آیدین گۆستریمیشدیر. بوندان باشقا ۱۵ عصر آق
قویونلارین و شیروان شاهلارین حاکمیتی زمانی، وحدت وجود دنیا
گۆرۆشۆ قوتلنمیشدی. بو دؤورۆن شاعرلرینده خرافه‌چیلیگه قارشې مبارزه
عمومی بیر حال آلمیشدیر. ائله‌جه‌ده بو آیینلرده صوفی‌لیکله هئچ بیر
علاقه‌سې اولمایان حس‌لر، دۆشۆنجه‌لر وحدت وجود آنالیمیشې ایله
اؤرتۆلۆب، اؤنا مخصوص اصطلاحلار ایله اجرا اولونوردو.

۱. صادق اوغلو، چنگیز. حبیبی (دیانت و قی اسلام انسیکلوپدیس)، ج. ۱۴، صص. ۳۷۵ - ۳۷۴.

بو دؤورۇن باشقا آذربایجان شاعرلری کیمی حبیبی نین ده اسلوبوندا بیر ساده‌لیک، صمیمی‌لیک اۇزۇنۇ گۇستریردی. شاه اسماعیل ختایی کیمی شاعرلر خلق روحونا یاخین هجا وزنی ایله شعرلر یازپردی. اؤدورکی حبیبی نین ادبی شخصیت کیمی تشکّل - ۇنده آذربایجان ادبیاتین بونو عمومی جهتینی آیدین گۇرۇرۇک. لاکین شاعره نسیمی نین تأثیری داها قوتلی اولموشدور.

حبیبی نین الیمیزده اولان شعرلرینده صوفی تعبیرلری - اصطلاحلاری تتر - تتر گۇزه چارپیر. بورادا اولان عشق، عاشق، معشوق، میخانه، خرابات، جام جم، واعظ و اونون مرشدی نین تنقیدی شاعرین وحدت وجودی دنیا گۇرۇشۇ ایله باغلی اولوبدور... آزاد دۇشۇن بۇتون ادبی سیمالار کیمی، حبیبی ده اۇز شعرلرینده انسان لیاقتینی و معنوی گۇزه‌للیگینی ترتم ائدیر. حبیبی اورتا عصر علملرینی، شرق ادبیاتین بونو بۇیۇک نمونه‌لرینی و ائله‌جه‌ده شاهمات اویونونو یاخشې بیلیردی. بو جهتلر، اونون شعریندهده عکس اولونموشدور.

حبیبی یالنیز آذربایجان دا دگیل، عراق دا یارانان شعره، عثمانلی ادبیاتیندا گۇجلۇ تأثیر گۇستریمیشدیر.

آذربایجان ادبیاتیندا حبیبی شعرلری نین شاه اسماعیل ختایی، فضولی، م. ۱۶ عصرده یاشامیش روحی بغدادی و م. ۱۹ عصرده اسماعیل بیگی ناکام - بن یارادیجیلرینا مثبت تأثیر گۇستردیگینی ده قید ائتمه‌لی‌یک ... حبیبی ائله‌جه‌ده آذربایجان و یاخین شرق خلقلری نین زنگین ادبی ارشی ایله تربیه‌لنمیشدیر...

حبیبی نین دلی، اکثر حالدا خلق افاده طرزینه یاخین، ساده و بدیعی، اکثرین آنلایا بیله‌جگی شعر دیلیدیر. بورادا چتین آنلاشیلان عرب و

۳۰ ➤ مقدمه: گوروشر و نظرلر

فارس ترکیبلی آزدیر، شعرلرینده ان ضروری حاللاردا آغیر ترکیبلره یول وئرمیر. حبیبی شعرلرینده دیلین طبیعی لیگینه، جانلبلهغینا، ساده و آیدین یازلماسینا میل گؤستمیشدیر.^۱

۶ - ۲. دانشنامه‌ی ادب فارسی

اولکهمیزده یاخین ایللرده نشر اولان: سرایندگان شعر پارسی در قفقاز،^۲ زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی،^۳ دانشنامه‌ی ادب فارسی - ادب فارسی در قفقاز^۴ و بو کیمی کتابلاردان ایسه، اوخوجو هئچ بیر فایدا آپارا بیلیمیر. بونلاردا یالئز تکرار، تحریف و لوغالانمالارا راست گلیمک اولار. نمونه اوچون تکرار و تحریفلری حذف ائدرک، دانشنامه‌ی ادب فارسی ده یازیلان حبیبی ماده‌سیندن بعضی پارچالار نقل ائدیریک:

«حبیبی آذربایجانی: برگشاد از توابع گؤک‌چای (قرباغ ۹۴۹ - استانبول ۹۹۹ ق.) (شاعر ایرانی. وی تا ده دوازده سالگی شبانی می‌کرد. پس از فروپاشی دولت آق‌قویونلو، حبیبی به خدمت اسماعیل یکم صفوی (۹۰۶ - ۹۳۰ ق.) درآمد و به منصب ملک‌الشعرایی سرافراز گشت. افزون بر این، میان او و شاه روابط صمیمانه‌ای برقرار بوده است. وی پس از تصرف تبریز به دست نیروهای عثمانی و شاید پیش از آن به عثمانی کوچید. حسن چلبی در تذکره‌ی خود آورده که حبیبی در پادشاهی بایزید دوم (۸۸۶ - ۹۱۸ ق.) به عثمانی رفت و پس از گشت و گذارهایی در آن

۱. محمدوف، عزیزآقا. حبیبی شعرلر، باکی: یازبچی، ۱۹۸۰، مقدمه، صص. ۱۰ - ۷.

۲. دولت‌آبادی، عزیز. سرایندگان شعر پارسی در قفقاز، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۰، ص. ۱۷۶.

۳. امین ریاحی، محمد. زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران: پازنگ، ۱۳۶۹، ص. ۱۶۹.

۴. انوشه، حسن. دانشنامه‌ی ادب فارسی - ادب فارسی در قفقاز، تهران: ۱۳۸۲.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۳۱

سامان، در پادشاهی سلیم یکم عثمانی (۹۱۸ - ۹۲۶ ق.) درگذشت. از چند و چون زندگی وی در عثمانی چیزی دانسته نیست، اما می‌توان گفت مقام ادبی و شاعری او را در آن دیار نیز می‌شناختند؛ چه، شماری از اشعار او در جامع‌النظار که در آن سال‌ها تألیف شده، آمده است. وی مذهب شیعه داشت و از پیروان حروفیه و به قولی حلقه‌ی اتصال میان نسیمی (- ۸۲۰ ق.) و فضولی (- ۹۶۳ ق.) بود.

پس از درگذشت حبیبی، پیکرش را در خانقاه جعفرآباد/استانبول به خاک سپردند. در صحف ابراهیم و دانشمندان آذربایجان از شاعری مختلص به جیشی یاد شده که گزارش زندگی او نزدیک به شرح حال حبیبی است و چنین می‌نماید که جیشی تحریفی از حبیبی است. از اشعار او است: «مرا تو دیده و از دیده هم عزیزتری - چه دیده‌ای که بر احوال من نمی‌نگری؟!»^۱

۱. همان، ص. ۲۰۹.

۳. ياشايشى

الده توتارلى و گنىش بىلگى اولمايان ملك الشعراء عبد الله حبيى نين ياشايشى باره سينده، مكملى بير بحث ائتمك ممكن دگىلدىر. هلهلىك سىدلره و گوروشلره، همده الده اولان شعرلرينه دايناراق، امكان داخلىنده اونون حيات ماجرالارنى تدوين ائتمگه چالشبىرىق. البته كى كامل ديوانى تاپىلاندان سونرا، گلهچكده ياشايشىنىڭ دا شرحى مفصل يازىلاقچى، ان شاء الله.

۱ - ۳. دۇغوم اىلى

عبدالله حبيى، ظن ائىلى ۸۷۰ - ۸۶۵ ھ. اىللىرى آراسىندا دىنيايا گلەشيدىر. اونو يىنى يىتمە گىچ اىكن، ۸۸۳ - نجو ايلدىن سونرا سلطان يعقوب اوز دربارىنا ابارمىشدى. اونون دۇغوم تارىخىنى، همىن تارىخده ۱۲ - ۷ ياشلارى آراسىندا اولدوغونو ظن ائتمككە، چىخارماق اولور.

۲ - ۳. دۇغوم يىرى

دۇغوم يىرى سىدلره «برگوشاد» كندى آدلاندىر بلمىشدىر. بو كند، ايندى آذربايجان جمهورىيىتى، لاجار منطقه سىندە گوى چاى يانيندا يىرلىشىر. ۱۹۷۶ م. اىلى نين باش سايىمىنا گۆره ۴۰۱۷ نفر اھالىسى وار ايدى.^۱

۳ - ۳. آدى

حبيى بير يىردە دئىير:

اولدورور سلطان ايكى عالمده بس،

۱. آذربايجان ساوت انسېكلوپىدىسى، ج. ۲، ص. ۱۵۰.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی ۳۳

چون حبیبی هر کیم عبدالله اؤلا.

بورادا عبدالله کلمه‌سینده ایهام واردبیر. بیر طرفدن «سلطان نؤکری» اؤلماغی، الله عبدی و بنده‌سی اؤلماق ایله مقایسه ائدیر و باشقا طرفدن ده اؤز آدنا ظریف بیر اشاره ائله‌ییر؛ یعنی دئمک ایسته‌ییرم کی اؤنون بورادا اؤز آدنا رمزلی بیر اشاره‌سی واردبیر. باشقا بیر سند و آیری بیر تصریح تاپیلانا قدهر، بیز اؤنون آدنی عبدالله تانیییریق.

۴ - ۳. تخلصو

شاعرين تخلصو حبیبی‌دیر کی بؤتون سندلر و قایناقلاردا اؤنا تصریح اولونور. بیر تذکره، یانلیش اولاراق اؤنون آدنی «جیشی» اوخوموشدور و سؤنرادان گلن تاریخچیلر، او جمله‌دن محمدعلی تربیت همین ماده‌نی ده ضبط ائتمیشلر. رحمتلی عبدالرسول خیام‌پور، فرهنگ سخنوران اثرینده هر ایکی تخلصی ماده باشی ائتمیشدیر.^۱

۵ - ۳. عائله‌سی

عبدالله حبیبی یوخسول بیر کندلی عائله‌سینده دنیایا گلمیشدیر. اؤنون عائله‌سی‌نین یوخسوللوق ایله ال به یاخا اولماسینا، سام میرزا اؤز تذکره‌سینده تأکید ائدیر.

۱. خیام‌پور، عبدالرسول. فرهنگ سخنوران، تبریز: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۲، حبیبی و جیشی ماده‌ی باشلاری.

۳۴ ➤ مقدمه: یاشاییشی

۶ - ۳. اوشاقلیق و گنجلیگی

حبیبی نین اوشاقلیق و یئنی یئتمه لیگی برگوشاد قصبه سینده کچمیشدیر. او اوشاقلیق دان چوبانلیق ایله مشغول ایدی. او، کیچیک ایکن قابلیتلی بیر چوبان ایمیش و بویوک بیر سۆرؤ اداره ائده رمیش. ذکاوتلی و هوشلو باشلی بیر گنج ایمیش.

۷ - ۳. سلطان یعقوب ایله گۆرۆشۆ

بیر گۆن چوبانلیق ائده رکن، سۆرؤدن قېراق، یولدان /وزون حسن /وغلو سلطان یعقوب کتچیرمیش. آغېر سۆرؤنۆ گۆرۆرکن، آداملارېندان بیرینی، چوبانېن یانېنا گۆنده ریر کی سۆرؤ صاحېېنېن آدېن سۆرۆشسون.

او آدام عبدالله دان سۆرۆشور:

- بو قوزولار کیملریندیر؟

عبدالله دئیر:

- قویونلارېندېر!

سلطانېن ملازمی بو جوابدان ناراحت اولوب سۆرۆشور:

- کندی نین بویوکلری کیملر دیر؟

عبدالله دئیر:

- اؤکۆزلرلاپ بویوکدۆرلر.

ملازم دئیر:

- اونو دئیرم، کنده گلنلری کیملر قارشېلاياچاقلار؟

عبدالله دئیر:

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۳۵

- اول ایتلر قاباغا چیخارلار.

ملازم بو جوابدان چوخ قېزاراق دئییر:

- آی سنی نه چاپایدیم، سنی!

عبدالله جوابدا قالمیر و دئییر:

- چاپ کی یولداشلارین گتتدیلر.

او آدم بو جوابلاری سلطان یعقوب چاتدبرارکن، سلطانین اوندان خوشو گلیر و اونو اوز دربارینا آپارتدبرر.^۱

سلطان یعقوب آق قویونلولار سلسله‌سی‌نین شاهلاری‌نین بیرسی ساییلیر.

۸ - ۳. آق قویونلولار و حسن پادشاه

بیر یویوک تورکمن خاندانی اولان آق قویونلولار حاققیندا ان اولکی و مهم قایناق، حسن پادشاهین یانیندا تربیت تاپان /بویکر طهرانی‌نین دیار بکریه کتابیدیر. او، بو کتابدا حسن پادشاهین. ۵۲ جیدینی ساییراق، اونون سؤیونو /وغوزخانا چاتدبرر و نتیجه کیمی دئییر کی آق قویونلولار، اغوزلارین بیر گئیش شاخه‌سی کیمی تورکستان، قبیچاق و آذربایجان ولایتلرینده تاپلمیشلار و اصلاً آذربایجان‌لی ساییلیرلار.

آق قویونلولارین ایلیک پادشاهی بایوندورخان اولموشدور کی دده‌قورقود حماسه‌لرینده اونون آدینا بوی واردیر.

آق قویونلولارین سؤنرالار ظهور ائدن ان یویوک پادشاهی، حسن پادشاهدیر.

۱. بو روایتین قایناغی «تحفه‌ی سامی» دیر.

۳۶ ➤ مقدمه: یاشاییشی

سلطان یعقوب - ون آتاسی / ابوالنصر صاحبقران حسن پادشاه (اوزون حسن) اؤز عصری نین چوخ گؤجلو و لیاقتلی فاتح و پادشاهی ایدی. اؤنون پایتختی تبریز ایدی. اؤنون زمانیندا بیر چوخ کتابلار تورکجهیه ترجمه ائدیلدی. حتی اؤنون فرمانی ایله قرآن مجیدین تورکجه ترجمه‌لری حاضرلاندی.^۱

حسن پادشاه ۸۸۲ - ۸۵۷ هـ. ق. ایللری آراسیندا شاهلیق ائتمیشدیر. او دین، معارف، علم، مدنیت و شاعرلیگه چوخ اهمیت وئرن دیندار بیر شخصیت ایدی. تبریزده حله‌ده برپا اولان «حسن پادشاه مسجدی» اؤنون یادگارلارینداندیر.

جلال‌الدین دوانی اؤنو هجری ۹ - نجو عصرین سئچگین انسانی ساییر و حتی سعی ائتمیشدیرکی قرآن‌دان اؤنون عدالتلی حکومتی ایله علاقه‌دار بیر سند چبخارتسین و روم (۳۰) سوره‌سینده کی «بضع» کلمه‌سینی تاپمیشدیر کی جمل حسابی ایله ۸۷۲ هـ. ق.، یعنی: حسن پادشاهین حکم رانلیق ایلی ایله مقارن گؤرؤنور.^۲

۹ - ۳. سلطان یعقوب

حسن پادشاه‌دان سؤنرا، سلطان یعقوب بیگ (د ۸۹۶) شاهلیغا یئتیشمیشدیر. فضل بن روزبهان خنجی، تاریخ عالم‌آرای امینی کتابیندا دئییر کی سلطان یعقوب، حسن پادشاهین ان لیاقتلی جانشینی‌دیر.^۳

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی،

۱۳۶۷. ج. ۱، ص. ۵۰۶.

۲. همان یئر.

۳. همان یئر، ص. ۵۱۵.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۳۷

سلطان یعقوب ۱۲ ایل پادشاهلیق ائتمیشدیر و وبا خسته‌لیگینه دچار اولوب وفات ائتمیشدیر.

آق‌قویونلولار (۹۰۸ - ۷۸۰ هـ. ق.) ایللری آراسیندا آذربایجان و دیار بکر ولایتلرینه حکم رانلیق ائدیردیلر. شاه اسماعیل ختایی ۹۰۷ هـ. ایلینده «شرور» ساواشیندا اؤنلاری مغلوب ائتدی.

قارایولوق عثمان بیگ، علی بیگ، حمزه بیگ، جهانگیر بیگ، ابوالنصر صاحبقران اوزون حسن (حسن پادشاه) سلطان خلیل، سلطان یعقوب، بایستقر میرزا، رستم میرزا، احمد میرزا، مراد میرزا، الوند میرزا آق‌قویونلولارین پادشاهلاری سایلبیر.

آق‌قویونلو حکمداری سلطان یعقوب بیگ، شعر و مدنیته چوخ اهمیت وئرن بیر پادشاه ایدی. او، حسن پادشاهین اوغلو، و آق‌قویونلولارین اوچونجو گوجلؤ پادشاهی ایدی. آتاسی دیری ایکن دیار بکر والیسی ایدی. آتاسیندان سؤنرا سلماس یاخینلیغیندا سلطان خلیل ایله ساواشدی و اونا غلبه چالپ تبریزه گئتدی و تبریزده تخت و تاجی اله کئچیرتدی. او، اؤن ایکی ایل شاهلیق ائتدی و ۸۹۶ هـ. ایلینده دنیا یا گۆز یومدو.

سلطان یعقوب دانشمند و عالم بیر پادشاه ایدی. اؤنون فارسجا و تۆرکجه شعر دیوانلاری دا واردیر. بیر چوخ عالیم‌لر اؤز کتابلارینی اؤنون ترییه‌سی و حمایه‌سی ایله تألیف ائتمیشلر. او جمله‌دن محمد بن موسی ثالثی که شرح حکمة‌العین اثرینی اؤنون آدینا یازمیشدیر. فارسجا تذکره‌لرده سلطان یعقوبون بعضی شعرلرینی ذکر ائتمیشلر. مثال اولاراق اؤندان آشاغیداکی شعر ی بیر چوخ تذکره‌لر نقل ائتمیشلر:

دنیا که در او ثبات کم می‌بینم،
در هر ضرحش هزار غم می‌بینم.
چون کهنه رباطی‌ست که از هر طرفش،
راهی به بیابان عدم می‌بینم.

۱۰ - ۳. تبریزه ادبیات و مدنیت پایتختی

سلطان یعقوب زمانبدا، اؤنون آتاسی حسن پادشاهبسن زمانی کیمی،
تبریزده علم و ادب چوخ ترقی ائتمیشدیر. اؤنون عصرینده، علی بن محمد
قوشچی، کمال‌الدین شیرعلی بنایی، جلال‌الدین دوانی، نورالدین عبدالرحمان
جامی، فضل‌بن روزبهان خنجی، مولا محمد شریحی، عبدالحی نیشابوری و
سائر ظهور ائتمیش و فراوان یاشامیشلار. او ملاعبدالرحمان جامی اوچون
معاش تعیین ائتمیشدیر.

سلطان یعقوبون تۆرکجه دیوانبندان الیازمالا موجوددور. اؤنون زمانبدا
تبریزده مینیاتور مکتبی‌ده یارانمیشدیر. اسلامی اینجه صنعت تاریخی ایله
مشغول اولانلار، بونا «تبریزین تۆرکمن مینیاتور مکتبی» آدی وئریلر کی صفوی
مینیاتور مکتبینه تأثیر قۇیموشدور.

سلطان یعقوب تبریزده چوخلو بنالار، مسجد، مدرسه، کاروانسرا، خسته‌خانه و
زاویه‌لر ایله بیرلیکده بیرده سارای‌دا دۆزه‌لتدیرمیشدیر. بو سارایدان تبریزه گلن
ونیزلی تاجرلر اؤز سفرنامه‌لرینده آد آپارمیشلار.

۱۱- ۳. تبریز، شاعرلر مرکزی

- سلطان یعقوب - ون درباربندا شاعرلر مجلسی تشکیل ائدیلیردی. بورادا تحفه‌ی سامی‌ده آدلاری چکیلن بو شاعرلری آشاغیدا معرفی ائدیریک:
۱. سلطان یعقوب - ون درباربندا یاشایان شاعرلر آراسیندان، /سفر/ین لی میر همایون آدلې شاعری آد آپارماق اولار. سام میرزا یازپر:
«... در اوایل جوانی به عراق آمده، به واسطه‌ی لطف طبع به مجلس سلطان یعقوب افتاد، ترقی کئی، او را دست داد. پادشاه او را خسرو کوچک می‌خواند.»^۱
 ۲. باشقاسی ملک محمودجان دیلمی ایدی. سلطان یعقوب اونو اوزونه وزیر ائتمیشدی.^۲
 ۳. باشقاسی قاضی عسکر آدلې ادیب و شاعر، همده /وزون حسن زمانی، سلطان یعقوب - ون معلمی‌ده اولموشدور.^۳
 ۴. باشقاسی مولانا انیسی، هم شاعر و هم نستعلیق یازان خطاط ایدی.^۴
 ۵. باشقاسی سلطان یعقوب آدپنا بهرام و بهروز آدلې مثنوی یازان مولانا بنایی ایدی.^۵
 ۶. باشقاسی باباغانی شیرازی دیر. سام میرزا یازپر:

۱. تحفه‌ی سامی، ص. ۴۳.

۲. همان یئر، ص. ۹۱.

۳. همان یئر، ص. ۱۱۷.

۴. همان یئر، ص. ۱۳۴.

۵. همان یئر، ص. ۱۶۷.

۴۰ ➤ مقدمه: یاشاییشی

«آن زمان که به خدمت سلطان یعقوب افتاد، ترقی کلی کرد و در آن

زمان او را باباشاعر می گفتند.»^۱

۷. باشقاسی مولانا شهید قمی ایدی کی سلطان یعقوب اونا

«ملک الشعراء» لقبی ده وئرمیشدی.^۲

۸. باشقاسی درویش دهکی دیر. سام میرزا نین دلیجه دسک. سلطان

یعقوب - ون خدمتینده ترقی ائندی و پایتختین آدلیم شاعرلریندن اولدو.^۳

۹. باشقاسی بابا نصیبی گیلانی ایدی کی بابا فغانی واسطه سی ایله

سلطان یعقوب - ون دربارنا یول تاپمیشدیر. بو شاعر تبریزده وفات

اؤتمیشدیر.^۴

۱۰. باشقاسی الف ابدال آدلې طنز و هزل یازان بیر شاعر. سام میرزا

دئیر:

«... ظرافت او با سلطان یعقوب در آذربایجان شهرت دارد. گویند روزی

از پادشاه مذکور بره پوستینی صوف طلبیده بود. پادشاه گفت:

- می دهم، به شرط آن که بانگ گوسفند کنی!

او گفته بود:

- مگر آن که مربع باشد!

و مربع را کشیده و گفته بود:

- این مربع به طریق آواز گوسفند است.»^۵

۱. همان یئر. ص. ۱۷۶.

۲. همان یئر، ص. ۱۸۴.

۳. همان یئر، ص. ۱۸۶.

۴. همان یئر، ص. ۱۹۳.

۵. همان یئر، ص. ۱۹۵.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۴۱

۱۱. باشقاسی مولانا حیرانی ایدی. سام میرزا یازپر:
«... سخنوری شیرین کلام بود و قوت حافظه‌اش به مرتبه‌ای بود که
صدهزار بیت به خاطر داشت. در زمان سلطان یعقوب از جمله‌ی ندما بود
و در جمیع اصناف سخن، شعر گفته [بود]. از مثنویات او کتاب[های]
بهرام و ناهید، مناظره‌ی آسمان و زمین، سیخ و مرغ، و مناظره‌ی شمع و
پروانه است.»^۱

۱۲. باشقاسی/انصاری قمی، گۆزهل شعرلر صاحبی دیر:
گفتی به داغ هجر بسوزانمت جگر،
صد داغ بر دل است مرا این یکی دگر.^۲

باشقاسی میرمقبول قمی کی گنجلیگینده سلطان یعقوب - ون قوشونوندا
منصب صاحبی ایدی.^۳
سلطان یعقوب زمانی تبریزده ۷۰۰ نفره یاخین جدی و فعال شاعر
یاشایپردیلار. اونلارا باشچیلیق و رئیسلیک ائدن ملک الشعراء عبدالله
حبیبی ایدی.

۱۲ - ۳. شاه اسماعیل درباربندا

۸۹۰ هـ. ایلینده سلطان یعقوب اولدوکدن سؤنرا، عبدالله حبیبی شاه
اسماعیل ختایی نین درباربنا آپاربلر و اونون یانیندا قالر.

۱. همان یئر، ص. ۱۹۸.

۲. همان یئر، ص. ۲۵۹.

۳. همان یئر، ص. ۳۴۹.

۴۲ ➤ مقدمه: یاشاییشی

ظن آندیریک کی شاه اسماعیل—ین دربارنا گتدیگی ایل، ۲۵ — ۲۰
یاشلاریندا ایملش و گنج اولماسینا باخمایاراق اؤستاد بیر شاعر کیمی تانینردی.

۱۳ - ۳. شاه اسماعیلین ادبی و علمی مقامی

شاه اسماعیل ختایی اؤزؤ آدلم شاعر اولموش تاریخی قاینالارین یازدېغینا
گؤره، اونون درباری عالمر و شاعرلر ایله دولو ایدی. سام میرزا صفوی نین
یادېغینا گؤره، شاه اسماعیل ختایی نین زمانیندا یاشایان ائله بیر فارس شاعری
تایماق اولماز کی اونون شائینده کتاب باغلاماسین و مدح یازماسین. اقتباسات و
مختارالآخبار آدلې کتابلارین مؤلفی اولان هرات قاضی القضااتی قاضی اختیار، شاه
اسماعیل مدحینده یازېر:

شه خضر رای سکندر ضمیر،

فریدون علم، خسرو جم سریر.

نکرد، آنچه او کرد در عزم و حزم،

نه حاتم به بزم و نه رستم به رزم.^۱

مولانا قاضی شمس الدین محمد تبریزی، ملک محمودجان دیلمی، شاه
میردیلمی، خواجه محمد کرمانی، مولانا عبدالله هاتفی، مولانا بنایی هروی،
مولانا امیدی تهرانی، مولانا مانی شیرازی، فتحی تبریزی، امیر نجم ثانی بیر
چوخ فارس شاعری، شاه اسماعیل اؤچون مدحیهلر و تعریف نامهلر یازمیشلار.
مولانا عبدالله هاتفی دئییر:

۱. سام میرزا، تحفه‌ی سامی، ص. ۴۹.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۴۳

بر او ختم شد منصب سروری،
چو بر جدش آئین پیغمبری.
مثل در زمانه به فرزانی،
سرشته به مردی و مردانگی.
چه مردی که هر کس که نامش شنود،
دگر زن نیامد از او در وجود.
نمی‌آورد تاب بذلش درم،
درم منتهی بی‌نهایت کرم.
همه پادشاهان شده پست او،
چو شاهان شطرنج در پست او.

میرزا قاسم گنابادی اؤنون آدپنا بیر شاهنامه و بیر کارنامه یازمیشدیر.
شاهنامه‌ده شاه / اسماعیل بن ساواشلارین تعریف ائدیر و کارنامه‌ده اؤنون گوی و
چوگان اؤیناماغینې وصف ائدیر.
بونلاردان علاوه، او، شاه / اسماعیل آدپنا بیر لیلی و مجنون مثنویسی‌ده
یازمیشدیر.

کارنامه‌ده دئییر:

چوگان به کفش چو بر ستور است،
موسی و عصا و کوه طور است.
هر گوی زری، چنان که خواهی،
از ضربت صولجان شاهی.

۴۴ ➤ مقدمه: یاشاییشی

در مرکز ماه رفته، آن سان،

چون زرده درون بیضه پنهان.

شاهنامه‌ده، اُونون ساواشیپنی وصف ائده رکن، یازپر:

غبار آن چنان در هوا شد حجاب،

که ره بست بر دعوت مستجاب.

ز والای گلگون سنان بهره‌مند،

شفق از زمین نیزه‌داری بلند.

یلان غرق آهن ز سر تا به پای،

چو صورت که گیرد در آئینه جای.

نهان در زره مهوشان زمان،

چو در حلقه‌ی دیده‌ها مردمان.

یلان از تبرزین فتاده نگون،

چو از تیشه‌ی کوهکن، بیستون.

فرومانده اسبان ز جولان همه،

چو اسبان شطرنج بی‌جان همه.

بو شاعرلره باشچیلیق ائدن عبدالله حبیبی ایدی. او، فارسجا و تۆرکجه یازان

شاعرلر آراسیندا «ملک الشعراء» آدلاندیرلمیشدیر.

۱۴ - ۳. حبيبي نين آنا دولويا مهاجرت

مرحوم حميد آراسلي يازبركي ياووز سلطان سليم تبريزه گلديکدن سونرا، تبريزين ۱۷۰۰ نفر اديب، شاعر، عالم و صنعتکارلارېني آنا دولويا کؤچورتدۇ. عبدالله حبيبي ده بو جمعيتين ايچينده تبريزدن استانبولا مهاجرت ائتميشدى. ها بئله، تذکره‌لرده قيد ائديلىر کي حبيبي، ياووز سلطان سليم زمانى وفات ائتميشدير.^۱ و گؤرؤنور کي او، استانبولدا چوخ قالمامېشدير. بئله ليکله ظن ائتمک اولار کي ملک الشعراء عبدالله حبيبي يالئيز عمرؤنؤن سون ايللرينى استانبولدا کئچيرتميشدير.^۲

قبنالي زاده نين يازدېغنا گؤره حبيبي ۹۰۷ هـ. ايلينده آنادولويا گئتميشدير.

۱۵ - ۲. اولؤمؤ

دئديگميز کيمي، تذکره‌لرده وئريلن معلوماتا گؤره، عبدالله حبيبي، ياووز سلطان سليمين حکومتى نين سون ايللرينده استانبولدا وفات ائتميشدير. سلطان سليمين هـ. ۹۲۶ - نجى ايلده وفات ائديگيني نظره آلساق، دئيه بيله ريک کي ملک الشعراء عبدالله حبيبي هـ. ۹۲۶ - نجى ايلدن قاباق استانبولدا دنيايا گؤز يوموشدور.

۱. لطيفى، ص. ۱۲۷ / قبنالي زاده، ج. ۱، ص. ۲۸.

۲. قبنالي زاده، ج. ۱، ص. ۲۷۹.

۴۶ ➤ مقدمه: یاشاییشی

۱۶ - ۳. مزارې

اوليا چلبی، حبیبی نین سۆتلۆجهده جعفرآباد تکیه سینده دفن ائیلدیگیینه اشاره ائدیر. و اؤنون شیعه ی جعفری اثنی عشری اۆلدوغو اۆچۆن، بورادا دفن ائیلمه سینه و صوت ائتدیگیینه تأکید ائدیر.

۴. چاغى و چاغداشلار

آق قويونلار دولتى نىن حكومت سۆردۆگۈ ايللىر و صفوى سلسلهسى نىن قورولوشونون ايللىك ايللىرىندە، تېرېز، دىنانېن چۈخ مېم شېرلىرىدىن بىرى ايدى. اۇن ايللىر بۇيۇنجا پايتخت اۇلان بو شېر، قاباقجېل مدنيت مركزى سايلىدى. اۇ ايللىر تېرېزە گلن سىاحلار، بو شېرىن بىر مىليون ياخېن فعال جمعيتى اولماسېنې دكر ائدىرلر. بو شېر هم تجارت مركزى و همده اينجه صنعت و مدنيت مركزى حساب اولونوردو. جالالى مسجدلر و مدرسهلرە صاحىبى ايدى.

آق قويونلو سلالهسى نىن سۇن ايللىرى و صفوى دولتى نىن ايللىرى
عبدالله حبيبي نىن ظهور ائىدىگى و پارلادىغى زمانە حساب اولونور.

حبيبي نىن ياشادىغى زمانە آذربايجان ادبياتى نېن ان چىچكىلى و وئىملى دورانى ايدى. او دوراندا تۆركجه يازان يۇزلر شاعر ظهور ائتميش و سايسېز — حسابسېز ادبى اثرلر يارانمېشدىر. علم، مدنيت و ادبيات گئىش بىر ساحلرە ترقى و انكشاف ائتميشدىر. بونا گۆرە بىز بىر كىچىك اۇن سۆزدە حبيبي چاغى و چاغداشلارې بارەسىندە يئترىنجه دانېشما امكانى تاپا بىلمەرىك. بورادا يالنىز ديوانچاسېنې نشرە حاضرلادىغېمېز ملك الشعراء عبدالله حبيبي نىن يارادىجىلېغى ايله ايلگىلى بعض چاغداشلارېندان آد آپارېرىق.

هر حالدا بونو قيد ائتمەلىك كى تېرېز شېرى نىن پايتخت اولدوغو دوران، اسلام عالمې نېن بۇيۇك بىر مدنيت و ادبيات دورانى حساب اولور. بو دورانېن ادبيات تاريخى يازىلماسى تەھدى بۇرجو هلهده بۇيۇموزدادېر.

۱ - ۴. طفیلی اردبیلی

طفیلی اردبیلی ختایی ساراییندا جدی فعالیت ائدن شاعر ایدی. او حروفی لیگی تبلیغ ائتمه سینه باخمایاراق «صفیه» طریقتینه منسوب ایدی. حضرت علی^(ع) باره سینده چوخلو منقبه لری و مدحیه لری واردیر. او صمیمی و جدی بیر شیعی شاعر دیر:

ای طفیلی! مهدی صاحب زمان^(عج) دوران دیر،
اهل فضله وعده ی جور جنان دوران دیر.
اسم اعظم ظاهر اولموش جاودان دوران دیر،
لا فتنی الا علی، لا سیف الا ذو الفقار.

«صفیه» طریقتینه باغلی طفیلی، شیخ صفی شاه اسماعیلین مذهبی قیامبندان بئله استقبال ائدیر:

نقد حیدر، خسرو صاحب قران اولدو عیان،
سر به سر توتدو جهانی غازیان شیخ صفی.
قالمادی کثرت جهاندا، وحدتین دوران دیر،
شاد و خرم اولدو جمله دوستان شیخ صفی.
ذوالفقار بن هیبتیندن تیره دی ارض و سما،
گیردیلر قعر زمینه دشمنان شیخ صفی.
دردی اولان شاها گل سین، دردینه درمان بولار،
اردبیل شهرینده آچلمیش دکان شیخ صفی.

طفیلی اردبیلی شاه اسماعیل صفوینی «ترک تاجدار» آدلاندیریر و دئیر:

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۴۹

قاوسالار ائلدن اولوسدان قوم ایله قارداشلار،
دوستلار دشمن اولوبان مین آتارسا داشلار.
حق بیلیر بودور سؤزۆم: «گر یۆز گئدرسه یاشلار،
قېلمازام واللہی تُرک تاجدارېن ترکینی!»

اؤل کلام‌الله ایله سبع‌المثنی حقیچۆن،
«بیس و هشت» و «سی و دو» حرف معانی حقیچۆن.
تا ابد فضل قدیمین جاودان - ی حقیچۆن،
قېلمازام واللہی تُرک تاجدارېن ترکینی.

ای طفیلی! عشق اودونا یانه گۆر پروانه‌وار،
هر طرف یۆزمین سنین تک یانماغا پروا نه‌وار؟
سؤیله بو گفتارېسن، میدانلارا مردانه‌وار.
قېلمازام واللہی تُرک تاجدارېن ترکینی.

بو شاعر، نسیمی‌دن تأثیر آلمېشدېر. آشاغېداکی غزلی نسیمی‌نین:
بیر عجایب شاها دۆشدۆ کۆنلۆمۆز،
بدر یۆزلۆ ماها دۆشدۆ کۆنلۆمۆز.

بیتی ایله باشلایان رباعی‌سینه نظیره اولاراق یازمېشدېر:
شکرلله کیم طریق شاها دۆشدۆ کۆنلۆمۆز،
ذکر و فکر حضرت آلاها دۆشدۆ کۆنلۆمۆز.
قبله‌ی حاجاتېمېزدېر خاندان شیخ صفی،

۵۰ ➤ مقدمه: چاغی و چاغداشلاری

خوش سعادتی اولو درگاها دۆشدۆ کۆنلۆمۆز.

طفیلی، حییی نین باشچیلیق ائتدیگی ادبی مجلسده جدی اشتراک ائدن شاعر ایدی.

۲ - ۴. کشوری دیلمقانی

نعمت/الله کشوری دیلمقانی، حییی ایله چاغداش و اؤنونلا دوست اۆلموشدور. او، حییی کیمی اۆنجه سلطان یعقوب زمانیندا پارلامیشدیر. یارادیجیلیندا نویی دن تاثیر آلمیش و چاغاتای ادبیاتی تاثیر آلتیندا شعرلر یازمیشدیر:

کشوری نین غزللری چۆخ صمیمی و ساده بیر دیله یازلمیشدیر:

ای کۆنۆل! هر کیمسه یه یار اۆلماگیل، یار اۆزگه دیر،

یار اولور هر کیم، ولی یار وفادار اۆزگه دیر.

سۆرمه قاپیندان من بی خانمانی، کیم سنه،

بولونور عاشق، و لاکن عاشق زار اۆزگه دیر.

حسونه من جان وئریم، خلق اؤنا نظاره کی،

اۆزگه دیر اهل تماشا و خریدار اۆزگه دیر.

«عاشقم» دئر زاهد، اما جانا قییماز وقت کار،

اؤ خیالی اۆزگه و سودای بازار اۆزگه دیر.

بت پرستی قیناما ای پاکدامن شیخ، کیم،

ذکر و تسبیح اۆزگه و ناقوس و زنار اۆزگه دیر.

باده ایچمک یار ایلن خلوتده خوشدور کشوری،

ديوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبيبي < ۵۱

ليک اگر بولسا ميسر، گشت گلزار اؤزگه دير .

کشوری، عمرؤنؤن سؤنلارېندا سلطان يعقوب دورانېنې آرزولا يېردې:

طالع برگشته بير داهې قېلايدې سرورى،

کيم جلا تاپسايدې اول آئينه‌ی اسکندرى .

شعله چکسئيدي چراغ توده‌ی بايندرى،

وه نه لذت تاپغای اول ساعت قلندر کشورى

کيم گؤرؤنه رأيت يعقوب خانى بير داهى .

بير يئرده اؤز دوستو حبيبي دن گلایه ائدرک دئير:

نه من نالانا همدمدير حبيبي،

نه من بيمارا مشفق بير طبيبي!

نه من مهجورا وصليندن نصيبي،

حبيبي، وا حبيبي، وا حبيبي!

اگر گؤرسن صبا اول بى وفانى،

او شول بيگانه‌ی نا آشنانى .

دئگيل اونوتماگيل من بى نوانى،

حبيبي، وا حبيبي، وا حبيبي!

۳ - ۴. احمدی تبریزی

آق قویونلو سلطانی، سلطان خلیل زمانی، تبریز شهرینده / احمدی آدلې کۆجلۆ
بیر شاعرده یاشارمېش. او، همین دورده شیخ عطار نیشابوری نین اسرارنامه
مثنویسینی تۆرکجه میز ترجمه ائتمیشدیر. کتابین سؤنودا دئییر:

چۆن کی عطار بن سؤزۆ اۆلدو تمام،
/ احمدی یه دۆشدۆ نوبت، ای همام...
فارسپدان تۆرکی یه قبلدیم ترجمه،
یادگار اولماق اۆچۆن هر انجمه.
اۆن ایکی یئددی مگر ماه صفر،
گلدی ختمه بو کتاب معتبر.
شهر تبریز ایچره در وقت بهار،
موسم گۆل ایرمیش ایدی لاله زار.
تاریخ ایرمیشدی سکیز یۆز سکسنه،
داهی دۆرد ایله هجری / حمددن یئنه (۸۸۴ هـ).
پنجشینه گۆنۆ اۆلدو بو تمام،
تاریخ ایله اختتامی، والسلام.

باشقا بیر یئرده سلطان خلیل آق قویونلانو اویړکن دئییر:

اۆل خلیل / الله امیر معتبر،
دشمنی نمرود و شد / د، ای پسر!
شاه دوران، اۆل مبارز، شیردل،

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۵۳

حق قاتبندا اولماسین هرگز خجل.

اسرارنامه مترجمی / حمدی حاققیندا ائله چوخ بیلگی یوخدور. اما هر حالدا
تاج/الدين /حمدی دن باشقا بیر شاعر اولمالیدیر و حبیبی زمانیندا تیریزده
یاشاییرمیش.

۴ - ۴. ختایی

شاه اسماعیل ختایی اؤزۆ جدی بیر شاعر ایدی. اؤنون اساس مقصدی
شعردن، دشمنلره قارشى سلاح کیمی استفاده ائتمکله، جوان صفوی حکومتینی
محکم‌لندیرمک ایدی. او، اؤز زمانه‌سینده باطنی بیر غلات فرقه‌سی‌نین
باشچیسی ساییلیردی. ایندی ده /آذربایجان/دا /هل حق/ آدلانان طایفالار و آنادولودا
علوی‌لر و بکتاشی‌لر آراسیندا مقدس مظهرلردن بیرى ساییلیر و منظوم
کلام‌لاری خاص آئینی مراسمه اوخونور.

ختایی‌نین /آذربایجان/ ادبیاتینا ان بؤیوک خدمتی حبیبی کیمی مثل‌سیر ادبی
استعدادلارین فعالیت‌لرینه میدان آچماق ایدی.

او، اؤز سارای شاعرلری اؤچۆن ملک‌الشعراء سئچدیگی حبیبی‌نین بیر نئچه
شعرینه نظیره یازمیشدیر:

ختایی‌نین نظیره‌سی: بو عالم حُسنونه حیراندیر، ای دوست!
سنه بو غنچه لب خنداندير، ای دوست!

حبیبی‌نین شعری: گۆره‌لدن زلف عنبر بارین ای دوست!
پریشاندير بو دل‌افگارین ای دوست!

۵۴ ➤ مقدمه: چاغی و چاغداشلاری

ختایی نین نظیره سی: سندن اؤزگه یاربم اؤلسا، ای پریوش سیمتن،
آستانین چئوره سینده قوی کی خاک اؤلسون بدن.

حبیبی نین شعر ی: گر سنین چؤن قبلایام چاک، ای بت نازک بدن!
گؤرؤم اؤلسون بو قبا، اگنیمده پیراهن کفن.

۵ - ۴. حامدی

حامدی تۆرکجه و فارسجا ایکی دیوان یادگار قویوب گئتمیشدیر. تذکره لرین
یادبغینا گؤره، او ۳۰ ایل سیاحت ائدیپ، اسلام عالمینی گزمیشدیر. گرچه مدحیه
قصیده لری چۆخدور، و لاکن دیلی سارایلاردا ایشلنن دبدبه لی و طنطنه لی دیل
دیگیدیر، بلکه چۆخ ساده و روان دیلدیر:

نئچؤن ای مه! جنت کویوندا بار اؤلماز منه،
نئچؤن اولکی کیمی هئج اعتبار اؤلماز منه؟
درد هجرینده منه بیر اؤلمادی صبر و قرار،
سن منه یار اؤلماپنجا، کیمسه یار اؤلماز منه.

اؤنون حبیبی سایاغی عارفانه غزللری ده واردیر. عمده شعرلرینده شیعه لیگینه
تأکید ائدیر:

آی اؤزؤن آیینه ی صورت جاندبر بیلیرم،
اؤندا نقش رخ دلدار عیاندبر بیلیرم.
اؤل عیان نورکی مطلوبودور اهل نظرین،
دل هر ذره نین ایچینده نهاندبر بیلیرم.

بو کی آرام ائده‌مز سیر و سلوکوندا فلک،
غرض تربیت حسن بیانده‌ر، بیلیرم.
اؤل کی آلبر دل و صبر و خردی غارت ائدیر،
مظهر صورت زیبای فلانده‌ر، بیلیرم.
اؤل شکر لب گتیرر حامدی نی میکده‌یه،
گۆسترن یؤل منه مهدی زمان^(عج) دهر بیلیرم.

۶- ۴. بصیری

بو شاعری تذکری لطیفی بئله تعریف ائدیر: «چرب‌زبان، عذب‌لسان، خندان
روی، بذله‌گوی، ندیم‌شیوه، شوخ‌طبع کیشی ایدی جُنگ‌لرده و جریده‌لرده ثبت
اؤلوناجاق رنگین لطائفی و لطائفه متعلق معارفی چۆخدور.»
اؤنون غزللری دانشبق دیلینه چۆخ یاخینده‌ر:
ماهین اؤل یۆزۆمۆ وار اؤیونه اؤل رخسارینا؟
آفتابین جانیمې وار کیم، گله قارشې سنه؟
ائتمیشم مجنون کیمی کوه ایله صحرانی وطن،
تا گرفتار اؤلموشام، ای گۆزلری آهو سنه!

بصیری، حبیبی‌نین تأثیری آلتیندا عارفانه شعرلرده یازمیشده‌ر:

عارفه دولتن استغنا کیمی دولتمی‌وار؟
ترک لذات جهان ائتمک قدهر لذتمی‌وار؟

و یا:

۵۶ ➤ مقدمه: چاغی و چاغداشلاری

او آشنا کی دل زاریم آشنادر اونا،
بلانی گور کی گورلرده مبتلادر اونا.
حکایت ائتمه منه حور عینی، ای واعظ!
کی دوست تشنه سیام، رغبتیم اوندادر، اونا.
یاخب یخسار سا دل و جانیم اعتراض ائتمم،
نه سؤیله ییم، بیر قریبان، بیر فدادر اونا.

۷ - ۴. سروری

شاه اسماعیل ختایی ساراییندا یاشایان شاعرلرین بیرسی ده سروری
ایدی کی حرفی لیک دوشونجه لرینی سربست جه سیننه تبلیغ ائدیردی. او، همده
اوستاد شاعر ایدی. حبیبی ایله دوستلوق ائتمیش و فضولی یه تاثیر قویان بیر
شاعر ایمیش. اؤنون:

تا معنبر کاکلین خورشیده سالمیشدر کمند،
باغلامیشدر بؤینومو زنجیر زلفون بند - بند!
قد دلجویون نهالین گوردو چون گول زاردا،
دوردو آفاق اوستونه تعظیم ائدیپ سرو بلند.
عنبرافشان زلف ایله ایرمک دیلر جانہ کونول،
الله الله نه اوزاق سورایا دوشموش دردمند.
ناصر! پند ائتمه گیل مهریندن اول مہ پاره تین،
اؤیله دولموشدور کونول کیم قالمامیشدر جای پند.
ای سروری! خط سؤداسپندن آنین باش چکن،

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۵۷

بارهلنسن تیغ محنتله قلم تک بند - بند.

مصراعلاری ایله باشلایان غزلینه بیر چوخ تۆرکجه یازان شاعرلریمیز نظیره یازمیشلار. او جمله‌دن فضولی، کی یوخاریداکی غزلدن علاوه آشاغیداکی بیتلر ایله باشلایان غزللرده نظیره یازمیشدیر:

کۆنلۆمۆ زلفونه چک زنجیره، شیدالانماسین،
سینه‌می چاک ائت کی سندن اؤزگه مأوالانماسین.

و یا:

بیستون غمده برگ لاله‌ی حمرا یا باخ،
پرده‌های دیده‌ی فرهاد غم فرسایا باخ.

۸ - ۴. شاه‌ی

شاه اسماعیل ختایی ساراییندا یاشایان شاعرلرین بیرسی ده شاه‌ی تخلص ائدن و سونرالار حبیبی ایله بیرگه عثمانلی تۇرپاقلارینا کۆچن و اورادا فوت ائدن شاعر دیر. اونون آشاغیداکی غزلی مشهور دور:

غنچه‌ی گۆل بۆلبۆلۆن قصدینه پیکان ائيله‌میش،
غنچه آچیلغان گۆلۆ اؤزۆنه قالخان ائيله‌میش.
غنچه‌نین پیکانینې تیز ائتمک اؤچۆن شاخ گۆل،
جسمینی باشدان آیاغا شکل سوهان گۆل.
گۆل عروسون صُبحدن بۆلبۆل نگاه ائتمیش مگر،
کیم اؤزۆن یاشیل دوواق آلتیندا پنهان مگر.

۵۸ ➤ مقدمه: چاغی و چاغداشلاری

دهر آرا هر بیر پوزوق دیوار گؤرسن، ائيله بیل،
بیر سلیمان مَلکوددور، چرخ اُونو ویران ائيله بیل.
مهرینه آلدانما شاهی بو فلکین کیم گونؤ،
گؤیه یِتگورموش، یئنه خاک ایله یکسان گونؤ.

۹ - ۴. حقیری تبریزی

اوزمانکی تبریزی شاعرلردن اولان حقیری تبریزی، امام رضا ^(ع) زیارتینه
گئدرکن کاشان شهرینده بیر نئجه ایمل اقامت ائتمیشدیر. خلاصة الأخبار
تذکره‌سی نین مؤلفی تقی‌الدین کاشی، اُونو «صوفی مسلک» شاعر آذلاندیرر.
تبریزده وفات ائدن حقیری نین لیلی و مجنون مثنویسی و دیوانی واردیر:

سندن آیری زار قالدیم، ای حبیب!
درد ایلم بیمار قالدیم، ای حبیب!
حسرتیندن گئجه‌لر کوب کیمی،
تا صباح بیدار قالدیم، ای حبیب!
وصلتیندن نؤلا گر قبلسان دوا،
فکر ایلم افگار قالدیم، ای حبیب!
ایندی اول گولگون جمالپندان جدا،
بندده و زار قالدیم، ای حبیب!
عشق ایلم عالم‌له پنهان ایکن،
سنسیزین اظهار قالدیم، ای حبیب!

۱۰ - ۴. فضولی

مولانا حکیم ملامحمد فضولی اؤنونجو عصرده ظهور ائتمیش ادبیات تاریخمیزین ان مشهور شاعری، حکیم، طبیب، فلسفه‌چی، کلام‌چی، ادیب، لغت‌شناس و عارفی ساییلیر. اؤ، تۆرکجه‌میزدن علاوه عربجه و فارسجا اثرلر صاحبی ده اولموشدور. تۆرکجه،^۱ فارسجا،^۲ عربجه اؤچ دیوان صاحبی دیر. مطلع‌الاعتقاد^۳ ادلی عربجه فلسفی - کلامی اثری واردیر. رند و زاهد^۴ و سفرنامه‌ی روح^۵ عنوانلی فارسجا عرفانی اثر یادگار قویوب گئتمیشدیر. حدیقه‌السعداء^۶ ادلی مرثیه اثری لیلی و مجنون^۷ و بنگ و باده^۸ عنوانلی مثنویلری واردیر.

۱. فضولی بیاتلی، محمدبن سلیمان، دیوان اشعار ترکی، تصحیح، تدوین و مقدمه: حسین محمدزاده صدیق، تبریز: اختر، ۱۳۸۴.

۲. فضولی بیاتلی، محمدبن سلیمان. دیوان اشعار فارسی، مقدمه، تصحیح و تحشیه: حسین محمدزاده صدیق، تبریز: یاران، ۱۳۸۷.

۳. فضولی بغدادی، محمدبن سلیمان. مطلع‌الاعتقاد فی معرفة المبدأ و المعاد؛ مقدمه، ترجمه و تعلیقات: حسین محمدزاده صدیق؛ تهران: راه کمال، ۱۳۸۵.

۴. فضولی بغدادی، محمدبن سلیمان. رند و زاهد، مقدمه، تصحیح و تحشیه: حسین محمدزاده صدیق، مریم شیخ‌پور جلالی، تهران: تکدرخت، ۱۳۸۹.

۵. فضولی بغدادی، محمدبن سلیمان. سفرنامه‌ی روح، مقدمه، تصحیح و تحشیه: حسین محمدزاده صدیق، شایسته ابراهیمی، تهران: تکدرخت، ۱۳۸۹.

۶. فضولی بغدادی، محمدبن سلیمان. حدیقه‌السعداء، به کوشش حسن مجیدزاده، قم، ۱۳۸۱.

۷. فضولی بغدادی، محمدبن سلیمان. لیلی و مجنون، تصحیح، تدوین و مقدمه: حسین محمدزاده صدیق، تبریز: اختر، ۱۳۸۸.

۸. فضولی بغدادی، محمدبن سلیمان. بنگ و باده، تصحیح و حاشیه: حسین محمدزاده صدیق، تهران: تکدرخت، ۱۳۸۹.

۶۰ ➤ مقدمه: چاغی و چاغداشلاری

فضولی حبیبی قارشېسېندا چوخ متواضع ترېن بیر شخصیت ایدی. حبیبی نی اۆزۆنه اؤستاد کیمی حساب ائدیردی. اؤنون شعرینه اعتناسی و اوندان اؤیرنمه سی بیزه آیدېندېر. حله لیک حبیبی نین ایکی غزلینه یازدېغی تخمیس و تنظیر الیمیزده دیر:

الف. حبیبی نین بیر غزلینه فضولی قلمی ایله یازیلان تنظیر و تسدیس:

دون سایه سالدې باشېما بیر سرو سربلند،

کیم، قَدی دلر با ایدی، رفتاری دلپسند.

گفتارا گلدی تا کی آچېب لعل نوشخند،

بیر پسته گۆردۆم آندا تۆکر ریزه - ریزه قند.

سوردوم مگر بو دُرچ دهن دیر دئدیم، دئدی،

یوخ - یوخ، دوا ی درد نهانېن دیریر سنین.

اگمیش هلال اؤستۆنه طَرَف کلاهینی،

چوخ دلشکسته نین گۆیه یتتیرمیش آهینی.

زۆلفۆن داغېتدې، گیزله دی ابر ایچره ماهینی،

گۆردۆم اۆزۆنده حلقه ی زۆلف سیاهیینی.

اۆل پیچ و تاب ی چوخ، نه رَسَن دیر دئدیم، دئدی،

دؤور رخوم دا، رشته ی جانېن دیریر سنین.

وئرمیش فروغ، شمع روخو گۆن چیراغینا،

سالمېش شکست، سرو قَدی گۆل بوداغېنا،

دۆن سرو تک باسان دا قَدَم گۆز بولاغېنا،

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۶۱

بیر نئجه خار دان آلم ائرمیش آیاغینا.

گۆل برگینه باتان نه دیکن دیر دئدیم، دئدی،

مۆزگان چشم اشک فشانین دیریر سنین.

سیر ایله سالدې باغا گذر اؤل سمن عذار،

انواع زیب و زینت ایله فصل نوبهار.

تۆکمۆش گۆل اۆزره سنبل گیسوی مشکبار،

یاخمېش آیاغینا یئنه گۆلبرگ تک نیگار.

نسرینه رنگ لاله نه دن دیر دئدیم، دئدی،

غمزه خدنگی تۆکدۆگۆ قانین دیریر سنین.

سیل سرشکیم اۆلدو روان خاک کۆیونا،

جان واله اۆلدو شهد لب و گفتگیونا،

دل دۆشدۆ دام سلسله‌ی مشکبویونا،

اؤل لحظه کیم ساتاشدې گۆزۆم زۆلف و رویونا.

عقرب مه منیره وطن دیر دئدیم، دئدی،

وهم ایله کیم، خطرلی قرانین دیریر سنین.

دۆشمۆش عذارى اۆزره مۇنبر سلاسی،

آشفته حال اندید نئجه بی صبر و بی دلی،

عقلیمی واله ائیلهدی شکل و شمایل،

گۆز گۆردۆ قامتین، دل و جان اۆلدو مایلی.

۶۲ ➤ مقدمه: چاغی و چاغداشلاری

وه بو نه طورفه سرو چمن دیر دئدیم، دئدی،
منظور دیدهی نگرانین دیریر سنین.

دون صبحدم کی لاله و نسرین سالب نقاب،
گول چهره سیندن آلدی صبا، پرده و حجاب،
گولزاره چپخدی سئیر ائده اول رشک آفتاب،
شینم نثار ائتدی گونش لؤلؤ خوشاب.
لؤلؤ می، یوخسا درّ عدن دیر دئدیم، دئدی،
آبسم فضولی، اشک روانین دیریر سنین.

ب. حبیبی نین بیر غزلینه فضولی قلمی ایله یازیلان تخمیس:
تا جنون رختین گئییب توتدوم فنا مۆلکون وطن،
اهل تجریدم، قبول ائتمه م قبا و پیرهن.
هر قبا و پیرهن گئیسه م مثال غنچه من،
گر سنین چون قبله سام چاک ای بت نازک بدن،
گوروم اولسون اول قبا پیراهن آگنیمده کفن.

گرچه سودای سر زولفونده یم زار و ذلیل،
کئچمن اول سودادان اولدوقجا منه عؤمر طویل.
سانما ترک ائده م بو سودایی، گر اولسام من قتیل،
چپخمایا سودای زولفون باشدان ای مه، گر یوز ایل.
استخوان کله م ایچره توتسا عقرب لر وطن.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۶۳

غالب اۆلموش صوبچدم شوق گۆل رویین بنا،
سئیر باغ ائتدیم کی بوی گۆل وئره تسکین آنا،
گۆل گۆرۆب یادین له درّ اشک ساجدیم هر یانا،
دۆشدۆ شبنم باغا گیر تا گۆل نثار ائتسین سانا.
سبزەنین هر برگینه بیز درّ تاپشیرمیش چمن.

دئر ایدیم ای دل گتیرمه هیچ درد اهلینه شک،
تا سنی هم سالمایا بیر درده دؤورانِ فلک،
آلمادین پند، ایندی عاشق سن، ایشین آه ائیله مک،
ای کۆنۆل! عشق اهلینه هر دم گۆلردین شمع تک،
بن دئمزمی دیم کی بیرگۆن آغلایاسبدیر گۆلن؟

خواه سنجاب ائیله سن فرشین فضولی، خواه گۆل،
هیجردن مطلق یوخو گۆرمز گۆز، آگله نمز کۆنۆل.
یارسیز عشق اهلی نین دینله نمگی ممکۆن دگیل.
نتجه دینله ن سین حبیبی سن سیز ای اندامی گۆل؟
چون باتار جیسمینه تنده هر توک اۆلموش بیر دیکن.

«...المعنى جامع النظائر قويدوم. بو جمعيتين ايكي يوز اوتوز ايكيسى قصيدهدير و بو قصيدهلرين اوتوز اوچۇ توحيددير و اون بئشى نعتدير و داهي اون ايكيسى ترجيعبنددير و دۇردۇ مريثه و ايكيسى فلكنامهدير و داهي اوتوز دۇردۇ مربعدير و دۇققوزو خممسدير و اون اوچۇ مستزاددير دۇردۇ بحر طويلدير و ايكيسى معشردير و اون اوچۇ مناجاتدير و ايكي مين سگگيز يوز اوتوز ايكيسى غزليدير.»

بو مجموعهده شعرلىرى يازبلان شاعرلرين اددالانېي محمّد فؤاد كۆپرۇلۇ استخراج ائتميشيدير. (← كۆپرۇلۇ، محمّد فؤاد. ملى ادبيات جرياني نين ايلك مبشرلىرى، استانبول، ۱۹۲۸، ص. ۶۱)

۱ - ۵. خلیلی

شاه ختایی زمانبندا یاشایان خلیلی، آذربایجان - پَن گۆجلۆو آدلیم عارف
شاعرلریندن اولموشدور. خلیلی دیوانبندا نسیمی نین تأثیری آلتبندا یازبلان
شعرله چۆخ راست گلکمک اولار. او مکمل عقیل آلمیش عالیم شاعر ایدی. اودا
حبیبی کیمی عمرۆنۆن سۆن ایللرینی /ستانبول/ دا کئچیرمیشدیر.

خلیلی نین «فراق نامه» آدلې عرفانی بیر مثنویسی واردېر. بو مثنوی تحمیدیّه
و نعتدن سؤنرا بئله دوام ائدیر:

عجم ملکۆنده ایدیم علمه مشغول،
اؤخوردوم گه نجوم و گاه معقول.
یثریم گه مدرسه، گه جامع ایدی،
دیلیمده نور قدرت لامع ایدی.

منیم وار ایدی بیر یار انیسیم،
اؤل ایدی کنج خلوتده جلیسیم.
آنبلا بیلّه اؤخوردوم علومو،
گهی معقولو گاهی ده نجومو.

بو مثنوی عرفانی ماهیت داشیبیر و وحدت وجودی آنلاما مالکدېر.
خلیلی حروفی شعرى نین دوامچېسې سایېلېردې و بعضی شعرلرینی /وحدی
مراغه/ ی نین شعرلرینه نظیره اولاراق یازمېشدېر. او جمله دن آشاغېداکی غزلی
اؤنون «چېست» ردیفلی قصیده سینه جواب اولاراق یازلمېشدېر:

ای بیلن حقین صفاتېن، سرّ اسماسې نه دیر؟

یا بو اسمادان مراد اؤلان مسماسی نه دیر؟
 چون عبادت حقّه دیر، معبود بیر حقّ دیر همان،
 مسلمانن مسجدی، گبرین کلیساسی نه دیر؟
 ظاهر و باطنده چون موجود حقّدن اؤزگه یوخ.
 گل بو موجوداتن آرا یئرده غوغاسی نه دیر؟
 چؤن که حقّین ذاتن اثبات ائده مز ارباب عقل،
 عاشق حق بین ایله هر دمده غوغاسی نه دیر.

و یا آشاغیداکی غزلی ده اؤندان الهام آلام قلمه گتیرمیشدیر:

من که درویشم، گدایام، پادشاه عالم،
 روح بی رنگم، اگر چه رنگه گلیمیش آدمم!
 شش جهتله چار عنصر دؤر منی فاش ائیله یین،
 یوخسا من گنجینه ی وحدتده ماء مبهم.
 امّهات ایله چهار آبايه توتدومسا خلف،
 عالم تحقیقه باخسان، جمله سیندن اقدام.
 سؤیله یین حقّ دیر منیم دیلیمده حرفی، یوخسامن،
 چار عنصر دن مرگب بی لباس و ابکم.
 ای خلیلی! چون هرايش تقدیر الیندن ایشله نیر،
 فارغم دنیا و عقبانن غمیندن، بی غمم!

۲ - ۵. حمدی

هـ. ۱۰ - نجو عصر شاعرلرپنه‌ن اۆلن، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و تحفة‌العشاق مثنوی‌لری صاحبی حمد/الله حمدی‌نین دیوانی، حبیبی‌نین دقت مرکزینده اولموشدور. حبیبی اۆنون غزل‌لرینه نظیره یازمیشدیر:

اۆنون غزل‌لری اۆیناق و چوخ رواندیر:
صبریم لباسینې یئنه صد پاره ائیلهدین،
تیر غمینله باغریمې پریاره ائیلهدین.
سالدېن دلیمه زلف بریشان خیالینې،
کوی حضوردان منی آواره خیالینې،
من چاره بولماق ایستر ایدیم خسته کؤنلۆمه،
دردینله سن منی یئنه بیچاره خیالینې.

۳ - ۵. احمد پاشا

/احمد پاشا عثمانلی ادبیاتی تاریخینده، اسلامی مدنیتی تمثیل ائدن ان ممتاز سیمالاردان بیرسی دیر.

/احمد پاشا قصیده طرزینه اهمیت وئیردی. اۆنون قصیده‌لری، چوخ سلیس و جزالتلی قصیده‌لر حساب اولور. اۆنون ترکیب‌بند شکلینده «یازدېغی» شه مصطفی مرثیه‌سی ادبیات تاریخی‌نین مشهور ترکیب‌بندلردن حساب اولونور:

اۆل برج دولت اختری شه مصطفی هانی؟
اۆل تخت و تاج زیوری شه مصطفی هانی؟
خاک قفسدن اینجینیب افلاکه میل ائدن،

۶۸ ➤ مقدمه: اعتنا ائتدیگی شاعرلر

قصر ارم کبوتری شه مصطفی هانی؟
ای لاله! قان اولا جگرین کیم اوتانمادان،
آلدپن الینه ساغری، شه مصطفی هانی؟
ویران اول ای فلک نه بزه رسن دؤنه - دؤنه،
بو زرنگار چادری، شه مصطفی هانی؟
ای بحر! نئجه گیزله دین اول بحر جودی کیم،
موجیله دؤلوموش ایدی زمین و زمان داهی.
/ احمد پاشانین خلفلری اؤنو «اؤستاد» بیلمیشلر و اوندان تکیلد ائتمیشلر.
/ احمد پاشا، امیرعلیشیر نوایی و و سنان الدین شیخی نین شعرلرینه ده نظیره لر
یازمیشدپر.

اؤنون غزللری تام دانیشیق دیلینده یازلمیشدپر:
ای فتنه سی چوخ، قوولو یالان، یاندپم الیندن،
بیر ناز ایله مین کؤنلؤم آلان، یاندپم الیندن!
سن جمع کیمی غیر ایله مجلسده گؤله سن،
من آخبدپرام یاش ایله قان، گؤله سن!
هر خار ایله سن صحبت ائدرسن دؤن و گؤن، من،
دردین ائدرم مونس جان، دؤن و گؤن، من!
/ احمد چکه جورینی، گؤره لطفونؤ اغیار،
ای شفقتی آز، شوخ جنان، لطفونؤ اغیار!
ایا پری! نئجه سن، خوشموسان، صفاجامپسان؟

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۶۹

گلن بری نئجه‌سن، خوشموسان، صفاجامپسان؟
شکر دوداقلی، قمر اۆزلۆ، سرو بۆلولارین،
سمن بری نئجه‌سن، خوشموسان، صفاجامپسان؟
بیزیمله بیر نفس انسانلیق ائیله سۆرو شالیم،
گل این بری! نئجه‌سن، خوشموسان، صفاجامپسان؟
سحر قهلب گلیر / حمد کی دئییه شهریمیزین،
گۆزللری نئجه‌سن، خوشموسان، صفاجامپسان؟

۴ - ۵. شیخی

حکیم سنن/الدین یوسف شیخی عثمانلی ادبیات تاریخینده هـ. ۹ - نجو
عصرین ان آدلیم شاعرلریندندیر. همدیه طیب اۆلدوغو اۆچۆن اونا «حکیم» لقبی
وئرلمیشدیر. طبعه عائد اثرلری، دیوانی، خسرو و شیرین عنوانلی مثنویسی واردیر.
شیخی نین گنجلیگی و تحصیل ایللری /یر/ن دا کئچمیشدیر. دیوانیندا حافظ
و سلمان ساوجی نین شعرلرینه یازدیی تۆرکجه نظیره‌لر واردیر.

اۆنون غزللری چۆخ روان و سلیس دیر:
نه خبر وئردی صبا زلف پریشانین اۆچۆن،
کی بنفشه قازا یاسلی گۆرۆنۆر آنین اۆچۆن؟
نه اۆچۆن باش آچلبان ال گۆتۆرۆر سرو و چنار،
کی دعا ائیلیه‌لر قد خرامانین اۆچۆن؟
لاله چاک ائتدی اۆزۆن، گۆل یاناغین رشکیندن،
غنچه چاک ائتدی قبا، لعل درافشانین اۆچۆن.

۷۰ ➤ مقدمه: اعتنا اتدیگی شاعرلر

گرچه لایق دیگلم شیخینه ای کان کرم!
حسناتیم گۆنۆدۆر، خیر ائده گۆر جانیم اۆچۆن.
درّ و گوهر ساچیلر، نازک و تر سۆز یازیلر،
شیخی انشا قیلماق شۆل لب و دندانبین اۆچۆن.

عبدالله حبیبی، اؤستاد سایدیغی سنان/الدین شیخی نین غزللرینه نظیره
یازمیشدیر

۵ - ۵. احمدی

تاج الدین ابراهیم احمدی اصلی تبریزی اولوب مصرده تحصیل آلمیشدیر،
سؤنرا عثمانلی سلطان و بیگیلری ایله دوستلوق قوروب، اؤنلارین حمایه سینده
یاشامیشدیر.

مرقاة الادب آدلې عربجه - فارسجا منظوم لغت کتابی، اسکندرنامه، جمشید و
خورشید آدلې مثنویلری و ترویج الأرواح عنوانلی طبّی کتابی واردیر:

سانما منیم ایشیم کی کۆنلۆم رضاسیدیر،
بیلگیل آنې کی بو فلگین اقتضاسیدیر.
کیدیر کئده رضا ایله یار و دیاری ترک،
لیکن چاره چۆن کی حقین اؤل قضا سیدیر.
یانلبش خیال ایله وطنین ترک ائدن کیشی،
نه دۆرلۆ کیم جفا گۆرۆر ایسه جزاسیدیر.
اؤل کیم وطن وار ایسه ائده غربته هوس،
نه دۆر کۆ کیم بلا کۆره اؤنون سزاسیدیر.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی < ۷۱

غربتده زهر اۆلور کیشی‌یه آب حیات لیک،
خاک وطن بولونا گۆزۆن توتیاسپدپر .
/یوب محنتی ایله یعقوب غصه‌سی،
سؤرار ایسن یقین های غربت بلاسپدپر .
رجعت یولو چو باغلپدپر، چاره یوخ آنا،
وار ایسه صبردیر کی بو دردین دواسپدپر .
غربت اؤدونا صبر نئجه اؤلسون کی کیشی‌نین،
جسمینده جان کی وار وطنی‌نین هواسپدپر .

ملک الشعراء عبدالله حبیبی برگشادی، اؤزۆندن قاباق گلن فارسجا و تۆرکجه
یازان شاعرلرین اثرلری ایله تانبش ایدی و طبیعی اۇلاراق اۇنلارین شعرلریندن
آز - چۆخ تأثیر آلمیشدپر. آشاغیدا بو شاعرلر آراسیندان ایکیسیندن آد آپارپرپرپق:

۶- ۵. سعدی

نظره بئله گلپر کی سعدی‌نین آشاغیداکی بیتلری ایله:
این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند،
آن را که خبر شد، خبری باز نیامد

عاشقان کشتگان معشوق‌اند،
بر نیاید ز کشتگان آواز.

حبیبی‌نین آشاغیداکی بیت‌ی آراسیندا معنا بیرلیگی واردپر:
معشوق‌دن خبر کیم بیلیمک دیلرسه، یانسپن،

عشق اودونا کی عاشق بودور اصح روایت.

۷ - ۵. نسیمی

سید عمادالدین نسیمی تبریزی، آذربایجان-بن تانیمیش شهید شاعری و شیعی مسلک لریندن اولان حروفیه مسلکی نین آدلیم باشچیلاریندان بیر، شعرلری نین چوخونو حروفی لیک مرامی و آمالارې نین تبلیغینه حصر ائتمیش و هـ. ۸۱۱ - نجی ایله ملک/المؤید سیف/الدین-ین امری ایله حلب شهرینده بدنی نین درسی سؤیولاراق اولدورولموشدور.

آذربایجان ادبیات تاریخینده نسیمی دن سونرا ظهور ائدن هر بیر عرفانی شعر بایراقداری، اؤنون مستقیم تأثیری آلتیندا قالمیشدیر. عبدالله حبیبی ده بو تأثیردن البتّه کی قبراقدان قانمازدی.

بورادا وئردیگیمیز دیوانچانین ایکی غزلی نسیمی نین تأثیری آلتیندا و نظیره اولاراق یازلمیشدیر:

نسیمی: یۆزۆن بدری جهانین دانه سیدیر،

یئرو گوئی، آیلان گۆن پروانه سیدیر.

حبیبی: تاپین کیم، جانلارین جانانه سیدیر،

بو عاشق جان آنین جانانه سیدیر؟

نسیمی: ساقیا ماه صیام اولدو تمام،

گل بری، سون ساغر می، والسلام!

حبیبی: فضل قیاض ازل چۆن ائیلهدی فیضینی عام،

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۷۳

ساقیا! دور جام جم سون، صبحدورور، والسّلام!

۸ - ۵. حافظ

حبیبی‌نین آشاغېداکی بیتى:

«میکده ایچره مقیم اؤل» دئر ایسه پیر مغان،
سن آنبن دُر کیمی سؤزؤن سیما قبل آل اله جام.

حافظ-ین آشاغېداکی بیتینه اوخشاير:
به می سجاده رنگین کن، گرت پیر مغان گوید:
که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها.

۶. حیبی نین یاراد پجیلپنچ

ملک الشعراء عبد الله حیبی نین تۆرکجه و فارسجا دیوانلاری نین تام متننی تاپیلمايانا قدهر، اونون ادبی — بدییی یارادیجیلپنچ هر طرفلی آراشدیرماق اولماز. هله لیک الیمیزده اولان شعرلره استناد ائدرک، بو بارهده بعضی ملاحظه لر یۆرۆدۆرۆک. آشاغیدا شعرلرینده گئدن بعضی مضمونلاری قیسساجادا اولسا ایضاح ائدیریک.

۱ - ۶. حیبی و قرآن

حیبی نین شعرلری نین اساس مضمونلاری قرآن مجیددن آلنمیشدیر. او هر بیر شیعی — حروفی شاعر کیمی آیهلره اشاره ائدهرک تفسیر و تأویل چالیشیر و دینی عقیدهلری ادبی و بزه کلی دیل ایله بیان ائدیر. بو دیوانچادا قرآنی اصطلاحلار و سۆزجوکلره بۆل — بۆل راست گلیمک اولار. مثال اولاراق:

كُنْ فَيَكُونُ، رُوحُ الْقُدُسِّ، صِرَاطُ الْمُسْتَقِيمِ، حَسْبُكَ اللَّهُ، سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَ...

بونلاردان علاوه، حیبی قرآنی قصه لره ده چۆخلو تلمیح لر یارادیبدیر. او جمله دن حضرت موسی ^(ع) و فرعون؛ حضرت عیسی ^(ع)؛ حضرت یوسف ^(ع) قصه لرینه اشاره ائتمک اولار. آشاغیداکی مصراعدا:

و هِيَ رَمِيمٌ اُولَانَلار يُحْيِي الْعِظَامَ.

یاسین سوره سی نین ۷۸ — نجی آیه سینده صریح اشاره سی واردیر.^۱

۱. «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ.»

۲- ۶. نعت

حبیبی‌نین بو دیوانچا گئدن شعرلری آراسپندان بیر غزلی حضرت رسول اکرم (ص) مدحینده دیر و نعت ماهیتی داشیپیر. حبیبی بو نعتده ایلک اؤنجه پیغمبرین ذاتین مبارک سایاراق اؤنا ثنا ائتمگی اؤزونه فخر ساییر، لَوْلَاکَ لَمَّا خَلَقْتُ الْاَفْلاکَ حدیثینه اشاره ائدیر و غزلین سون بیتینده حضرت پیغمبرین حَسْبُ اللَّهِ لقبینه اشاره ائدرک اؤز آدی ایله اؤنون آراسپندا بیر ایهام یارادیر:

بو حبیبی خسته‌یه قیلغیل شفاعت روز حشر،
چون کی اصلینده سنین له آشنادر یانبی.

۳- ۶. حروفی اصطلاحلاری

حبیبی‌نین دیوانچاسپندا بؤل - بؤل حروفی اصطلاحلارنا راست گلمک اؤلار:

وجه آدمدیر صراطِ مستقیم،
آنا دؤغرو گئتمه‌ین بی‌راه اؤلا.

بوندان علاوه، سایلار و عددرده حروفی آنلاییشی ایله راست گلمک اؤلور. خصوصیه: چهار (عناصر اربعه)، پنج (پنج تن آل عبا)، شش (جهات ستّه) هشت و چهار (۱۴ معصوم) و سائرهنی دیواندا گؤرمک اؤلور.

حروفیلر بو عصرده عمومیتله وارلیق بیرلیگی (= وحدت وجود) دؤشونجه‌لرینی تبلیغ ائدیردیلر. گرچه اؤنلار تناسخیه دسته‌لرینه تابع دگیلدیلر، ولی هرحالدا «تجلی» و حتی دؤن با دؤن (= جسد به جسد) ایده‌یاسپنا

۷۶ ➤ مقدمه: حبیبی نین یارادېچېلېغې

باغلانمېشدهلار. تجلی نی فضل الله نعیمی استرآبادی ده گۆرن عمادالدین نسیمی
کیمی، عبد الله حبیبی ده دئییر:

وجودی کایناتین جمله سنسن،

آی جودی بی نهایت، فضل مولا.

کلک قدرت آلینا چون فضل بسم الله یازار،

یعنی رحمان صورتین شیطان ی گۆزدن دور ائدهر.

هر کیمه همراه، فضل الله اول،

آنا فضل فیض اول الله اول.

۴ - ۶. موسیقی

حبیبی اؤن بیتلیک بیر غزلینی تام موسیقی اصطلاحلارېنی ایشلتمک
اؤچۆن یازمېشدهر:

شو کافر چشمی گۆردوم استفاده،

علمی آندان ائدیم استفاده.

مطلعلی بو غزلده رباب، چنگ، عراق، اصفهان، نوا، راست، مطرب سۆزلرینی

ایشلتمیشدیر:

دور، ای مرغ سحر! بالله، آغاز ائت،

سراغازین اودونو جانگداز ائت.

مطلعلی غزلده صفاهان، حجاز، زنگوله، رودساز سۆزلرینی ایشلتمیشدیر.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۷۷

بوندان باشقا، حبیبی نین تقدیم ائتدیگیمیز دیوانچاسیندا «خرابات» ردیفلی
گئدن بیر قصیده‌ده بیر چوخ موسیقی اصطلاحلاری گلیر. مثال اؤچون:
دف و نی و عود و ششتا چنگ و بربط،
منیم تصنیف ادواریم، خرابات.

بیتینه گؤره احتمال وئرمک اولارکی او «ادوار» علمینده‌ده کتاب تصنیف
اؤتمیشدیر. بونلارین هامیسی گؤستریر کی حبیبی شعر و عروض اؤستادی
اولدوغو کیمی موسیقی و ایقاعات علمینده مسلط ایدی.

۵ - ۶. شطرنج

حبیبی بیر غزلبنده شاهمات، فرس، فرزین، سور، رخ، شاه و فیل
اصطلاحلارینی، چوخ اینجه‌لیکله ایشلتمیشدیر. بو غزل بئله باشلاییر:
قامو شاهمات اولور شاه ا فرس فیلیله فرزین سور،
قاچان کیم بایداق خالین رُخون نعتینده شاه ائیلر.
همین غزل گؤستریر کی شاعر شطرنج اویونو ایله‌ده مشغول اولارمیش.

۷. حبیبی دیوانچاسېندا شعر بیچیملری و دیل

ایمیزده اۆلان شعرلری، آشاغېداکی نوعلارا بۆلدۆک:

۱ - ۷. قصیده

حبیبی نین ایمیزده اۆلان ایکی قصیده سی واردېر کی عمومیتله عرفانی قصیده لر دیرلر. بیر بورادا غزل فورماسېندا یازېلان ۱۳ بیتدن زیاده اۆلان شعرلری قصیده آدلاندرېق - قصیده لر دن بیر یسی تحمیدیه دیر و بئله باشلاپیر:

معاون مانا اول سبحان اۆلورسا،

بدنده روح قدسی جان اۆلورسا.

هر ایکی قصیده نی شاعر تشبیب ایله باشلاپیر و سۆن بیتلرده تخلّصه قاچېشی گۆزله سینه ترسیم ائدیر.

۲ - ۷. غزل

حبیبی نین غزللری عمومیتله بئش بیت ایله یئددی بیت آراسېتدادېر. بعضاً داها چۆخ بیتلی غزلرده راست گلیریک. غزللرین مضمونلاری وارلیق بیرلیگی (= وحدت وجود) دۆشۆنجه سینه دایانېر.

۳ - ۷. ترکیب بند

شاعرین ایمیزه بیر ترکیب بندی یئتیشمیشدیر. شاعرین بو ترکیب بند آلتېلېغې (مسدّسی)، آذربایجان کلاسیک شعرین نین ان گۆزهل و مشهور شعر

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۷۹
پارچالارپندان اولموشدور. حبیبی دن ییزیم زمانیمیزا قدهر گلیب کوچن شاعرلربن
چوخو بو آلتیلغا نظیره یازماق ایله فخر ائتمیشلر.

۴ - ۷. قوشا بیت

تورکجه‌میزده قوشابیت، اولچوسو آزاد اولان دورد مصراعدان عبارت
شعردیر. شاعرین هله‌لیک بیر قوشا بیتینی اله گتیرمیشیک.

۵ - ۷. ادبی صنعتلر

حبیبی بدیع، قافیه و عروض فنلرینه چوخ یاخپندان بلد ایدی. شعرلرینه
ائله بیت تاپیلمازکی بدیی بیر صنعت اوندان ایشلنمه‌سین. مثال اوچون
آشاغیداکی ایکی بیتده «لف و نشر» صنعتی ایشله‌دیدیر:

سن ای ساقی الیمه سون سحر دور،

سبو، ساغر، پیاله، جام باده.

دوز ای مطرب! رباب و چنگینی راست،

عراق و اصفهان ایله نواده.

و یا:

بالله ای سرو روان دور گیل سحر گول شن، ده، گول،

گول یوزون شمع اؤنوندن تا گوله گولشنده گول.

بیتی ایله باشلایان غزلین ردیفینی دورد هجا اولاراق آشاغیداکی:

گول شن ده گول

۸۰ ➤ مقدمه: حیبی دیوانچاسپندا شعر بیچیملی و دیل
 کلمه‌لرینی سئچمیش و اؤنلاری آیری - آیری و یا یاپیشیق یازاراق، هجالار
 ایله اؤینامیش و هر بیتده باشقا - باشقا معنا چپخارتمیشدیر. عرب الفبالی
 کلاسیک املا مېزدا «دگیل» (= نیست) لفظینی «ده گؤل» شکلنده یازیلریمیش.
 او، همین املا قایداسپندان استفاده ائتمیش و یوخاربداکی دؤرد هجایا سکگیز
 معنا وئرمیشدیر.

۶ - ۷. دیل اؤزه‌للیگی

حیبی نین دیلی، چوخ ساده، اؤیناق و آهنگلی بیر لهجه‌دیر. اؤنون
 دیوانچاسپندا گئدن بعض مصراعلار، ضرب‌المثل حالینا گلیمیشدیر. باکی چاپنا
 اؤن سؤز یازان عزیز آقا محمدوف آشاغیداکی مصراعلاری سئچیب، حقلی
 اولاراق اؤنون اؤیناق دیلیندن نمونه گتیرمیشدیر:
 سعادتلی آياغې نېن تۈزو هر باشا کیم قونسا،
 الینی ائردیریر عرشه، آدېن صاحب کلاه ائیلر.
 جان وئریب بیر جان اؤچون یانسا حیبی، غم دگیل،
 ماسوادان فارغ اولدو وصل دلدار ایسته‌ین.
 عاشقېن یانماقدان اؤزگه دردینه درمانی یوخ،
 یانماغا پروانه بولسون شمع رخسار ایسته‌ین.
 من کی، لعلین جان یئرینده گؤرمؤشم،
 دردینی درمان یئرینده گؤرمؤشم.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۸۱

آل الیندن آیاغی، قوی آیاغنا باشینی،
ساقی زُهره جبین، گۆن یۆزلی مه سیما گلیر.

توتام عُمرۆم کیمی زُلفۆن اوجون برک،
نگارا! وصلینه درمان اۆلورسا.

ای کۆنۆل، عشق اهلینه هر دم گۆلردین شمع تک،
من دئتمییدیم کی، بیر گۆن آغلباسبدیر گۆلن؟

۷-۷. شهرتی

تذکره‌لرین اؤنون حاققیندا یازدېقلارې یازبیلار و جامع النظائر کتابیندا وئریلن
شعر نمونه‌لریندن آیدین اولور کی حبیبی اؤز زمانه‌سینده شهرت صاحبی ایمیش.
بو کتابی نین مؤلفی هـ. ۱۰ - نجو عصر شاعرلریندن نشانجی جعفر، چاکری،
صفایی نشانجی، حیاتی، توتماجی آدلې شاعرلرین اؤنون شعرلرینه یازدېقلارې
نظیره‌لری گتیرمیشدیر.

تذکره‌لرین مؤلف‌لری

گر سنین چین قیلمايام چاک ای بت سیمین بدن

مصراعې ایله باشلايان غزلی و «دئدیم - دئدی» عنوانې ترکیب‌بنددن
نمونه گتیریب، یازبیلار بیر چؤخ شاعرلر بو غزل و ترکیب‌بنده نظیره‌لر
یازمېشلار.

۸۲ ➤ مقدمه: حبیبی دیوانچاسپندا شعر بیچیملى و دىل

۸ - ۷. دیوانچا

حبیبی نین کلیات و دیوانی ایندییه قدهر مکمل شکلده علم عالمینه معلوم اولمامیشدیر. بیلیریک کی او، شاه اسماعیل درباریندا دیوان صاحبی ایمیش. اغری دیرلی حاجی کمال، حبیبی نین جامع النظائرده نقل ائتدیگی شعرلری ده همین دیواندان گۆتۆرمۆشدۆر.

بو کتابدا حبیبی نین ۳۸ غزلی وئریلمیشدیر. بو غزللری ایلک اۆنجه مرحوم محمد فؤاد کۆپرۆلو نشر ائتمیشدیر.

محمد فؤاد کۆپرۆلو ۱۹۳۲ م. ایلینده استانبولدا نشر اولان دارالفنون ادبیات فاکولتهسی مجموعه سینده حبیبی نین اثرلریندن الده ائده بیلدیگی ۴۲ شعر نمونه سی درج ائتدیرمیشدیر.^۱

مرحوم اسماعیل حکمت ارطیلان ایسه حبیبی نین «دندیم - دندی» عنوانلی مسدس ترکیب بندین و عثمانلی شاعرلری نهن دیوانی نهن الیازماسی سؤنوندا یئرلشن بیر غزلینی نشر ائتمیشدیر.

عزیز آقا محمدوف ایسه بو شعرلره بئش شعر داها آرتیرمیش و ۱۹۸۰ — نجی ایلده حبیبی نین کیچیک دیوانینی نشر ائتمیشدیر.^۲

۹ - ۷. دیوانچانین ترتیب ائدیلمه سی

الده ائدیلمن بو شعرلرین تۆپلانلماسی و ایلک اۆنجه یایبلماسی اصلینده عزیز آقا محمدوف عائد دیر. او، همین شعرلرین قایناق لارینی بئله گۆستریر:

۱. کۆپرۆلو، محمدفؤاد، همان.

۲. محمدوف، عزیز آقا. حبیبی، شعرلر، باکی، ۱۹۸۰.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۸۳

۱. یئددی بنددن عبارت اولان مسدس (التبلیق)، روسیه علملر آکادمیسی سنت پترزبورگ بۆلمه‌سی الیازمالار شعبه‌سینده (عنوان L. ۳۴ N ۵۰)
۲. اۆچ غزل آذربایجان ملی علملر آکادمیسی‌نین محمد فضولی آدینا الیازمالار انستیتوندا (۱ - ۱۱۹۱۸/۳۴۰) میلادی ۱۶۳۶ - نجی ایلده ترتیب ائدلمیش جُنگون ۵۴ الف، ۵۹ ب، ۱۱۲ الف، ورقه‌لرینده ساخلانلیر.
بونلاردان آشاغیداکی مطلع ایله باشلایان یکی غزل باشقا منبع‌لرده یؤخدور:

خواب غفلتدن اویانسون عشق دلدار ایسته‌ین،

بۆلؤل شوریده اولسون وصل گلزار ایسته‌ین. (ص. ۵۴ الف)

شؤل مبارک ذاتینا ایشیم نئادیر، یا نبی!

عاصیلک بیمارنا آدین شفا‌دیر، یا نبی! (ص. ۱۱۲ الف)

۳. سلمان ممتاز فؤندوندا دؤرد غزل.

۴. علی عباس مذهب - ین شخصی فؤندوندا ایسه اۆچ غزل ساخلانلیر.

۵. باشقا غزللر محمدفؤاد کؤپرؤلؤ طرفیندن حاج کمال - ین جامع النظائر الیازما مجموعه‌سیندن آلننپ نشر ائدلمیشدیر.

عزیزآقا محمدوف توپلادیغی شعرلری سیریلیک الفبا ایله ۱۹۸۰ - نجی ایلده

حبیبی شعرلر آدلې بیر کتابدا نشر ائتمیشدیر.^۱

همین نشر بیر داها لاتین الفباسې ایله‌ده چاپ و نشر اولموشدور. شعرلری

لاتین الفباسېندان عرب الفباسېنا کؤچۆرمه زحمتینی آقای پرویز شاهمرسی و

حروف ینغما ایشینی خانم معصومه غلام‌نژاد بازکیائی قبول ائتمیشدیرلر.

۱. محمدآوف، عزیزآقا. حبیبی - شعرلر، همان.

۸۴ ➤ مقدمه: حیبی دیوانچاسپندا شعر بیچیملی و دیل

بو دیوانچانین یئنی دۆزنه سالینیب نشر ائدیلمه سی بیرده اونا گۆره دیرکی گله جکده ملک الشعراء عبدالله حیبی نین مکمل دیوانچانین تاپیلما سبنا اؤمید بسله ییریک. بیز دیوانین یئنی دۆزنه سالینماسپندا شعر نوعلارینې یئنی املاء قایدالارینا اویغون برپا ائده بیلدیک.

معاصر اؤخوجونون، دیواندان داها آسان فایدالانماسې اۆچۆن، اؤخودوغونوز اؤن سۆزدن علاوه، کتابا آرتیرمالار بۆلۆمۆده اضافه ائتدیک. بو بۆلۆمۆ:

۱. آیهلر و عربجه عبارلر جدولینی تنظیم ائتدیک.

۲. آدلار جدولی دۆزنلهدیک.

۳. موسیقی اصطلاحلارینې فهرست ائتدیک.

۴. تۆرکجه اسکى لشمیش سۆزجۆکلری معنا ائتدیک.

۵. دیوانین متنینی باشدان سؤنا قدهر نقطه لندیردیک.

۶. بعضی اۆزل آدلارا قېسا شرحلر یازدېق.

۷. عربجه لغتلری معنا ائتدیک.

۸. کتابین سؤنونا کشف الاییاتدا اکلهدیک.

۱۰ - ۷. تصحیح طرزى

▲ بعضی بیتلرده بیر کلمه یا بیر عبارت دۆشمۆشدۆر. باکی چاپینین مصححی اتک یازېدا «مصراع بۆتۆو دگیل» یازمېشدېر. بیز بورادا حدس ووردوغوز آرتیرمانې بو علامت [] ایچینه آلدېق.

▲ تاویل اداتی اۆلان که (= کی) بیرینجی سسی اۆنلۆ اۆلان کلمه دن سؤنرا گلنده، اؤنونا ادغام اۆلور و «که» اداتی نین کسره سی دۆشۆر:

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۸۵

کز لدن (= که از لدن)

▲ بو قاعده یالنبز «که» حرفینه عائد دگیلدیر. باشقا اداتلاردا بئله دیر. مثال:

نئج ائت (= نئجه ائت)

▲ بیز، بئله حاللاردا ں علامتیندن استفاده ائتدیک:

هر مذلت که ایریشه معشوقدان

▲ سیسنی گوسترن الفین اسقاط اولونماسی، یانبز «که» ایله علاقه دار

دگیلدیر. باشقا کلمه لردده گورؤنؤر:

گورؤب تعجب ائيله دی جمله اهل کوی میکده.

۱۱ - ۷. باکی چاپی نین سهولری

بیزیم بورادا تقدیم ائتدیگیمیز دیوانین متنی نین حاضرلارنا زحمتینی اصلینده عزیزآقا محمّدوف چکمیشدیر. بیز، اونون زحمتی نین ثمره سی اؤزه لرینه بیر داها ایشله ییب، بو کتابی حاضرلایا بیلدیک. کتابی حاضرلایا ایشینده اونون نشر ائتدیگی نسخه ده گئدن سهولری ده دؤزه لتدیک.

بو سهولر عمومیتله اؤخونوش سهولری دیر. بعضی لرین آشاغیدا سایبریق:

۱. «قاپندا آی — گوئش دربان اولورسا» مصراعیندا «آی» یئرینه «ای»

اؤخوموشدور.

۲. «دف و نی، عود و ششتاف چنگ و بریط» مصراعیندا یانلبش اولاراق

«نی و» یازمیشدیر.

۳. آشاغیداکی بیتده «قامو» قیدینی «غم و» اؤخوموشدور:

هر مذلت که ایریشه معشوقدان،

۱۸۶ ➤ مقدمه: حبیبی دیوانچاسپندا شعر بیچیملیری و دیل

عاشقه خود اول قامو اعزاز اوله.

۴. آشاغبدکی بیتده «اؤلدورور» (= آن است) فعلینی اؤلدورور (= می کشد) اؤخوموشدور.

اؤلدورور سلطان ایکی عالمده بس،

چون حبیبی هر کیم، عبدالله اوله.

۵. تۆرکجه سۆزجوکلیری عرب الفباسپندا یازیلپشپنی اساس توتموش و آذربایجان تۆرکجه سینده چوخ گۆجلو اولان آهنگ قانوتونو سس یازیمی (= آوانویسی) ائدرکن یوزموشدور. مثال اۆچون «ایردیگینه» عباره سپنی erdügünə «لعلیندیر» ی la'lündürür ، «ائتدیگین» ی etdügün «سایری» sayru «باشپنی» başunu ضبط ائتمیشدیر.

۶. خال معناسپندا اولان «بن» کلمه سینی «من» اؤخوموشدور:

اؤل سیهدل بنلریندن عقل دلدر منفعل

شول پریشان سنبولوندن جانا ایره اضطراب.

۷. آشاغبدکی بیتده «برخاستم» یئرینه «درخواستم» یازیلپشپدیر:

ائردی قولاغما سحر چون های و هو میکده،

برخاستم، کردم سفر من نیز سوی میکده.

۸. بۆلبول معناسپندا اولان «هزار دستان» ترکیبینی «هزار داستان» hezar dastan سانمیشدیر.

۹. آشاغبدکی جمله ده مفعول نقشینده اولان «آب» کلمه سینی مضاف ظن ائتمیشدیر:

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۸۷

گۆزۆم ائدر هزاران آبی، روان چمنده
یوخارپدا کی مصراعدا «آب روان» abi-rəvan ترکیبی اوخوماق غلطیدیر.
۱۰. آشاغېداکی بیتده «شراب جامېني» ترکیبيني، سهو اولاراق «شرابېن
جامېني» اوخوموشدور:

ای حبیبی! سن مدام ایچ شول شراب جامېني،
آنېن اسرارېني ساخلا، بيلمه سینلر خاص و عام.

۱۱. «آنده ییز» فعلینی ödəvüz یازمیشدیر:

لعل یاقوتی روانی لطف آندیب،

سون الیمه آنده ییز بزم مدام.

۱۲. «ستارېني» را səttaɾ və ney یازمیشدیر:

سن، ای حبیبی، جام می نوش ائیله، چالدېر چنگ و نی،

گۆردۆم کی، اول ستارېني قوللارېنا قېیماز، نئدیم؟

۱۳. «غرا» کلمه سینی آشاغېداکی بیتده «غوری» ğuri اوخوموشدور

ای حبیبی! ایشته غراً مدحینی تکرار ائدم،

بلبل شوریده نم، سنسن گؤلۆستانېم منیم.

۱۴. آشاغېداکی بیتده «اولمایان» سۆزۆنۆ، «اولمایاق» یازمیشدیر:

زُلال لعلین اوچون اولمایاق خاک،

هوان اؤدونا هر دم یانه سیدور.

۱۵. آشاغېداکی بیتده «آلا» سۆزۆنۆ lilla اوخوموشدور.

۸۸ ➤ مقدمه: حبیبی دیوانچاسپندا شعر بیچیملی و دیل

۱۶. «وَهی رَمیم» قرآنی عبارهنی vəhy-e rənim یازمېشدېر کی və hiyə rənim یازمالې ایدی.

۱۷. دیوانچادا گلن بیرجه قوشایتی، قطعه آدلاندېرمېشدېر.

سایدېغمېز بو سهولر بیراندا دورسون، اعتراف ائتمه لیک کی عزیزآقا
محمّدوف - ون زحمتلری اولماسایدې، بیز ایندی حبیبی شناسلیقدالده
ائندیگیمیز مقاما چاتا بیلمز دیک.

اؤمید ائدیرم بو یئنی نشریمیز، تبریزین افتخارلارېندان اولان ملک الشعراء
عبدالله حبیبی نین تام دیوانی نېن تاپیلماسې و برپا ائدیلمه سی اؤچون بیر
باشلانغېج ساییلسېن. آمین

دکتر ح. م. صدیق

تهران - تبریز

آذرماه ۱۳۸۹

جدول آسان خوانی متون ترکی

برای آسان خوانی متون ترکی، برخی تغییرات در نگارش کلمات ترکی در این کتاب اعمال کردیم که در جدول‌های زیر نشان می‌دهیم؛ و همچنین سعی کردیم شکل نگارش کلمات دخیل عربی و فارسی را نیز حتی‌الإمكان مطابق مبدأ و اصل آن‌ها حفظ کنیم.

۱. جدول واک‌نگاری

مثال	معادل حروف لاتین	مثال	نشانه‌های واژه‌های ترکی
almaq	A, a	الماق (گرفتن)	ا، آ، ا، ه
əl	Ə, ə	ال (دست)	ای، ی، ی
ilan	İ, i	ایلان (مار)	ای، ی، ی
qızıl	I, ı	قیزیل (طلا)	ای، ی، ی
sol	O, o	سول (چپ)	او، و، و
söz	Ö, ö	سوز (سخن)	او، و، و
ulduz	U, u	اولدوز (ستاره)	او، و، و
düzmək	Ü, ü	دؤزمک (صبر کردن)	او، و، و
yel	E, e	ینل (باد)	ای، ی، ی

۲. جدول آواک‌نگاری

مثال	معادل حروف لاتین	مثال	نشانه‌های آواک‌های ترکی
buz	B, b	بوز (یخ)	ب / بد / بب
öpmək	P, p	اؤپمک (بوسیدن)	پ / پد / پپ
toy	T, t	توی (جشن)	ت / تد / تت
Sürəyya	S, s	ثریا	ث / ثد / ثث
can	C, c	جان	ج / جد / جج
çaxmaq	Ç, ç	چاخماق (آتش زنه)	چ / چد / چج
Həvvə	H, h	حوا	ح / حد / حح
xaliq	X, x	خالیق	خ / خد / خخ

۹۰ ➤ مقدمه: جدول آسان‌خوانی متون ترکی

daş	D, d	داش (سنگ)	د / د
zövq	Z, z	ذووق	ذ / ذ
bir	R, r	بیر (یک)	ر / ر
ziğ	Z, z	زیغ (گل)	ز / ز
jalə	J, j	ژاله	ژ / ژ
sərin	S, s	سرین (خنک)	س / س / س
şəhid	Ş, ş	شهید	ش / ش / ش
sidq	S, s	صیدق	ص / ص / ص
zəlalət	Z, z	ضالالت	ض / ض / ض
Tur-e Sina	T, t	طور سینا	ط / ط
zill	Z, z	ظل	ظ / ظ
Cə`fər	`	جعفر	ع / ع / ع
bağ	Ğ, ğ	باغ	غ / غ / غ
fəna	F, f	فنا	ف / ف / ف
qaş	Q, q	قاش (ابرو)	ق / ق / ق
kəsmək	K, k	کسمک (بریدن)	ک / ک / ک
gəzmək	G, g	گزمک (گشتن)	گ / گ / گ
diləyim	Y, y	دیله‌ییم (آرزویم)	ی / ی / ی
lalə	L, l	لاله	ل / ل / ل
miskin	M, m	میسکین	م / م / م
incə	N, n	اینجه (ظریف)	ن / ن / ن
vaxt	V, v	واخت (وقت)	و / و
hilal	H, h	هیلال	ه / ه / ه
yaban	Y, y	یابان (دشت)	ی / ی / ی

جدول اختصارات

إ.	اسم.	(=)	معادل و معنای کلمه.
إ. مر.	اسم مرکب.	عر.	عربی.
اد.	ادات	ف.	فعل.
إمص.	اسم مصدر.	ف. (به همراه سال)	
بم.	بن مضارع.	فا.	فارسی.
تر. اض.	ترکیب اضافی.	ق.	قید.
تر. وص.	ترکیب وصفی.	ق.	قمری.
ج.	جمع.	ق. ف.	قید فعلی.
ج.	جلد.	ق. مر.	قید مرکب.
شب. جم.	شبه جمله.	مص.	مصدر.
ص.	صفت.	مص. مر.	مصدر مرکب.
ص.	صفحه.	معر.	معرب از.
صص.	صفحات	مقت.	مقتول.
ص. مر.	صفت مرکب.	ه.	هجری.
ض.	ضمیر.	یو.	یونانی.

ايكىنجى بۆلۈم:



۱. قصیدەلەر

- ۱ -

مفاعیلین مفاعیلین فعولن (بحر هزج مسدّس محذوف . ---/---/---)

عدمەن تا کی، عالم اولدو پیدا،
بولونمادی تاپونا مثل و همتا.
سانا کیم بنزیه، ای دل رُبا، کیم،
کی، سنسن او لطیف اصلی هیولا.
خیالین خیلیدیر، ای شاه اعظم،
ائدن جان و کۆنۆل مُلکۆنۆ یغما.
پریشان زُلفۆنۆن سئودالار بندان،
دماغیم دولدو فاسد فکر سئودا.
لب لعلین فراق بندان آخېدېر، ۵
گۆزۆم هر دمبدم خون سویدا.
گۆزۆن تک گۆرمه دی بیر فتنه انگیز،
اولالدان دورِ عالم، چشم بینا.
گۆره لدن نرگس مخمورون، ای دوست،
جهان خلقینه اولدوم مست و رسوا.
جهاندا قالمادی بیر ذرّه ظلمت،

اۆلالدان گۆن یۆزۆن نوری هویدا.

جمالبن مصحفین عینیم گۆره‌لدن،

کۆنۆله روشن اۆلدو سرّ اسما.

۱۰ یوزوندور آیت سَبْعُ الْمَثَانِ،

سۆزۆندۆر خود اصح اسماء حسنا.

خط و خالبن دۆرۆر ابجد حروفی،

اوخودون لامو بادپر، کاف ایله ها.

قیامت قامتبنی گۆرن آیدپر:

«بلامبدپر بو، یاخود قد و بالا؟»

یۆزۆنۆ هر کی، گۆردۆ بارک‌الله،

دئدی: «زی حسن ایچینده وجه زیبا!»

یۆزۆندۆر جنت فردوس اعلا،

کی، طه اوخور اونداه حق تعالا.

۱۵ شو کیم توحیده قائلدیر احد دئر،

سنه، ای حسن ایچینده فرد [و] یکتا.

خط یاقوتبنی جان مصحفینده،

حبیبیا! دست قدرت ائتدی انشا.

وجودی کایناتبن جمله سنسن،

آی جودی بی‌نهایت، فضل مولا.

حقیقت سنسن، اول مظهر، حقیقت،
کی، مظهر دیر سنه سر جمله اشیا.
اگر عاشق و گر معشوق سنسن،
که آدم قورسان آدین، گاه حوا.
۲۰ گهی مجنون اولورسان لیلی اوچون،
که اولورسان گئری مجنونا لیل.
گهی وامق، گهی عذرا اولورسان،
گهی یوسف، که اولورسان زلیخا.
گهی احمد، علی‌سن، که خدیجه،
گهی مریم اولورسان، که مسیحا...
گهی صورت اولورسان، گاه معنی،
گهی اسما اولورسان، که مسما.
انشیدیر بو صدایی خلق عالم،
کی، سنده دیر سَمْعًا وَاُطْعَمًا.
۲۵ گۆنشدن کندۆزۆنۆ ظاهر ائتدین،
قامو شئیده گۆره‌مز لیکن اعما.
دو عالمده نه کیم وار جمله سنسن،
اگر اسفل اولا و، یاخود اعلا.
گۆرۆنۆرسن بو کثرت عالمینده،

بصیرت اهلینه پنهان و پیدا.
سنی هر شئیده گوردو چون حبیبی،
که او لای نفی ائدیب، آیدهر کی: «اَلّا»
بیلورسن که اول فقیری مستحق‌دیر،
نؤلا حُسْنُون ذکاتین ائتسن اعطا.
۳۰ تمنای وصال‌بندپر، همین بس،
اگر امروز اؤلا و، یاکی فردا.
آهن مقصودی سنسن گئجه - گوندوز،
سنی سندن ائدهر هر دم تمنّا.
او حورِ جنت و رضوانی آنماز،
ائدهلدن روضه‌ی حُسْنُون تماشا.

۹۸ ➤ دیوانچه: قصیدەلر

- ۲ -

مفاعیلن مفاعیلن فعولن (بحر هزج مسدّس محذوف . / - - . / - - . / - - .)

معاون مانا اول سبجان اؤلورسا،
بدنده روح قدسی جان اؤلورسا،
توتام عُمروم کیمی زُلفون اوجون برک،
نگار! وصلینه درمان اؤلورسا.
او جوهر دیر ساچام اول دم گؤزؤمدن،
خیالین لطف ائدیپ مهمان اؤلورسا.
نّجه ائتسین قراری جان ساچینلا،
کی سرّ، نه عهد و، نه پیمان اؤلورسا.
سن اول سلطان جانسان، ای دل افروز! ۵
کی، قاپیندا سبغار، مین خان اؤلورسا.
نه غم، سن خسروون، مین جان شیرین،
سر زُلفونده سرگردان اؤلورسا.
یوزون نوری ائدهر شکسیر هدایت،
ساچین کُفری منه ایمان اؤلورسا.
سعادت بولور اول دم نحس اکبر،
قاپیندا، آی - گۆنش، دربان اؤلورسا،
شو فتان عینی نین عینی نه گلمز،
اوجوندان دمده یوز مین قان اؤلورسا.

۱۰. رخون شمعینه قارشې جانې هر دم،
نولا پروانه‌وش بریان اؤلورسا.
رُخون، زُلفون گؤرؤب اۆلدوم مسلمان،
اؤلور مین ایللیک اؤل رهبان اؤلورسا.
اگر دنیا‌دا و عقبا‌دا سنسن،
همین جانا عظیم‌الشأن اؤلورسا.
اؤخور جان مصحفینی بی‌گمان، اؤل،
خط و خالبن کیمه برهان اؤلورسا.
گؤره‌ن شؤل وجه زیبانی، نگارا!
نؤلا گر واله و حیران اؤلورسا.
۱۵. نه سلطانسان کی، قاپې‌نېن گداسې،
دؤرؤر، مین خسرو و خاقان اؤلورسا.
ایرم روز وصاله، ای مه‌نوا!
شب هجرانېنا پایان اؤلورسا.
دو عالمده غنی اؤلا فقیرین،
قاپېندان فضل ایله احسان اؤلورسا.
قامو درد و فراقېندان همین بس،
بو عاشق دردینه درمان اؤلورسا.
حیات جاویدان بولا حبیبی،
او قاشېن عیدینه قربان اؤلورسا.

- ۱۰ اگر صوفی وجودی نور اؤلورسا،
حدیث و نقل و اخباریم، خرابات.
کلام و حکمت و علم لدنی،
منیم مهریمدیر، انواریم، خرابات.
بیان و منطق و قانون و هئیت،
غزل، قول ایله اشعاریم، خرابات.
دف و نی، عود و ششتا، چنگ و بربط،
منیم تصنیف ادواریم، خرابات.
مشام جانہ عطریں - بویون ایرگیر،
آی طب انفاس، عطاریم، خرابات.
۱۵ شو فرعونى گؤزؤنله قاره زلفون،
اؤلادلان برى سحاریم، خرابات.
دلی دیوانه اؤلدوم مست گؤزؤندن،
بیل، ای دانای هوشیاریم، خرابات.
حبیبی نئج ائت استغفار و توبه،
که ازلدن اؤلدون احراریم خرابات.
کؤنؤل چیرکین، یو گئتسین فضل الیله،
آی طاهر، پاک ابجاریم، خرابات.
منی بو ایکیلیدن بیرہ ایرگیر،
آ هفت و پنجیم و چاریم، خرابات.

۲. غزللر

- ۱ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنى محذوف ---/---/---/---)

شۆل مبارک ذاتېنا ایشیم ثنادر، یا نبی!
عاصبلېک بېمارېنا آدېن شفادر، یا نبی!
آیاغېن تۇپراغېنېن قدرین نه بېلسین هر کیشی،
کُنْ فکان اول تۇپراغه کمتر بهادر، یا نبی!
ای گۆنش یۆزلۆ حبیب، هر کیم سنی حق بیلمه‌دی،
دانلا محشرده آنېن یۆزۆ قارادر، یا نبی!
چۆن سنین خوشلۇغونا یاراتدې صانع عالمی،
آیاغېن تۇپراغېنا عالم فدادر، یا نبی!
بو حبیبی خسته‌یه قېلغېل شفاعت روز حشر،
چۆنکی اصلینده سنینله آشنادر، یا نبی!

- ۲ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف - - - / - - - / - - - / - - -)

چین ائیلندن چین سحر چۆن شۆل بت زیبا گلیر،
که آ و گۆندن رُخلارېنېن پرتوي زیبا گلیر.
چۆن گلیر مین ناز ایله اول سرو سیم اندام یار،
ساناسان مجنون-ه لیلی، وامیق-ه عذرا گلیر.
ای که، قد دلبری سرو سهی یه بنزه دن،
راست ائت، بالله، نظر کیم، منتها بالا گلیر.
مصحف حُسنونُ تفأل ائتدیگیمجه روز و شب،
طالعیمده گۆرۆنن بو سوره ی طه گلیر.
هر قاچان باد سحر دیره تسه مشکین زلفونؤ،
خاطرهم اولور پریشان، باشما سئودا گلیر.
حور عینه دعوت ائتمه منی، واعظ، وارمازام،
حُسن ایچینده چۆن کی، شۆل بی مثل و بی همتا گلیر.
نرگس مخموره دئییر کیم، تاکی خودیین اولماسین،
باغ ایچینده سیر ائده شۆل گۆزلری شهلا گلیر.
کعبه ی کویین زیارت ائتمگه باد صبا،
اٹشیگینه هر سحر گه بی سر و بی پا گلیر.
آل الیندن آیاغی، قوی آیاغبنا باشېنی،

۱۰۴ ➤ دیوانچه: غزللر

ساقی زُهره جبین، گۆن یۆزلی مەسِما گلیر .
۱۰ قاپسیندا گوشى حلقه قېلدېغېم بو که ائشیدم،
تا کی دئیە رحم ائدیب شول عاشق رسوا گلیر .
خسته دل اۆلدوغونا، غم یئمه، ای جان! دم به دم،
زی سعادت کیم قولونو گۆرمیگه مولا گلیر .
چۆن حبیبی گۆردۆ بو گۆن دلبرین دیدارېنی،
سانمل آنېن کۆنلۆنه آيروق غصّه ی فردا گلیر .

- ۳ -

مستفعلن مستفعلن مستفعلن (بحر رجز مثمن سالم - - - / - - - / - - - / - - -)

سنبلُ ساچپن گۆل یۆزۆنه چۆن کیم نقاب اۆلور، شها،
پنهان اۆلان گۆزۆن اۆل دم شۆل آفتاب اۆلور، شها!
لعل لب یاقوتونا جان نئجه تشنه اۆلماسین،
چۆن کیم آنهن هر قطرہسی دُر خوشاب اۆلور، شها.
یۆزۆنه زهره، مشتری، مهر ایله ماه اؤگونمه‌سین،
که اۆل گۆنشین بیر ذرّہسی مین ماهتاب اۆلور، شها.
مهرینله کینین اودونو جانیم ایچینده یاخالی،
عین‌الیقین یثرین یۆزۆ عینیمدن آب اۆلور، شها.
۵ اۆل دم کی، سن نوش ائده‌سن جام صفایى جم کیمی،
لعلینه جام ایردیگینه باغریم کباب اۆلور، شها.
نذر ائتدیگین بیر بوسه‌یی درویش اۆچۆن ائتسن ادا،
واللاهی کیم، آندان سانا مین - مین ثواب اۆلور، شها.
لعلیندیریر احیا ائدن هر دم او بی‌جسمی، ولی،
سرخوش گۆزۆندن ساییری جان مست خراب اۆلور، شها!
آب زلال وصلینه شۆل رسمه تشنه‌دیر بو جان،
کیم گۆزلریمه بو جهان عین سراب اۆلور، شها.
باغریم قانہنی گۆزلرین هر دم، حبیبی، تۆکدۆگۆ،
بودور کی، رنگین آب ایله اۆل خوش خضاب اۆلور، شها.

- ۴ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/--/--/--/--/-.)

طره‌ی طرارېنی سن ائده‌لیدن پیچ و تاب،
جان و دلدن صبر و آرام گتندی، گلمز گۆزه خواب.
واله و حیران اۆلور، هر کیم گۆرۆر گۆن یۆزۆنۆ،
سن نئجه حور و ملک سیما بشرسن، ای شباب!
رخلارېنلا عارضېن هر کیم گۆرۆرسه دئر روان،
زی عجب قدرت کی، آتش یانار و هم آخار آب.
پرتو حُسن جمالېن، عالمی روشن قېلېر،
سن دوغالدان جان گۆگۆنده، ای قمر رخ آفتاب!
اول سیه دل بنلریندن عقل دلدیر منفعل،
شۆل پریشان سُنبلۆندن جانا ایره‌ر اضطراب.
شھیر عرش آشیانېن، یعنی غمزهن، ای صنم!
مکر ایله یېخدې جهانی، حالېمی قېلدې خراب.
ای حییی، اول حبیبین درد عشقی سوزونو،
جان و کۆنلۆن یۆلداش ائيله کیم، بودور خیرُالمآب

۵

- ۵ -

مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (مضارع مثمن اُخرب --/--/--/--/--)

ای آفتاب دولت! وی کوکب هدایت!
ای مطلع تجلّی، وی نور بی‌بدایت!
شمع رخ جمالین بیر نورِ لَمْ یَزَلْ دیر،
که انوارِ بنا بولونماز هرگز آنین نهایت.
ای نورِ مهر عالم! بیر مه دۆرۆر کی، یۆزۆن،
مهر ایله ماهه ائیلر هر دم به دم سرایت.
هجرین شبینده مقصود یولونو یاد قیلدیم،
بیر گوشه‌دن گۆرۆن گیل، ای کوکب هدایت!
سن مصحف حیاتی یازد بقدا دست قدرت، ۵
یۆزۆن صحیفه‌سینه نقش ائتدی یئددی آیت.
کیپریکلرینله قاشپن، زُلفۆن حروفی دیر کی،
سَبْعُ الْمُتَانِی ده صحیح اولدو اول کتابت.
سُنْبُل ساچینې چۆزمه کیم، نّجه باش آیاقد،
قالبر اوجوندان آنین بی جرم و بی جنایت.
معشوقونون، ای عاشق! مهری اودو یئلینه،
هر دمده آب و خاکه باخ، ائيله‌مه شکایت.

۱۰۸ ➤ دیوانچه: غزللر

معشوقه دن خبر کیم بیلیمک دیلر سه، یانسین،

عشق اؤدونا کی، عاشق بودور اصح روایت.

۱۰ بی پا و سر فناده قالمیش دؤرؤر حییی،

لطفؤنله دستگیر اؤل، فضیلینله ائت عنایت.

- ۶ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/---/---/---)

بیر سحر پیر مغانی چۆن زیارت ائیلهدیم،
آیاغیندا باش قۇدوم، چۆخ چۆخ عبادت ائیلهدیم.
بیر عجب رطل گران سوندو الیمه پیر مست،
آلدیم ایچدیم، جان و دل مُلکۆن عمارت ائیلهدیم.
چۆن منی مست ائیلهدی اول رطلیلہ پیر مغان،
من دخی مطربله ساقی‌یه اشارت ائیلهدیم.
مطربا! راست گو نواده چون دۆزتدیم چنگینی،
عاکف میخانه‌یه چۆنکیم بشارت ائیلهدیم.
۵ جم اولوب کاشانه ایچره، نوش قبلدق جام می،
ساقی مہروی گۆردۆم، چۆخ شطارت ائیلهدیم.
جان و کۆنلۆ، عقل و دینی جمله وئردیم ساقی‌یه،
شۆل زیانگر صوفی‌یه سانکیم خسارت ائیلهدیم.
پُرگشایش اۆلدوغومو گۆردۆ، دثر: ای بینوا،
چۆخ سئوینمه، جسم و جانی یۇخسا غارت ائیلهدیم.
ائشیدیپ پیرین سۆزۆن، ایچدیم حضور قلب ایله،
جمله اسقاط صلاتیمه کفارت ائیلهدیم.

۱۱۰ ➤ دیوانچه: غزل

بیر زمان چون ساکن میخانه اؤلدوم بیر ایله،
نفسِ شوم ایامهنی خیلی حقارت ائيله دیم.
۱۰ پیریمین بیر جرعه سینه ساتمام ایکی کونی من،
ای حییی، که ای بیلیرسن خوش تجارت ائيله دیم.

- ۷ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مسدس محذوف - - - / - - - / - - -)

دل ساچپندان اولدو سئودایی مزاج،
جانا، شیرین لبلریندن ائت علاج.
عینِ جاندهر اللریندن زهرِ ناب،
سنسیز آب زندگی ملح اُجاج.
عنبر سارا ساچپندان اولدو خاک،
نافه‌ی چین نئجه‌سی بولا رواج؟
حُسْنُونُ رازبن نئجه ساخلایا دل،
گیزله مک ممکنمؤ مصباح زجاج؟
جوهریندن خاک پاکبن، ای صنم! ۵
ایریشن باش، اولمادی محتاج تاج.
بو حبیبی دنیا و عقباده بس،
حسرتیندن غیره ائتمز احتیاج.
اولمادان بو باد و آتش، خاکمبز،
ماهِ مهرینله بولایدی امتزاج.

- ۸ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/--/--/--/--/-. -)

خواب غفلتدن اویانسېن عشق دلدار ایسته‌ین،
بۆلبۆل شوریده اۆلسون وصل گلزار ایسته‌ین.
نی کیمی باغرېن دلیب، هر دمده نالان ائیله‌سین،
دردیله یانسېن، یاخېلسېن وصلت یار ایسته‌ین.
عاشقېن یانماقدان اۆزگه دردینه درمانی یوخ،
یانماغا پروانه بولسون شمع رخسار ایسته‌ین.
عاشق اۆلدور جان و دلدن درد قېلدې اختیار،
دردینه درمان بولدو، دردی تکرار ایسته‌ین.
۵ جان وئریب بیر جان اۆچۆن یانسا حبیبی، غم دگیل،
ماسوا دان فارغ اولدو وصل دلدار ایسته‌ین.

- ۹ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/---/---/---)

پرتو حسنِ جمالینِ عالمی پُر نور ائدهر،
احسن وجه خیالینِ آدمی مسرور ائدهر.
لعل جانبخشین اگرچه مرده جسمه جان وئیر،
چشمِ بیمارین، نگارا! جانلاری رنجور ائدهر.
کلکِ قدرت آلینا چون فضل بسم الله یازار،
یعنی رحمان صورتین شیطانی گؤزدن دور ائدهر.
عینِ فتانینلا قاشین، زلفین، ای مهر و صنم!
نئجه عزّت اهلینی پامال ائدین خار ائدهر.
۵ غم دیگیل، خیل خیالین ییخسا، ای شه! جان ائوین،
چون کی حُسنون گنج عشقینله آنی مأمور ائدهر.
رُخلارین شمعینه جان پرواز ائدیب پروانه‌وش،
یاندېغینجا ساچلارین اول مسکینی مهجور ائدهر.
منشی قدرت یازار چون دفتری نین صورتین،
خط توقیعینی اول دم رقعه‌ی منشور ائدهر.
حُسنونون تقویمینی چون باغلار احسن وجه ایله،
خط و خالی نین رقومی ابجدین مسطور ائدهر.

۱۱۴ ➤ دیوانچه: غزلر

نقشینی پر گاری نهن نقاش صورت یازاجاق،
آب و رنگین رسم ایچینده بت گییی مستور ائدهر.
۱۰ لعل و لؤلؤنؤن حیییی نظم ائدهجک مدحینی،
ائشیدن دئر: «بو مسیحادیر کی، نفخ صور ائدهر!»

- ۱۰ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مسدّس محذوف - - - / - - - / - - -)

درد عشقه هر کی، اول دمساز اؤلا،
اؤل گره ک لاید کی، اهلِ راز اؤلا.
عاشق صادق اؤدور معشوقونون،
یولونا جان ترک ائده، سرباز اؤلا.
دمده مین گز قال ائده رسه عاشقی،
غمزه سی معشوقونون خود آز اؤلا.
عاشقا! جور و جفا و درد و غم،
ذوق و شادی، حسن و خلق و ناز اؤلا.
هر مذلت که ایریشه معشوقدان،
عاشقه خود اؤل غامو اعزاز اؤلا.
عاشق آندا نئجه توبه ائده کیم،
آب و سبزه، شاهد و می ساز اؤلا.
ایریشه مز شول همانین زلفونه،
مرغ دل گر شاهین و شاهباز اؤلا.
ای حبیبی، خوشدورور جام شراب،
خاصه کیم، محبوب خوش آواز اؤلا.

- ۱۱ -

مستفعلن مستفعلن مستفعلن (بحر رجز مثنیٰ سالم - / - - - / - - - / - - - -)

ای دوستان! ای یاریم منه اویماز، نئدیم؟
 عمرۆم کیمی گئتدی روان شۆل شمع جان گویمز، نئدیم؟
 هر دم نظر پاک ائیله ییب، باخسام جمال آینا،
 گۆنش یۆزۆ آینه سی آینا گۆز دویماز، نئدیم؟
 شۆل فتنه ی دور قمر، عینین بلادهر کیم مگر؟
 سرخوش اولوب، غملر ایچر، نئدیگینی دویماز، نئدیم؟
 اول دل سیه، فتان فرنگ، هر افخ کیم آتار بی درنگ،
 دؤغرو روانه ایریشر، آبروق گۆزه قبیماز، نئدیم؟
 ۵ جان بۆلبۆلۆ هر صبح و شام، افغان و آه ائیلر مدام،
 اول غنچه لب، گۆلرخ قولام، چون شمعینه قویماز، نئدیم؟
 بیر دمه مین جان و جهان ترک ائیلر اولسام یولونا،
 اول عالی همت دلبریم مینین بیره سایماز، نئدیم؟
 یاربن قاپسیندا مدام، خوار اولدوغوم بودور کی من،
 دویار کیشی هر نسنه یه، بو جرمونه دویماز، نئدیم؟
 ای ناصح مشفق! بیزه پند و نصیحت ائیله مه،
 کیمسه ازله یازبلان یازی و چۆن یویماز، نئدیم؟

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۱۷

شیخیم، او جان ساقیسی‌نین سرخوش گۆزۆندن مست اۇلان،

مردملری ایکی جهان خلقی دخی دۆیماز، نئدیم؟

۱۰ سن، ای حبیبی! جام می نوش ائیله، چالدپر چنگ و نی،

گۆردۆم کی، اول ستاربنی قوللارنا قییماز، نئدیم؟

- ۱۲ -

مفاعیلن مفاعیلن فعولن (بحر هزج مسدّس محذوف . ---/---/---)

دور، ای مرغ سحر! بالله، آغاز ائت،
سراغازین اؤدونو جانگداز ائت.
مخیر ائیله عشاقی نواده،
صفاهان یوزؤنؤ گوستر، حجاز ائت.
که او زنگول یله مرغولی نگارین،
سر زلفؤنؤ توتوب رودساز ائت.
او گول رخ غنچه لبدن بوسه ایسته،
آ بولبول، هر نفس ناز و نیاز ائت.
۵ اندهرک بوسه لیگی ائیله یوره ک،
شو عود و چنگ و نایی پرده ساز ائت.
نگار! آياغبندان ساچینې در،
غبار اولموش رئوسی سرفراز ائت.
شو مشکین زلفؤنؤن چینینی چؤزگیل،
بو مسکین عاشقبن عمرؤن دراز ائت.
فمیندیر نقطه ی موهوم، حبیبی،
سن آندان بیر خبر سؤر، کشف راز ائت!

- ۱۳ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف - - - / - - - / - - - / - - -)

گۆل یاناغین اۆزره چۆن اۆل سُنبل سرکش یاتېر،
جمله سرکش دیلر آنا باغلی خوش ناخوش یاتېر.
هر کی حُسْنُون کعبه‌سینده گۆرسه فتن عینی‌نی،
دئر: «روان محراب ایچینده بیر ایکی سرخوش یاتېر.»
اۆستۆ چاپق بیر عجب اؤغرو دور اول هندو سنین،
باغ جاندان سيب و گۆل شفتالو وئریب خوش یاتېر.
قَاب قَوسین ایله غمزەن اؤخونا جان و دلی،
سینه‌میز ایچینده هم قربان و، هم تیرکش یاتېر.
گۆزۆمۆن یاشیله آهیم آتشیندن یئر و گۆی،
خشک و تر اؤلموش، حبیبی، هم قورو، هم یاش یاتېر.

- ۱۴ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/--/--/--/--/---)

عاشقه معشوقونون جوړو صفاسې خوش گلیر،
ایکی عالمدن آنا بیر مرحباسې خوش گلیر.
گۆز لیریم دردینه سۆرمه اولماغیچون دم به دم،
توتیای جوهریندن خاک پایې خوش گلیر.
عمر باقی ساجلار بندېر، باده وئرمه، ای صنم!
گۆرؤن اول عمر عزیزى، چون بقاسې خوش گلیر.
جمله بو خلق جهانین قیل و قالیندان منه،
اٹشیگینده ایتلرینین ماجراسې خوش گلیر.
سانا، ای زاهد! بهشت و حور و رضوانی، منه،
اول بت زیبا نگارېمین لقاسې خوش گلیر.
بو حبیبینین دُعاسین مستجاب ائت، ای صنم!
چون کرم اهلینه داعیېنین دُعاسې خوش گلیر.

۵

- ۱۵ -

مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن (بحر رجز مثنیٰ سالم - / - - - / - - - / - - - -)

ساقی! سحر دیر، سون بری، جام جمی نوش ائده‌لیم،
بو سنگسار اولموش سری اول جاملا سرخوش ائده‌لیم.
روح ایله عقلی راه ایله لایعقل و مست ائیله‌ییب،
دهر زمانبن غصه‌سین بیر دم فراموش ائده‌لیم.
بو عقل محکم قید ایملیش عشاقه، گۆردۆک، ای رفیق!
گل جهد ائدیپ، دوروشالیم، تا آنی سرخوش ائده‌لیم.
گلدیم قباچه گئیدی‌ریپ، رز قېزېنی بیر قوجالیم،
آدېن آنېن جسم لطیف، روح گهرپوش ائده‌لیم.
چون کیم زمین و آسمان، گۆردۆک، سماع ائیلر مدام،
گل بیز دخی میخانه‌ده شول خُم کیمی جوش ائده‌لیم.
قوی مدرسه‌یله مسجدی صوفی و شیخ و واعظه،
بیر مغانبن جامېنی دیر ایچره بیز نوش ائده‌لیم.
ای ساقی روح روان! بیر دۆلو سون، بالله، روان،
تا کیم حبیبی درویشی بی‌عقل و بیهوش ائده‌لیم.
شول کیم ائده جکدیر مدام، گل ائده‌لیم بیز صبح شام،
ای پیر پخته! اولما خام، دئمه کی، اوش، اوش ائده‌لیم.

- ۱۶ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ مقصور - - - - / - - - - / - - - - / - - - -)

فضل فیاض ازل چون ائیلهدی فیضینی عام،
ساقیا! دور جام جم سون، صبح دؤرؤر، والسّلام.
صوفیا! قوی ننگ و نامی، جام صافی نوش قبل،
ساقی مَهر و الیندن، عاشقا! سن آلما خام.
کۆنلۆنۆن آیینه‌سینی هر نَفَس پاک ائیله‌گیل،
شۆل مصفا آب ایله بو یئنگینی آنهن مدام.
میکده ایچره مقیم اول، دئر ایسه پیر مغان،
سن آنهن دُرّ کیمی سۆزۆن سیما قبل، آل اله جام.
۵ رَطْبُ و یابس سۆزۆ قوی واعظ دماغهن خوش گۆنۆ،
گرم و ترائت جامدن کیم بو دؤرؤر خیرالکلام.
ای حبیبی، سن مدام ایچ شۆل شراب جامهنی،
آنهن اسرارهنی ساخلا، بیلمه‌سینلر خاص و عام.

- ۱۷ -

دور اؤرؤ، ای ساقی، بالله، خوش خرام،
جام جم‌دن نوش ائدیب سرخوش خرام.
لعل یاقوتی روانی لطف ائدیب،
سون الیمه ائده‌ییز بزم مدام.
گوڭ یوزؤنله زلفِ شبرنگین، آ دوست،
وردیم و ذکریم اولوبدور صبح و شام.
ای قمررخ، شمس جان، ساقی، ساقین،
پخته اولموش عاشقینې ائتمه خام.
سبزه و آب و حریف و ساز و می،
بو دؤرؤر اسبابِ عشرت، والسّلام.
حاضر ایکن دور ایچه‌لیم دورمادان،
کیم، گئدهر جم تختدن اوشانور بو جام.
صحبتی بیر خاص ائده‌لیم یار ایله،
مطلع اولماسین آنا هئچ عوام.
جهد قیل، سنلیگی سندن زایل ائت،
شول مصفیّ آب ایله سن، ای قولام!
ای حبیبی! حالی اولما بیر نفس،
ایچ شرابی ایل اون یکی آی، تمام!

- ۱۸ -

مستفعلن مستفعلن مستفعلن (بحر رجز مثنیٰ سالم - / - - - / - - - / - - - -)

بالله، سحر دیر، ساقیا، دۆلدور بری جام، ایچه‌لیم،
 لایعقل و مست اولالیم، بیز رند و بدنام، ایچه‌لیم.
 چۆن بو سیه کاسه جهان، بیر دم بیزه وئرمز آمان،
 سون لاله گون آنی مدام، هر صبح و هر شام ایچه‌لیم.
 ای ساقی خجسته فال! هر روز و هفته، ماه و سال،
 ناموس جامی داشا چال، قوی ننگ ایله نام، ایچه‌لیم.
 آچیلدی چون گۆلشنده گۆل، ساقی، اله آل جام مل،
 چۆن کیم بیزه قالبر دگیل بو دور و ایام، ایچه‌لیم.
 مفتی، مدرّس، شیخ، امام، گۆردۆم کی، ایچرلر مدام، ۵
 بیز اونلارا تابع اولوب، ای اهل اسلام! ایچه‌لیم.
 چۆن حاضر اولدو دف و نی، گۆل سبزه ایچره یار و می،
 وقتی غنیمت آنلا که ای، گل، ای دلارام! ایچه‌لیم.
 می‌دیر مسیحین قانی بس، می‌دیر چو روح ثانی پس،
 سن، ای حیییی، سؤزو کس، کیم آنی مادام ایچه‌لیم.
 چۆن رز قهزې گۆزلی نین یاشی دۆرۆر می، بیل مدام،
 ای ساقی عادل! بیزه دگمه، آنی تام ایچه‌لیم.

- ۱۹ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/--/--/--/--/-. -)

مستدام اولغیل همیشه، ای گۆزل خانیم منیم،
گۆزلری نرگیز، یۆزۆ گۆل، زلفی ریحانیم منیم.
گۆن یۆزۆن گۆردۆکجه، والاهی، بو کۆنلۆم شاد اولور،
حق سنی وار ائیله‌سین، دولتلی سلطانیم منیم.
سن فراغت، شاد و خرم، من قېلېرام ناله‌لر،
خوشمودور، دلبر، سانا بو آه و افغانیم منیم؟
حسرتیندن خسته اولدوم، دردیمی بیلمز طیب،
دلبر! وصلینده‌دیر، وار ایسته درمانیم منیم.
ای حبیبی! ایسته غرّا مدحینی تکرار ائدم،
بۆلبۆل شوریده‌نم، سنسن گلستانیم منیم.

- ۲۰ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/--/--/--/--/-.)

جان ایچینده درد عشقین اؤلالی، جانا! مقیم،
گۆزلریندن سائرې کۆنلۆم اۆلدو ساغ و مستقیم.
گۆن یۆزۆن آیینه سینه باخدېغېنجا هر نفس،
گۆزۆمه روشن گۆرۆنۆر وجه رحمان، ای حکیم!
هر قاچان بیر بوسه ائتسه جان لیبندن التماس،
باغریمې خونخواره غمزهن ائدهر اۆل دمه دو نیم.
نعمت و نازېن جهانېن ئئدهر، ای جان! جان و دل،
کیم اۇلارا جور و نازېن اۆلدو چۆن ناز نعیم.
ای حبیبی، جوړو نازېن گۆره لیدن گۆزلریم،
کۆنلۆمۆن آرامې گئتدی، جاندا غم اۆلدو مقیم.

۵

- ۲۱ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/--/--/--/--/---)

گر سنین چۆن قېلمايام چاک، ای بت نازک بدن!
گۆرۆم اۆلسون بو قبا، اگنیمده پیراهن کفن.
چېخمایا سئودای زلفۆن باشدان، ای مه! گر یۆز ایل،
استخوان کله‌م ایچره دوتسا عقربلر وطن.
گرچی شاد اولمان دخی، ای دل! بوندان بۆیله کیم،
چۆن منه همدم اۆلان سنسن، نه سن اولگیل، نه من.
دۆشدۆ شبنم باغه، گل، تا گۆل نثار ائتسین سانا،
سبزه‌نین هر برگینه بیر دُر کی، تاپشیرمېش چمن.
ای کۆنۆل، عشق اهلینه هر دم گۆلردین شمع‌تک،
من دئتمز مییدیم کی، بیر گۆن آغلیباسېدېر گۆلن؟
نئجه دینلنسین حبیبی-ن سنسیر، ای اندامی گول؟
چۆن باتار جسمینه تنده هر تۆک اۆلموش بیر تیکن.

- ۲۳ -

مستفعلن مفاعیلن مستفعلن فعل (رجز مثنوی مخبون محبوب ---/---/---/---)

ای آغزی غنچه، چهره‌سی گؤل، خطلری سمن،
زلفی بنفشه، حُسنی چمن، بویو یاسمن.
صاحب جمال و اهل کمال، شکرین مقال،
یوسف صیفتلی، عیسی نفس، وجهیده حَسَن.
ای کؤنلۆ سنگ و عادتی جنگ، خویی هم پلنگ،
ناز ائیله‌ین، کرشمه قیلان، عاشق اؤلدورن.
یوخ - یوخ، خطا دئدیم، غلط ائتدیم، کج آنلادیم،
ایشی وفا و کؤنلۆ صفا، عاشقین سئون.
۵ آزارئیله، ای حبیبی، شکایت ز جورِ دوست،
درد و بلادین اینجیمه‌سین «عاشقم» دئین.

- ۲۴ -

مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (بحر مضارع مثنیٰ اخرب --/--/--/--/---/---)

بیر دم سالینسا چۆن اۆل سرو روان چمنده،
 گۆزۆم ائدهر هزاران آبی روان چمنده.
 شوقینه گۆل یۆزۆنۆن هر دم هزارستان،
 ائدیپ بو بۆلبۆل جان، آیدهر شو آن چمنده.
 زُلفون گۆرهلی سُنبل، گۆلگۆن یۆزۆنۆ لاله،
 هر دمده ائکلهدرلر سئودا و قان چمنده.
 بوی ساچیندان ایردی باد بهارا چۆن کیم،
 سرمست و دنگ و حیران اۆلدو دوان چمنده.
 وَ هِيَ رَمِيمٌ اُولَانَلار يُحْيِي الْعِظَامَ اُولورلار، ۵
 سن بیر نفس اورارسان اول دم روان چمنده.
 دور زمان ایچینده گۆرمهدی بیر بشر هئج،
 سنجیله یین پری رخ، حور جنان چمنده.
 شۆل تیر قامتینې سروی گۆرۆرسه دؤغرو،
 قاشین کیمی اگیلیر، اۆلور کمان چمنده؟
 معشوقه عینی سنسن، ای عشق اری حییی،
 گئرچکسن عاشقانه اۆل جانفشان چمنده.
 توت ساقی نین الینی، قوی باشینې آیاقد،
 ایچ جام عشقی، مست اۆل سن بو زامان چمنده.

- ۲۵ -

مستفعلن مستفعلن مستفعلن (بحر رجز مثنوی سالم - / - - - / - - - / - - - -)

جان آلبچې خونی گۆزۆن بیر دم آمان وئرمز، نئدیم؟
دل خسته‌یه کیریپکلرین اؤل دخی جان وئرمز، نئدیم؟
شیرین لبین اسرارېنی روح‌القدس‌دان سوردو جان،
دئر: «اؤل غیبین سریدیر، نام و نشان وئرمز، نئدیم؟»
که اؤل واعظین افسانه‌سین، ساقی، سۆن اول جام جمی،
گۆردۆن یقین کیم بو زمان دور زمان وئرمز، نئدیم؟
گرچی انا الحق سرینی ذرات عالم سؤیله‌شیر،
عینین کیمی روشن خبر، بیر شئی عیان وئرمز، نئدیم؟
اول لذتی کیم جانېما لعل روان‌بخشین وئریر، ۵
واللاهی، آنېن ذوقینی جان و جهان وئرمز، نئدیم؟
ای سبزه‌ی جان گۆلشنی، سرو روانېن لطفینی،
باغ بهشت و [جنت و] حور جنان وئرمز، نئدیم.
شؤل جامې کی، سوندون مدام، جان حبیبی‌یه مدام،
ای ساقی! مهر و چون قولام، پیر و جوان وئرمز، نئدیم؟

- ۲۶ -

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (بحر هزج مثمن سالم / - - - - / - - - - / - - - - / - - - -)

مگر باد صبا زلفون اوجوندان کی پریشان دهر،
که، باش و جان و دل هر دم آياق آلتيندا ريزان دهر.
مفرّح لعل و ياقوتون خيال فکرين ائده لدن،
بو جان شیرين، ای دلبر! عجب دلتنگ و حيران دهر.
گوزونله زلف شبرنگين گوره لدن جان و دل هر دم،
پریشان حال و آشفته، نزار و زار و گريان دهر.
قاشينلا کيپريگين زلفون، خط و خالينلا هم لعلين،
اوخويان مصحف جانندان دثر: «اؤل آيات قرآن دهر.»
منی رسوای خلق ائتسه، عجبميدير غم عشقين،
که، هر دم ناوک غمزهن دل و جان ايچره پنهان دهر.
قيامت قامتبن عينيم گوره لدندير روان، ای دوست!
بلای ناگهان دهر بو، کيم اؤل آشوب دوران دهر.
حبيبي درویشين شوقين گوره لدن، ای پری پيکر!
روان آخبتدېغي گوزدن عقيق و لعل و مرجان دهر.

۵

- ۲۷ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/--/--/--/--/---)

کۆنلۆمۆ هم دم به دم ائدهر پریشان ساچلارېن،
عقلی قېلېر دنگ و واله، مست و حیران ساچلارېن.
بیر تۆکنمز قاره سئودادېر کی، اوجو یوخ آنېن،
من پریشان خاطرین باشېندا، ای جان! ساچلارېن.
گۆن یۆزۆندۆر گرچه ایمان ایله دینی عاشقېن،
مانا یئتر دنیا دا کُفر ایله ایمان ساچلارېن.
گر دو کۆنی بیر قېلېنا وئرسه لر مین جان ایله،
ای صنم! بالله-ی، وئرمه که اؤلا مچان ساچلارېن.
عقده سیندن بیر گره چۆزه رسه عرشین اۆستۆنه،
توتار آی و گۆنشین یۆزۆنۆ یکسان ساچلارېن.
غالیه و مشک و عنبر قېلدې طبل و عود، نی،
سربه سر خاک جهانی عنبر افشان ساچلارېن.
ایکی کۆنه بیر قېلې نئجه سی اؤلما سېن محیط،
قوردو چون عرش العظیم اۆستۆنه سایان ساچلارېن.
دؤرت کتابېن مشکلینی بو حبیبی ائتسه حل،
نولا چۆن کیم اۆلدو آنا نقل و برهان ساچلارېن.

۵

- ۲۸ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مسدس محذوف - / - - - / - - - / - - -)

من کی، لعلین جان یئرینده گۆرمۆشم،

دردینی درمان یئرینده گۆرمۆشم.

تیر غمزەن زخمینی جاندان روان،

مردم آخار قان یئرینده گۆرمۆشم.

خانە ی گۆزدە خیالین کۆلگە سین،

شکر کیم، مهمان یئرینده گۆرمۆشم.

گۆن یۆزۆنده کفر زلفین، ای صنم!

من یقین ایمان یئرینده گۆرمۆشم.

۵ مصحف حسنۆنده خط و خالینې

حرف به حرف قرآن یئرینده گۆرمۆشم.

قاشلارېن یایینا کیم عید آیدېر،

جانلارې قربان یئرینده گۆرمۆشم.

هر نه جور ائتسن، حبیبی، لطف ایله،

حُسن خلق احسان یئرینده گۆرمۆشم.

- ۲۹ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/--/--/--/---/---)

گۆزۆم آیدېر کۆنلۆمه: «شۆل حور مهوشدن ساقېن!»
کۆنلۆم آیدېر: «یۆرۆ، وار سن شۆل گۆز و قاشدان ساقېن!»
کۆنلۆمۆ گۆزۆم خیالېنا وطندیر گرچی کیم،
ای صنم! بالله، لطف ائت، آب و آتشدن ساقېن.
ای بلالې دل شکسته، وی پریشان حال، ائشید،
سۆزۆمۆ: «شۆل جادو سُنبل، زُلفِ سرکشدن ساقېن!»
سانا گر رسوای خلق اولماق گره کمزسه، آ دل!
یۆرۆ، وار شۆل مست جادو ایکی سرخوشدان ساقېن.
اول حبیبِ بی‌وفانېن قولینه اینانما سن،
ای حبیبی، سانا دئدیم آب و آتشدن ساقېن.

۵

- ۳۰ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/--/--/--/--/---)

دور سحر، ای ساقی جان! بیر قدح می سون بیزه،
گۆزلرین چون کیم یئدیردی، سحر ائدیپ، افیون بیزه.
واله و بی عقل و سرخوش، مست و حیران اولموشوز،
گۆرۆنه لی شۆل گۆزۆ نرگس، یۆزۆ گۆلگۆن بیزه.
رُخلارین شۆل جام جم گیتی نمادیر کیم یقین،
روشن اول یۆزدن گۆرۆنۆر خالق بیچون بیزه.
پُر ائدیپ پیمانه یی، ساقی، الیمه سون مدام،
نوش ائده لیم، کیم بیلیر، نئده بو چرخ دون بیزه.
اول صفا جامین پیایی نوش ائده لیم، ای حکیم!
چۆن کی اؤل پیر مغاندان اولدو بو قانون بیزه.
شۆل لب یاقوتونو قوت ائتمه گی چین جانینا،
دم به دم یئدیردیگی قاندیر دل پر خون بیزه.
ای حبیبی، عقلی قوی، توت جام عشقی هر نفس،
شۆیله لایعقل اؤلی گۆر کیم گۆله مجنون بیزه.

۵

- ۳۱ -

مفاعیلن مفاعیلن فعولن (بحر هزج مسدّس محذوف . --- / --- / ---)

گۆره‌لدن زُلفِ عنبر بارېن، ای دوست!
پريشان دېر بو دل‌افگارېن، ای دوست!
ياشار دېقجا لب لعلينده خطّين،
قهزارېر آتش رخسارېن، ای دوست!
نه شیرين آب و رنگ و خال و خط‌دير،
شو زيبا صورت پرگارېن، ای دوست!
بو گۆن ماهيتی سنسن حقيقت،
بو هفت و پنج و نه له چارېن، ای دوست!
عجب آفت دۆرۆر جان جهاننه، ۵
او چشم جادوی عيّاړېن، ای دوست!
نه روشن شمس دين و مهر جانسان،
که، توتدو عالمی انوارېن، ای دوست!
اۆلۆبدور غرق انوار تجلّی،
حبیبی گۆره‌لی دیدارېن، ای دوست!
يۆزۆن ماه-ېن گۆرن مهرينه باخماز،
او چرخ اطلس دؤارېن، ای دوست!

- ۳۲ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/---/---/---)

مانا مهری ائرمه‌دی سن مه لقانین، نئیه‌ییم،
 آخری اۆلمادی بو جورو جفانین، نئیه‌ییم.
 بیر تۆکنمز قاره سئودادیر باشیما ساچلارین،
 ای جهانین فتنه‌سی، اوجوندان آنین نئیه‌ییم.
 تیز ائده‌لدن منه خنجر مرد کافر گۆز لرین،
 راحتی قبلمادی، گتتدی جسم و جانین، نئیه‌ییم.
 نه قدەر فکر دقیق ائدهر اۆلورسام بئیلینی،
 غایتینه عقل ایرمز اول میانین، نئیه‌ییم.
 ۵ خط و خالین نقشی دلدن گۆز یاشیله گتتمه‌دی،
 یازبسدیر باشیما، چۆن کیم خدانین، نئیه‌ییم.
 بیر نفس چۆن سندن آیری اۆلدو جانیم، ای صنم!
 وارلغین جان و جهانین، کُن فکان-ین، نئیه‌ییم.
 سوردو جان روح‌القدس دان شول دهانین سرینی،
 «بیلزم من سرینی»، دئر، «غیبدانین»، نئیه‌ییم!
 اۆلمادی بو پیره هرگز خوان وصلیندن نصیب،
 سن سعادتلی جوانمرد جوانین، نئیه‌ییم.
 عارضین دؤرؤنده شول گۆل جلوه ائدهر کندینی،

گۆر اوتانماز يۆزۆنۆ اۆل بی حيانېن، نئيله‌ييم.
۱۰ جان گۆزۆن، مريخ غمزەن سيفی چۆن عنبر اۆلور،
تير زهره، ماه و مهر آسمانېن، نئيله‌ييم.
چون سهيل-ی لبلرین بير بوسه وئرمز جانېما.
گۆندە مين گز اۆپدۆگۆنۆ فرقت اۆنون، نئيله‌ييم.
لعل و ياقوتی روانېمدان روان ائتمز سانا،
ای حبيبي، ساقی نامهربانېن، نئيله‌ييم.
اۆل هوا و بو هوس کيم لبلری ائت جام [تک].
هئچ انديب يئله وئيرير زُلفۆن او جانېن، نئيله‌ييم.

۱۴۰ ➤ دیوانچه: غزللر

- ۳۳ -

مفاعیلن مفاعیلن فعولن (بحر هزج مسدس محذوف. ---/---/---)

تاپین کیم، جانلارین جانانه سیدیر،
بو عاشق جان آنین جانانه سیدیر؟
یۆزۆ بیر شمع جاندیر، عالم افروز،
کیم آنین مهر و مه پروانه سیدیر.
رُخون نعتینده خالین بایداغی نین،
قامو شاه جهان فرزانه سیدیر.
بو جمله زُلف و جانین زُلف و خالین،
بیرسی دام و، بیرى دانه سیدور.
۵ ساچین مشاطه سی نین دیل اولوبدور،
نئجه گئتسین کی، هر دم شانه سیدور.
قاشین محرابی جان ایکن، عجب بو،
کیم اهل شرکین اول میخانه سیدیر.
ساچی زنجیری نین هر دم حبیبی،
بو عقل و جان و دل دیوانه سیدیر.
زُلال لعلین اوچون اولمایان خاک،
هوان اودونا هر دم یانه سیدور.

- ۳۴ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مسدّس محذوف - - - - - / - - - - - / - - - - - / - - - - -)

دور اورو، ای ساقی مهرو! بیزه،
سون بری بیر قاچ قدح وینو بیزه.
لبلریندیر گرچه کیم، تریاک جان،
افعی زلفون ایچیرور آغو بیزه.
گون یوزوندن شاد و خنداندر کونول،
ساجلارین ابری سالار قایغو بیزه.
عین آشوب جهاندر گوزلرین،
آفت جان اولدو اول جادو بیزه.
روضه‌ی حسن جمالین گوره‌لی، ۵
حاصل اولدو جنت و مینو بیزه.
گرچی کیم سهم سعادتدر قاشین،
اوخ ائدهر تیز اول کمان ابرو بیزه.
در دیشینله لعل نابین ذوقونو،
وترمز، ای جان! لاله و لؤلؤ بیزه.
آب حیوان چشمه‌سیندن دادلبدیر،
وترسه لعلین چون بیر ایچیم سو بیزه.
رهزن جاندیر، حبیبی، خاک دوست،
وه کی ائدهر اول دل سیه هندو بیزه.

- ۳۵ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مسدس محذوف - / - - - / - - - -)

هر کیمه همراه، فضل الله اؤلا،
آنا فضل فیض اول الله اؤلا.
هر نه کیم ائدهر کیشی، ای یول اری،
اول گره ک کیم، حسبتاً لله اؤلا.
عشقِ معشوقه قول اؤلان صدق ایله،
دنیا و عقبا ایچینده شاه اؤلا.
عاشقین ایشی گره ک شام و سحر،
ورد حسرت گؤز یاشیله آه اؤلا.
۵ بو اُفقدن هر ستاره کیم دؤغار،
مهر عالم جان گؤیونده ماه اؤلا.
نور ایله روشن اؤلا بو کاینات،
اول سعادت نجمی شمس الله اؤلا.
وجه آدمدېر صراطُ مُستقیم،
آنا دؤغرو گئتمه یین بی راه اؤلا.
ائتمه یین سجده ملک اوش آدمه،
دیو ملعون، عاصی گمراه اؤلا.
اؤلدورور سلطان ایکی عالمده بس،
چون حبیبی هر کیم، عبدالله اؤلا.

- ۳۶ -

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (بحر هزج مثمن سالم . / - - - - . / - - - - . / - - - - . / - - - - .)

نگارا! زلف شبرنگین کی، ایامین سیاه ائیلر،
منیم اول عُمرومۆ باده وئریب، هر دم تباه ائیلر.
سن اول انسان کاملسن، الا، ای صورت رحمان!
که، دایم حُسنونه سجده سروش و مهر و ماه ائیلر.
امین اولان حوادثدن، دو عالمده، او عاشق دیر،
که، سن معشوق غیبی نین ائشیگین اول پناه ائیلر.
سعادتی آیاغی نهن توزو هر باشا کیم قونسا،
الینی ایردیریر عرشه، آدین صاحب کلاه ائیلر.
بو خاکی جسمیمی مهرین اودونون یئلی یاخدېقجا،
گوژۆم سیلاب اولور اول دم، هم آهیم کوهی کاه ائیلر.
قامو شاهمات اولور شاها فرس فیلیله فرزین سور،
قاچان کیم بایداق خالین رُخون نعتینده شاه ائیلر.
معنبر زلفونه مشک ختا اویگنمک ائتدیکجه،
یانار فکر خطاسی نهن اودونا چون گناه ائیلر.
آ شمس الدین جان پرور، تیتیره ر گوی، قامو اختر،
حبیبی عشقین اودوندان که او دم درد ایله آه ائیلر.

- ۳۷ -

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (بحر هزج مسدس مقصور . / . / . / . / .)

شو کافر چشمی گۆردۆم استفاده،
علمی آندان ائتدیم استفاده.
که آنا بنزر دخی بیر بت بولونماز،
ختا و چین و رومی استواده.
شو کچ باز زلف آلدی ایکی روح مفت،
دخی سۆرمزدن اول خالی پیاده.
سن، ای ساقی! الیمه سون، سحر دور،
سبو، ساغر، پیاله، جام باده.
۵ دۆز، ای مطرب! رباب و چنگینی راست،
عراق و اصفهان ایله نواده.
گل، ای صوفی، ایکی کونین صفاسین،
دیلرسن، ایسته، بول جام صفاده.
آنهن چۆن حرمتی معلوم اولوندو،
کتاب عیسی، موسی، مصطفاده.
دؤلاشدی جان سر زلفونه یاربن،
او مشکل عقدهیی ایستر گشاده.

ديوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبيبي..... < ۱۴۵

بو كۆنلۆم دردینی سۆردوم طبيبه،

«لبیدیر،» دئر، «دوا دارا الشفا ده.»

۱۰ حبيبي، گر ديلرسن عمر باقى،

اؤزۆنۆ فانى ائت دارا الفنا ده.

- ۳۸ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف - - - / - - - / - - - / - - -)

کایناتین وارلیغیندن منه سن ساقی یئتر،
 قبله‌ی محرابی، جانا، قاشی‌نین طاقی یئتر.
 نار هجرانین دُخانی ظلمتینی سۆرمیگه،
 شمس جان، زهره جبین، ماهین یۆزۆ تاقدی یئتر.
 جان مسکین ماری زُلفی آغولارسا، غم دگیل،
 ذرّه‌جه شیرین لبی‌نین چۆن کی تریاقدی یئتر.
 گرچه یاران مست اولوب، نوش ائیلهمز لر کاسه‌ای،
 بیزه فضل-ین دولتینده جرعه‌ی باقی یئتر.
 شمس دینین صحبتینده بیزه، ای یار ظریف!
 نقل و شمع و سبزه، آب و ساز ایله ساقی یئتر.
 بیز بو بی‌پا و سر و افتاده دل‌ریشین مدام،
 توتماغا الینده جامی ساعد و ساقی یئتر.
 دُرْد و صافی نه سونارسا ساقی جان، نوش قیل،
 دینمه‌سین کیم، ای حبیبی، مست دۆرؤر ساقی، یئتر.

- ۳۹ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف ---/---/---/---/---)

اول زامان کیم مست قېلدې چشم مخمورون منی!
خاک پا که اول دم ائتدیم، من فدا جان و تنی.
عقلیم و فکریم داغیلدی، بیر یثره جمع اولمادی،
بو پریشان کۆنلۆمۆن اولالی زلفون مسکنی.
بو جهان و جان دماغین تازه و خوشبو ائدر،
دېره‌ده باد صبا چۆن کیم شو زلف مشکینی.
ای شهنشاه جهان، وی پادشاه انس و جان!
گۆر بو بی‌پا سرفتاده قاندا قالمېش مسکنی؟
سن منی بیر دمده مین گز اولدورؤرسن جور ایله،
بیر نفس من شکر و حمددن غیری آنمازام سنی.
یغماییل غم لشکريله، بالله، ای سلطان جان!
گۆره‌لی جان کعبه‌سینده چۆن او وجه احسنی.
بو حبیبی صورت رحمانه ائدر سجده‌سین،
بو ویران دل کیم اولوبدور، گنج عشقین مخزنی.

۵

خاموش ائتمکدیر مدام، گۆردۆن کی، خوی میکده.
۱۰ ائتگیل طهارت، ای فقیه! غسل ائیله گیل پاک و لطیف،
خوش بو روان صوفی دۆرۆر چۆن که آب جوی میکده.
طبل و الم میخانه یه چک، گل سحر دور شاهوار،
گۆردۆم کی، چون ائیلر خروش سرنای نای میکده.
مندن ائشیت دؤغرو خبر، ائدم سنه سؤز مختصر،
سن، ای حبیبی، دور سحر، ائت جستجوی میکده.

- ۴۱ -

مفاعیلن مفاعیلن فعولن (هزج مسدّس محذوف . ---/---/---)

قامو جووری کی، جانا، جانہ ائتدین،
قاموسون خوب کی مردانه ائتدین.
گوژون قان آغلادېغی، ای پریرو!
کی، هر دم ظلمونو انسانه ائتدین.
الینه تیغ وئردین ایکی مستین،
بو رسم و عادتی توْرکانه ائتدین.
شو مست ائتدیکلرین محراب ایچینده،
گوژون دئر: «مسجدی میخانه ائتدین.»
شو جان دیرینده یاخدېن ایکی شمعی، ۵
جهانی یکسر آتسخانه ائتدین.
او زنجیری ساچینا شانه اوردون،
توْکه لی عاقلی دیوانه ائتدین.
جمالېن شمعینه یانماغا هر دم،
قامو جان مُرغونو پروانه ائتدین.
یوژون نعتینده خالېن بایداغېنی،
سوره لدن شاهلاری فرزانه ائتدین.
ساچېنېن بیر قېلېن، ای مصحف جان!

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۵۱

هزاران قصه و افسانه ائتدین.

۱۰ کۆنۆل مُرغون گرفتار ائتمگيچۆن،

شو زُلفو خالِ دام و دانه ائتدین.

حبیبی، قولاغبنا سؤیله یاربَن،

سۆزۆنۆ چۆنکۆ سن دُر دانه ائتدین.

- ۴۲ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنیٰ محذوف - - - - / - - - - / - - - - / - - - -)

بالله، ای سرو روان! دور گیل سحر، گولشن دگیل،
 گون یوزون شمعى اؤنؤنده تا گوله گولشنده گول.
 جمله عالم گولشن اولسا، گولسه هر دم یوزومه،
 چون گولر یوزون منه گلمییه، اول گولشن دگیل.
 روضه ی حسن و جمالین عرض ائدهلدن، ای صنم!
 گولدو باغ و لاله، نسرین، سوسن و گولشنده گول.
 بیتیرهلدن گولستانی، باغبان کاینات،
 بیتمه دی بیر گول یوزون مثلی دخی گولشن دگیل.
 لاله، یوزون حسرتیندن اودا یاخار ایچینی،
 غنچه، لعلین غیرتیندن سو اولار گول شن دگیل
 سنبلون وصفین صبادن ائشیدؤبدورور مگر،
 آنبن اوچون یئله وئریر خرمنین گولشنده گول.
 بو حبیبی ایریشلدن نوباهار وصلینه،
 عالم آنا جنت اولدو، یالیز گولشن دگیل.

۳. ترکیب بند

- ۱ دۆن گۆردۆم اول نگار طربناک و ارجمند،
کافور الیلہ دستہلہ میش عنبرین کمند.
باخدیہم شکنج طرہ سینہ زار و مستمند،
بیر شخص ناتوان اوتورور گردینده بند.
«- کیمدیر بو مسکین، اول نه رسندیر؟» - دئدیم، دئدی:
«- زلفوم کمندی توتساغی جانپندپر سنین!»
چکمیش جماله فر و دم و عز و جاهنپی،
عنبرله دۆلدوروب، باشا اگمیش کلاهنپی.
ابرین یۆزۆندن آلدی و عرض ائتدی ماهنپی،
گۆردوم یۆزۆنده دانهی خال سیاهنپی.
«- شول مشک لاله اۆزره نندیر؟» - دئدیم، دئدی:
«- جانپندا عکس داغ نهانپندپر سنین.»
- ۲ لعل و گهر دیشیله یاپیشمیش دۇداغېنا،
مشک ختن هوسدن اولاشمېش ياناغېنا.
دُر نجف هوا دن آسيلمېش قولاغېنا،
چۇخ دانه دانه نسنه تۆكۆلمۆش آياغېنا.
«- هی هی، بو نه عقیق یمندیر؟» - دئدیم، دئدی:

«- گۆزدن آخان جگرده کی قانېندېرېر سنین.»

۳ گشت ایله چېخدې گۆلشنه اؤل سرو گۆل عذار،
الوان میوه دامنینه تۆکدۆ شاخسار.
من گۆردۆم آندا پسته و بادام و سیب و نار،
بیر مرغ اؤخوردو عارض باغیندا زار - زار.
«- اؤل مرغ نه مرغ، بو نه چمندير؟» - دئدیم، دئدی:
«- باغ چمنده مرغ روانېندېرېر سنین.»

۴ گۆز گۆردۆگۆنجه کۆنلۆم اولور حُسن مایلی،
ائیلر دلی بو شیوه ایله نئچه عاقلی.
سحر ائيله مېش یۆزۆنده یئنه چاه بابلی،
بند ائتمیش آندا بیر نئچه صاحب نظر دلی.
«- چین سؤیله، بو نه چاه زغندير؟» - دئدیم، دئدی:
«- ای چوخ خطالی، کندی مکانېندېرېر سنین.»

۵ یاشېم یۆرۆدۆ سو کیمی اول سرو سویینه،
گۆز باخا قالدې زُلف و خط و روی و مویینه.
پیرانه سر کۆنۆل آخېب اول قد جویینه،
آلداندې طفل تک دل آنېن رنگ رویینه،
«- بو نه خجسته سرو سمندير؟» - دئدیم، دئدی:

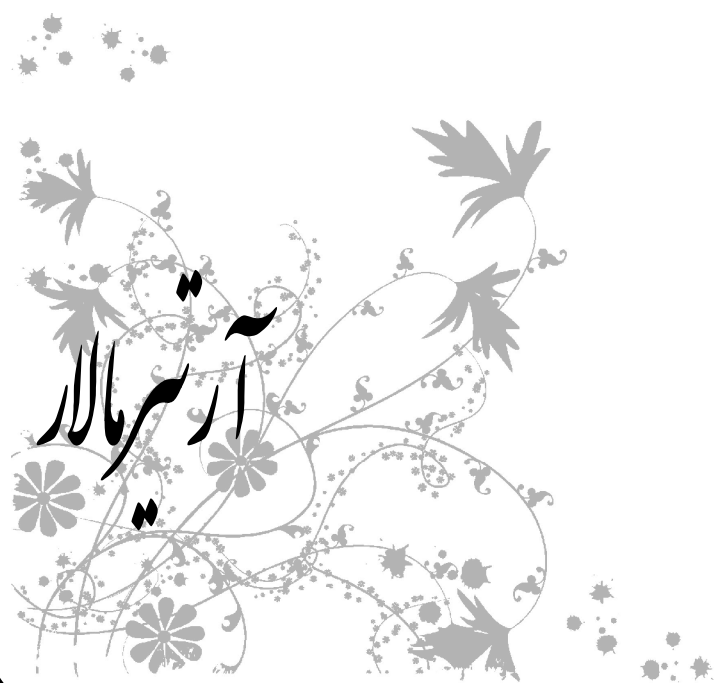
«- بخت سعید و عمر جوانبندپرپر سنین.»

۶ نرگس اویاندی، بو چمن [یچره‌ز] جامه‌خواب،
گۆل چپخدی، پیرهن یاسپندان آچیب نقاب.
تب دۆشدۆ جانہ، جمله‌ی آفاقی توتدو تاب،
اول دم کی، دؤغدو قبله‌ی مشرقدن آفتاب،
«- بیر ذره گۆردۆم آندا، دهندير!» - دئديم، دئدى:
«- بو سۆز يقين، حبیبی، گۆمانبندپرپر سنین!»

۴. قوشابیت

صفا هنگامبدر، عشرت دمیدیر، ای گۆل رعنا،
آچیل باغ لطافتده گۆرۆنسۆن پرچمین، جانا!
منور ائيله سین رویون دل عشاق غمخواری،
دل ناشادی شاد ائيله، بودور خاصیت معنا.

اۆچۈنچۈ بۆلۈم:



۱. تۆركچە لغت معنی

بو لغت معنی بۆلۈمۈندە، ديوانچادا گئىدىن فعللارنى صيغەلەرنى مىصدەرە تەبدىل و معنا ئاتىدىك. مىثال: ايرىم (= يىتىشىم) صيغەسىنى ايرىمىك شەكىلىدە معنا ئىلەدىك. بعضى عربچە و فارسجا كىلمەلەردە بو سىياھەتە آرئەردەق.

ايشىك eşik [ا.]. آستانە، درگاھ.	ايرىمىمىك یرگىرمەك یرگىرمەك [مىص]. آرئەرمەق،
اۋىونىمىك öyünmək [مىص]. فخر ائىمىك،	اضافە ائىمىك، تەبدىل ائىمىك و دىگىشىمىك.
گۆرەنىمىك.	ايرىمىك یرمەك یرمەك [مىص]. يىتىشىمىك،
اۋىگىنىمىك öygenmək [مىص]. عىبانى اۈلمەق.	اۈلاشمەق، چاتماق.
ار ar [ا.]. كىشى، اىگىد، عارف.	ايرۇق ayruq [ا.، مىص]. ايرى، باشقا، اۈزگە،
اغو ağu [ا.]. زەر، سم.	غىرى.
اۈجۈنىدىن ucundan [اد]. الينىدىن،	ايرىشىمىك یرىشمەك یرىشمەك [مىص]. يىتىشىمىك.
خاطریندىن، سببىندىن.	ايسى issi [ا.]. صاحىبى، مالكى.
اۈش uş [ش. جىم]. بو، او.	ايشتە iştə [اد]. بودور.
اۈشانماق uşanmaq [مىص]. دۈشمەك.	اۈلالدىن olaldan [ق. ف]. اۈلمەق
اۈشانماق uşanmaq [مىص]. دۈشمەك.	مىصدەرنى قىدى فعلى دىر. معناسى:
اۈرۈ türü [ف]. يۈرۈ، يۈل گىت. اۈرۈمىك (=	اۈلان زماندان.
يۈرۈمىك) مىصدەرىندىن.	باخا قالماق baxa qalmaq [مىص. مىص. م. مات
اۈياق ayaq [ا.]. پىالە، قىدج، شراب	قالماق، حىران اۈلمەق.
پىالەسى.	بايداق baydaq [ا.]. بايراق، پىرچىم، علم.
اۈيدىر aydır [ف]. دىيىر. اۈيماق aymaq (=	بولماق bulmaq [مىص]. تاپماق، الە
دۈمىك) مىصدەرىندىن.	گىتىرمەك.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۵۹

تاپینماق tapınmaq [مص] ستایش	قباچه qəbaçe [.] کیچیک قبا، نیم‌تنه.
اتتمک.	قوتلو qutlu [ص] خوشبخت، سعادت‌مند،
توتساق tutsaq [.] صد دوستاق، محبوس،	مبارک.
زندانی.	قۇدوم qodum [ف] قۇماق (= قۇیماق)
چۆزمک çözmək [مص] حل اتمک،	مصدریندن.
آچماق.	کندی kəndi [ض] اۇزۇ. اۇچۇنجۇ شخص
چاپیق çapıq [ص] یارارلی.	ضمیریدیر.
دپرەتمک dəprətmək [مص] تریتمک،	گئرچک gərçək [ص] حقیقی.
تکان وئرمک.	گۆیمک göymək [مص] سوختن.
دماغ dimağ [.] عر. بئیین، مغز، عقل و	گز gəz [ف] دفعه، کره.
هوش.	منلیک mənlik [.]، [ص] شخصیت،
سنجیله‌یین sənciləyin [اد.] سنین کیمی،	اۇزلۇک.
سنین تکی.	وار var [ف] گئت، یئری. وارماق (=
سنلیک sənlik [مص] تکبر، اۇزۇن بیگنمه.	گئتمک) مصدریندن امر فورماسی.
سونماق sunmaq [مص] هدیه اتمک.	وینو vinu [.] شراب، چاخر، می.
سېغینچ sığinc [.] پناهگاه، ملجأ.	یئنگین yengin [ص] رسیده.
شؤل şol [ض] او.	یاپماق yapmaq [مص] دۆزلتمک، بنا
قامو qamu [ف] هامی، همه.	اتتمک.
قایغو qayğu [.] مص. مراقبت، محبت.	یازی yazı [.] سرنوشت، تقدیر.

۲. فارسجا و عربجه لغت معنی

ادوار [عر. ا. ج. دُور] مقام‌ها.	تفال [عر. مص.] فال نیک گرفتن.
اسفل [عر. ص.] [۰.۸] پایین‌ترین، زیرترین	چنگ [فا. ا.] ساز رشته‌ای بسیار قدیمی که
[۰.۲] پایین، زیرین.	نوع ابتدایی آن به شکل میله‌ی خمیده و
اسماء حسنی [عر. تر. و ص.] صفت‌هایی که	مقعر بوده که بر آن، رشته‌هایی تعبیه
به خداوند تعلّق دارد، مانند: بصیر، حکیم،	می‌شده است.
سمیع و ...	حجاز [عر. ا.] گوشه‌ای در دستگاه شور؛ از
اصح [عر. ص.] صحیح‌تر، صحیح‌ترین.	الحنان قدیم ایرانی.
اصفهان [معر. از فا.: اسپهان] یکی از	خرابات [عر. ا.] در ادبیات عرفانی، جایی
دستگاه‌های موسیقی ایرانی.	خیالی، نماد حقیقت‌طلبی و راستی و
اعلا [عر. ص.] برتر، بهتر، برگزیده.	ضدیت با ریاورزی، و به تعبیر صوفیان،
اعما [عر. ص.] نابینا.	مقام اتّصال به ذات حق.
افیون [معر. از یو.] تریاک، هر نوع ماده‌ی	خط توقیع [عر. تر. اض.] قسمی از خطوط
مخدّر.	نوشتنی عرب که آن را طغرا یا خط طغرا
امتزاج [عر. مص.] آمیخته شدن یا ترکیب	نیز گویند. نوعی از خط پیچیده‌ی حروف
چند چیز با هم.	که بر آن خط، به فرمان پادشاهان القاب
پرده [فا. ا.] فواصل دسته‌ی سازهای	نویسند.
خانواده‌ی تنبور که با رشته‌هایی از نخ، زه	خیرالمأب [عر. تر. اض.] بهترین بازگشت.
و مانند آن‌ها بر دسته‌ی سازهای زهی به	دُخان [عر. ا.] دود.
فاصله‌های معین بسته می‌شود؛ دستان؛	دُرّ خوشاب [عر. + فا، تر. و ص.] مروارید
گوشه.	خوش آب و رنگ؛ درّ صاف و شفاف و
تصنیف ادوار [عر. تر. اض.] ترکیب و ترتیب	آبدار.
نواهای موسیقی، آهنگسازی.	

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۶۱

- دَف [ع.ر.ا.] ساز کوبه‌ای با چنبر چوبی
بزرگ که بر یک دهانه‌ی آن، پوست
کشیده شده و بر چنبر آن، حلقه‌هایی
متعدد آویزان است و با انگشتان دست
نواخته می‌شود.
- دنگ [فا. ص.] گنج؛ سرگشته؛ پریشان.
راست [فا. ا.] [۱.] در ردیف‌های آوازی،
گوشه‌ای در دستگاه راست‌پنجگاه؛ [۲.] از
الجان قدیم ایرانی.
- رطب [ع.ر. ص.] تر؛ خیس؛ آبدار.
رطل گران [ع.ر. + فا. تر. و ص.] شراب اثرگذار،
گیرا و مستی‌آور.
رقعه [ع.ر. ا.] نامه.
- رقوم [ع.ر. ا.] ج. رقم [رقم‌ها].
رهبان [ع.ر. ا.] زاهد گوشه‌نشین و تارک
دنیا.
- روح‌القدس [ع.ر. ا.] [۱.] روان پاک؛ [۲.] در
ادبیات عرفانی، نفس و القای خداوندی؛
[۳.] جبرئیل.
- زجاج [ع.ر. ا.] [۱.] شیشه؛ [۲.] چراغ از
جنس شیشه؛ قندیل.
- زنگوله [فا. ا.] [۱.] یکی از شش آواز
موسیقی قدیم؛ [۲.] گوشه‌ای در
دستگاه‌های ماهور، راست‌پنجگاه، سه‌گاه،
- چهارگاه، و نوا و آواز بیات ترک از
ملحقات دستگاه شور.
- ساختن [فا. مص. م، بم:] ساز تنظیم کردن،
نواختن، زدن.
- سبع‌المثانی [ع.ر. ا.] نامی که به سوره‌ی
حمد داده‌اند.
- سر اسماء [ع.ر. تر. اض.] رازهای نهفته در
اسماء که مخصوص خداوند است.
- سرخوش [فا. ص.] خوشحال؛ مست؛
شادمان.
- سُرنا [فا. ا.] ساز بادی چوبی مخروطی
شکل از خانواده‌ی نی در اندازه‌های ۳۰ تا
۶۰ سانتی‌متر و اشکال مختلف با ۶ تا ۷
سوراخ.
- سویدا [ع.ر. ا.] نقطه‌ای سیاه که بر دل
است.
- سیما [ع.ر. ا.] نشان؛ علامت و نشانی که
بدان خیر و شر شناخته شود.
- سیه‌کاسه [فا. ص. م.] کنایه از مردم بخیل
و رذل.
- ششتا [فا. ا.] نوعی ساز زهی شبیه به عود؛
شش تار.
- شطارت [ع.ر. ا.] بی‌باکی؛ چالاکی؛
زندگی.

۱۶۲ ➤ آرْتِرمالار: فارسجا و عربجه لغت معنی

صفاهان [از معر. ا. اصفهان].	غالبه [عر. ا. مادهای خوشبو و سیاه‌رگ،
طه [عر. ا. ۱] بیستمین سوره از قرآن	مرکب از مشک، عنبر، بان و چند مادهی
کریم که ۱۳۵ آیه دارد. [۲] از فواتح	خوشبو دیگر.
سوره‌هاست که در آغاز سوره‌ی بیست	غیغب [عر. ا. برجستگی زیر چانه یا گلولی
قرآن کریم آمده است.	انسان و بعضی حیوانات.
عراق [عر. عراق، معر. از فا: اراک] [۱]	فتان [عر. ص. ۱] بسیار زیبا و دل‌فریب؛
گوشه‌ای در دستگاه ماهور، راست‌پنجگاه،	[۲] فتنه‌انگیز؛ آشوبگر.
نوا و آواز افشاری از ملحقات دستگاه	قاب قوسین [عر. تر. اض. مقدار فاصله‌ی دو
شور. [۲] از الحان قدیم ایرانی.	سوی کمان (بخشی از آیه‌ی ۹ سوره‌ی النجم)
عرش‌العظیم [عر. تر. وص. تخت و سریر	قانون [معر. از یو. ا. قواعد کلی در علوم
بزرگ.	انسانی مانند فلسفه، معارف دینی، ادبیات
عشاق [عر. ا. ۱] گوشه‌ای در دستگاه	و مانند آن‌ها.
همایون، آواز بیات اصفهان، از ملحقات	کدو [فا. ا. کوزه‌ی شراب؛ صراحی.
دستگاه‌های همایون، راست‌پنجگاه و	لا یعقل [عر. ص. نادان؛ بی‌خرد؛ بی‌عقل.
دستگاه نوا؛ [۲] از الحان قدیم ایرانی.	لم یزل [عر. ص. بدون زوال؛ جاودان.
علم لدنی [عر. تر. اض. علم که بنده را افتد	مجان [عر. ص. مجانی.
بی‌واسطه‌ای و تنها به الهام خدای تعالی	مخیر [عر. ص. انتخاب شده؛ برگزیده شده.
باشد.	مرغول [فا. ا. آواز؛ نغمه.
عود [عر. ا. ربط.	مرقع [عر. ا. ۱] جامه‌ای که درویشان از
عین‌الیقین [عر. ا. یکی از مراحل	قطعات گوناگون می‌دوزند و بر تن
سه‌گانه‌ی سلوک پس از علم‌الیقین که در	می‌کنند؛ خرقة؛ [۲] جامه‌ی ژنده؛ جامه‌ی
آن حقایق بر سالک چنان آشکار است که	وصله‌دار.
گویی می‌بیند. (برگرفته از آیه‌ی ۷ سوره‌ی	مستور [عر. ص. ۱] پنهان؛ پوشیده؛ [۲]
التکائر)	دارای پوشش و حجاب.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۱۶۳

نوا [فا.ا.۱] از دستگاه‌های هفت‌گانه‌ی	مسطور [عر. ص.] نوشته شده؛ نوشته.
موسیقی سنتی ایران؛ [۲] صدای	مسمّا [عر. ص.] نامیده شده؛ موسوم؛
موسیقایی؛ نغمه؛ [۳] از الحان قدیم	دارنده‌ی اسم.
ایرانی.	مصباح زجاج [عر. تر. و ص.] چراغی که در
نی [فا.ا.] ساز بادی در مناطق مختلف	میان شیشه‌ای قرار گرفته است. (برگرفته از
ایران و از جنس‌های مختلف، از جمله:	آیه ۳۵ سوره‌ی النور)
نی، چوب، برنج، و ... که دارای چهار تا	مصحف [عر. ا.] متن مکتوب قرآن؛ کتاب
شش سوراخ در جلو و یک سوراخ در	آسمانی.
پشت است.	معاون [عر. ص.، ا.] [۱] همدست؛ شریک؛
هزارستان [عر. ا. مر.] بلبل.	[۲] یاری‌کننده؛ کمک‌کننده.
هیئت [عر. ا.] علمی که درباره‌ی ستارگان	مفتی [عر. ص.، ا.] آن‌که فتوا می‌دهد؛
ثابت و سیاره بحث می‌کند	فتوادهنده.
هیولی (هیولا) [معر. از یو.] ماده‌ی اولیه‌ی	مُل [فا.ا.] شراب، می.
عالم که پذیرای صورت‌ها و اشکال	ملح اُجاج [عر. تر. و ص.] نمک بسیار شور.
مختلف است.	منشور [ا. عر.] حکم؛ فرمان، به ویژه
یابس [عر. ص.] خشک.	فرمان حکومت و فرمان سرگشاده.

۳. آیه‌لر و عربجه عبارهلر

قَاب قَوْسین (برگرفته از آیه‌ی ۹ سوره‌ی	الله الله, ۵۶
النَّجْم), ۱۱۹	أَنَا الْحَقُّ, ۱۳۱
کلام‌الله, ۴۹	بارک‌الله, ۹۵
کُنْ فَكَانَ, ۱۰۲, ۱۳۸	بِسْمِ اللَّهِ, ۱۰۳, ۱۱۸, ۱۲۱, ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۳۳,
لَا فَتَىٰ آلَا عَلٰی, لَا سَیْفَ آلَا ذُو الْفَقَارِ, ۴۸	۱۳۵, ۱۴۷, ۱۵۲
لَا یَعْقِلُ, ۲۲, ۱۲۴, ۱۲۱, ۱۳۶	بِسْمِ اللَّهِ, ۷۶, ۱۱۳
لَمْ یَزَلْ, ۱۰۷	خلیل‌الله, ۵۲
لَوْلَاکَ لِمَا خَلَقْتُ الْاَفْلَکَ, ۷۵	خَیْرُ الْکَلَامِ, ۱۲۲
ماسوا, ۸۰, ۱۱۲	خَیْرُ الْمَآبِ, ۱۰۶
مصباح زجاج (برگرفته از آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی	دارالفنا, ۱۴۵
النُّور), ۱۱۱	دارالشفاء, ۱۴۵
وَلَهُ, ۱۴	روح‌القدس, ۱۳۱, ۱۳۸
وَهِيَ رَمِیم (بخشی از آیه‌ی ۷۸ سوره‌ی	سَبْعُ الْمِثَاقِ, ۴۹, ۹۵, ۱۰۷
یاسین), ۸۸, ۱۳۰	سَمْعَنَا وَأَطَعْنَا (بخشی از آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی
وَالسَّلَامِ, ۵۲, ۷۲, ۷۳, ۱۲۲, ۱۲۳	النُّور), ۹۶
واللا, ۱۲۵, ۱۳۱	شکرالله, ۴۹
يُحْيِي الْعِظَامَ (بخشی از آیه‌ی ۷۸ سوره‌ی	شمس‌الله, ۱۴۲
یاسین), ۱۳۰	عَرْشُ الْعَظِيمِ, ۱۳۳
حَسْبَتَا اللَّهُ, ۱۴۲	عَظِيمُ الشَّانِ, ۹۹
رَطْبُ وِ یَابِسِ, ۱۲۲	عین‌الیقین (برگرفته از آیه‌ی ۷ سوره‌ی
وجه أحسن, ۱۲۸, ۱۴۷	التکاثُر), ۱۰۵

۴. اۆزل آدلار

اۆينه‌ی اسکندر, ۵۱	اغریدلی, حاجی کمال, ۸۲, ۸۳
آذربایجان, ۱۲, ۱۵, ۱۶, ۱۸, ۲۱, ۲۴,	اقتیاسات, ۴۲
۲۷, ۲۸, ۲۹, ۳۲, ۳۵, ۳۷, ۴۰, ۴۷, ۵۳,	الوند میرزا, ۳۷
۶۵, ۷۲, ۷۸, ۸۳, ۸۶	امام رضا (ع), ۵۸
آراسلی, حمید, ۱۸, ۴۵	امیدی تهرانی (مولانا), ۴۲
آق قویونلو سلطانی, ۵۲	امیر نجم ثانی, ۴۲
آق قویونلو, ۳۰, ۳۵, ۳۷, ۴۷	امینی, ۳۶
ابراهیم بیگ, ۶۴	انصاری قمی, ۴۱
ابوالنصر صاحبقران اوزون حسن, ۳۶, ۳۷	انیس القلب, ۲۴
ابوبکر طهرانی, ۳۵	انیسی (مولانا), ۳۹
احمد (ص), ۹۶	اوجار, ۳۲
احمد پاشا, ۲۷, ۶۴, ۶۷, ۶۸	اوحدی مراغه‌ای, ۶۵
احمد میرزا, ۳۷	اوزون حسن اوغلو, ۳۴, ۳۶
احمدی, ۵۲, ۵۳	اوزون حسن زمانی, ۳۹
احمدی, تاج‌الدین, ۵۳	اهل حق, ۵۳
اردبیل, ۴۸	ایران, ۶۹
استانبول, ۱۶, ۳۰, ۳۱, ۴۵, ۶۵, ۸۲	ایوب, ۷۱
اسرارنامه, ۵۳	اوغوزخان, ۳۵
اسفراین, ۳۹	بابا نصیبی گیلانی, ۴۰
اسکندرنامه, ۷۰	باباشاعر, ۴۰
اسلامبول, ← استانبول	بابافغانی شیرازی, ۳۹, ۴۰
اسماعیل یکم صفوی, ۳۰	بایزید دوم, ۳۰

۱۶۶ ➤ آرْتېرمالار: اۆزل آدلار

تهرانی، شیخ آغا بزرگ، ۱۵، ۱۶	بایسنقر میرزا، ۳۷
ثالثی، محمد بن موسی، ۳۷	بایوندورخان، ۳۵
جامع النظائر، ۶۴، ۸۱، ۸۲، ۸۳	بدیعی، ۱۹
جامی، ملا عبدالرحمان، ۳۸	برگشاد، ۱۲، ۱۶، ۳۰، ۳۲، ۳۴
جاودان، ۴۹	بصیری، ۵۵
جعفر آباد، ۱۵، ۳۱، ۴۶	بنایی هروی (مولانا)، ۳۹، ۴۲
جعفری، ۱۵	بنایی، کمال الدین شیرعلی، ۳۸
جلالی، ۶۴	بنگ و باده، ۵۹
جم، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۲۳	بهرام و بهروز، ۳۹
جمشید و خورشید، ۷۰	بهرام و ناهید، ۴۱
جهانگیر بیگ، ۳۷	بیداری، ۲۰
جیشی، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۳۱	بیستون، ۵۷
چاکری، ۸۱	تاریخ عالم آرا، ۳۶
چای، ۱۵	تبریز، ۱۲، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۴۷، ۵۲، ۵۳، ۵۸، ۸۸
چلبی، اولیا، ۱۵، ۴۶	تبریزی، مولانا قاضی شمس الدین محمد، ۴۲
چلبی، حسن، ۱۵، ۱۷، ۳۰	تحفة العشاق، ۶۷
چنگیز صادق اوغلو، ۲۷	تحفه سامی، ۱۲، ۳۹
چین، ۱۰۳، ۱۴۴	تذکره لطیفی، ۵۵
حافظ، ۶۹، ۷۳	تربیت، محمدعلی، ۱۶، ۳۳
حامدی، ۲۱، ۵۴، ۵۵	ترکستان، ۳۵
حیبی شعرلر، ۸۳	ترکیه، ۱۵
حیبی، (در اغلب صفحات)	ترویج الأرواح، ۷۰
حديقة السعدا، ۵۹	
حسن پادشاه، ۳۶، ۳۷، ۳۸	

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی < ۱۶۷

خلیلی, ۲۸, ۶۴, ۶۵, ۶۶	حضرت رسول اکرم (ص), ۷۵
خیام‌پور, عبدالرسول, ۳۳	حضرت صاحبقران, ← شاه اسماعیل
دارالفنون, ۸۲	صفوی (ختایی)
دانشمندان آذربایجان, ۱۶	حضرت علی (ع), ۴۸, ۹۶
دانشنامه‌ی ادب فارسی - ادب فارسی در	حضرت عیسی (ع), ۷۴
قفقاز, ۳۰	حضرت موسی (ع), ۷۴
دده‌قورقود, ۳۵	حضرت یوسف (ع), ۷۴
دوانی, جلال‌الدین, ۳۶, ۳۸	حقیری تبریزی, ۵۸
دۆزه‌لتدیرمیشدیر, ۳۸	حکمت ارطیلان, اسماعیل, ۱۸, ۸۲
دهخدا, علی‌اکبر, ۱۶	حلب, ۷۲
دهکی, درویش, ۴۰	حمدی, حمدالله, ۶۴, ۶۷
دیار بکریه, ۳۵, ۳۷	حمزه بیگ, ۳۷
دیلمی, ملک محمودجان دیلمی, ۳۹, ۴۲	حوّا, ۹۶
دیوان صاحبی, ۸۲	حیاتی, ۸۱
الذریعه, ۱۵	حیرانی (مولانا), ۴۱
ذوالفقار, ۴۸	خاقان, ۹۹
رستم میرزا, ۳۷	ختا, ۱۴۳, ۱۴۴
رستم‌بیگ, ۲۰	ختایی, ۲۶, ۲۷, ۵۳
رند و زاهد, ۵۹	خدیجه, ۹۶
روح‌القدس, ۱۳۱, ۱۳۸	خسرو کوچک, ۳۹
روحو بغدادی, ۲۹	خسرو و شیرین, ۶۹
روز روشن, ۱۳, ۱۵	خسرو, ۹۸, ۹۹, ۱۲۸
روسیه, ۸۳	خلاصه‌الآخبار, ۵۸
روم, ۳۶	خلیل یوسف اوغلونون, ۲۱

۱۶۸ ➤ آرتهرمالار: اؤزل آدلار

سیاحت‌نامه, ۱۵	زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی, ۳۰
سیخ و مرغ, ۴۱	زلیخا, ۹۶
شاعر لر مجلسی, ۳۹	زمانی, سلطان خلیل (آق‌قویونلو), ۵۲, ۳۷
شاه اسماعیل صفوی(ختایی), ۱۲, ۱۵,	زهره, ۱۰۵, ۱۳۹
۱۷, ۲۹, ۳۷, ۴۱, ۴۲, ۴۳, ۴۸, ۵۳,	ساسانی, ۲۷
۵۷, ۵۶, ۶۵, ۸۲	سام میرزا, ۱۲, ۳۳, ۳۹, ۴۰, ۴۱, ۴۲
شاه میردیلیمی, ۴۲	سامی بانارلی, ۲۰
شاهنامه, ۴۳, ۴۴	سامی, شمس‌الدین, ۱۶
شاهی, ۲۱, ۵۷, ۵۸	ساوجی, سلمان, ۶۹
شداد, ۵۲	سبع‌المثانی, ۹۵, ۱۰۷
شرح حکمة‌العین, ۳۷	سرایندگان شعر پارسی در قفقاز, ۳۰
شمس‌الدین, ۱۴۳	سروری, ۲۱, ۵۶
شه مصطفی, ۶۷, ۶۸	سروش, ۱۴۳
شهید قمی (مولانا), ۴۰	سعدی, ۷۱
شیخ صفی, ۴۸, ۴۹	سفرنامه‌ی روح, ۵۹
شیخ عطار نیشابوری, ۵۲	سلطان بایزید, ۱۴, ۱۵, ۱۶, ۱۷
شیخی, ۲۷, ۶۹, ۷۰	سلطان سلیم, ۱۴, ۱۵, ۱۶, ۱۷, ۳۱, ۴۵
شیخی, حکیم سنان‌الدین یوسف, ۶۴, ۶۸	سلطان یعقوب, ۱۲, ۱۵, ۱۶, ۳۲, ۳۴,
۶۹, ۷۰	۳۵, ۳۶, ۳۷, ۳۸, ۳۹, ۴۰, ۴۱, ۵۰, ۵۱
شیرازی, مولانا مانی, ۴۲	سلماس, ۳۷
شیرین, ۹۸, ۱۲۸	سلمان ممتاز, ۱۸, ۸۳
شیطان, ۷۶, ۱۱۳, ۱۲۸	سلیمان, ۵۸
صاحبی, ۱۹	سنت پترزبورگ, ۸۳
صافی, مصطفی, ۶۴	سپهیل, ۱۳۹

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۶۹

صفایی نشانجی, ۸۱	فضولی, مولانا حکیم ملامحمد, ۱۹, ۲۰,
صفایی, مصطفی, ۶۴	۲۱, ۲۶, ۲۷, ۲۸, ۲۹, ۳۱, ۵۶, ۵۷, ۵۹,
صفرلی, علیار, ۲۱	۶۰, ۸۳
صلاح, ۲۰	قاضی اختیار, ۴۲
طفیلی اردبیلی ختایی, ۵۰, ۴۸	قاضی عسکر, ۳۹
طه, ۱۰۳, ۹۵	قاموس‌الاعلام, ۱۶
عثمان بیگ, ۳۷	قرآن مجید, ۳۶, ۷۴, ۱۳۴
عدنی, ۶۴	قرباغ, ۳۰
عذرا, ۱۰۳, ۹۶	قمی, میرمقبول, ۴۱
عراق, ۳۹, ۲۹	قوشچی, علی بن محمد, ۳۸
محمّدوف, عزیز آقا, ۲۸, ۸۰, ۸۲, ۸۳	قپچاق, ۳۵
۸۸, ۸۵	قپلیج‌بیگ, ۲۰
علی بیگ, ۳۷	قبنالی‌زاده, ۱۴, ۴۵
عیسی, ۱۲۹, ۱۴۴	کؤپرؤلؤ, محمد فؤاد, ۲۷, ۸۲, ۸۳
فتحی تبریزی, ۴۲	کارنامه, ۴۳
فراق‌نامه, ۶۵	کاشان, ۵۸
فرعون, ۷۴	کاشی, تقی‌الدین, ۵۸
فرهاد, ۱۲۸, ۵۷	کرامی, ۲۰
فرهنگ سخنوران, ۳۳	کرمانی, خواجه محمد, ۴۲
فضل بن روزبهان خنجی, ۳۶, ۳۸	کشوری دیلمقانی, نعمت‌الله, ۲۶, ۵۰, ۵۱
فضل, ۴۹, ۷۶, ۱۱۳, ۱۴۲, ۱۴۶	گؤرمه‌دیم, ۲۴
فضل‌الله, ۷۶, ۱۴۲	گرزال‌دین‌بیگ, ۱۲, ۱۵, ۱۷
	گنابادی, میرزا قاسم گنابادی, ۴۳
	گؤک‌چای, ← گؤی‌چای

۱۷۰ > آرتهرمالار: اؤزل آدلار

مناظره‌ی شمع و پروانه, ۴۱	گوئی‌چای, ۱۶, ۳۰, ۳۲
موسی, ۱۴۴	الله, ۷۶, ۱۴۲
مهدی زمان ^(عج) , ۴۸, ۵۵	لیلی و مجنون (اثر حقیری), ۵۸
مهر, ۱۰۵, ۱۳۷, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۳	_____ (اثر فضولی), ۵۹
میر همایون, ۳۹	_____ (اثر حبیبی), ۴۳
نجف, ۱۵۳	_____ (اثر حمدالله حمدی), ۶۷
نسیمی, ۲۰, ۲۲, ۲۷, ۲۸, ۲۹, ۳۱, ۴۹	لیلی, ۹۶, ۱۰۳, ۱۲۸
۶۴, ۶۵, ۷۲, ۷۶	ماه, ۱۰۵, ۱۳۷, ۱۳۹, ۱۴۳
نشانچی جعفر, ۸۱	مجنون, ۹۶, ۱۰۳, ۱۲۸, ۱۳۶
نعیمی, فضل‌الله استرآبادی, ۲۲, ۷۶	مختارالآخبار, ۴۲
نمرود, ۵۲	مختصر آذربایجان ادبیاتی تاریخی, ۱۸
نوایی, امیرعلیشیر, ۵۰, ۶۸	مدائن خرابه‌لری, ۲۴
نیشابوری, عبدالحی, ۳۸	مذنب, علی عباس, ۸۳
وامق, ۹۶	مراد میرزا, ۳۷
ونیزلی, ۳۸	مرقاة‌الآدب, ۷۰
هاتفی, مولانا عبدالله, ۴۲	مربخ, ۱۳۹
هرات, ۴۲	مریم, ۹۶
یاسین, ۷۴	مسیحا, ۹۶, ۱۱۴
یاووز سلطان سلیم زمانی, ۴۵	مشتری, ۱۰۵
یعقوب, ۵۱, ۷۱	مصطفای, ۱۴۴
یوسف و زلیخا, ۶۷	مطلع‌الإعتقاد, ۵۹
یوسف, ۹۶, ۱۲۹	ملک‌المؤید سیف‌الدین, ۷۲
	مناظره‌ی آسمان و زمین, ۴۱

۵. موسیقی اصطلاحلاری

اصفهان, ۱۴۴	سُرنا, ۱۴۹
بربط, ۱۰۱	ششتا, ۱۰۱
پرده, ۱۱۸	صفاهان, ۱۱۸
جانگداز, ۱۱۸	طبل, ۱۳۳, ۱۴۹
چنگ, ۱۰۱, ۱۰۹, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۴۴	عراق, ۱۴۴
حجاز, ۱۱۸	عشاق, ۱۱۸
دف, ۱۰۱, ۱۲۴	عود, ۱۰۱, ۱۱۸, ۱۳۳
راست, ۱۴۴	مطرب, ۱۰۹, ۱۴۴
رباب, ۱۴۴	نا, ۱۱۸
رودساز, ۱۱۸	نوا, ۱۰۹, ۱۱۸, ۱۴۴
زنگوله, ۱۱۸	نی, ۱۰۱, ۱۱۷, ۱۲۴, ۱۳۳
ساختن, ۱۱۸	

۷. كشف الأبيات

- ۱۳۳... آ شمس الدین جان پور، تیتیرەر گۆی، قامو اختر، ۱۳۳...
 اتنگیل طهارتہ ای فقیہ! غسل ائیلہ گیل پاک و لطیفہ ۱۴۹
 ائتمہین سجدہ ملک اوش آدمہ، ۱۴۲...
 ائدەرک بوسهلیگی ائیلہ یۆرہک، ۱۱۸...
 ائشیدیب پیرین سۆزۆن، ایچدیم حضور قلب ایلہ، ۱۰۹...
 ائشیدیر بو صلابی خلق عالم، ۹۶...
 آب حیوان چشمه سیندن دادلدیر، ۱۴۱...
 آب زلال وصلینہ شؤل رسمہ تشنہ دیر بو جان، ۱۰۵...
 آچیلدی چون گۆلشنہ گۆل، ساقی، اله آل جام مل، ۱۳۴...
 آز ائیلہ ای حبیبی، شکایت ز جور دوست، ۱۲۹...
 اگر دنیا دا و عقباا سنسن، ۹۹...
 اگر شیطان دگیلسن، گل ملک کیمی سجود ائیلہ، ۱۲۸...
 اگر صوفی وجودی نور اولورسا، ۱۰۱...
 اگر عاشق و گر معشوق سنسن، ۹۶...
 اگرچی صوفی نین فکری همیشه حور و جنتدیر، ۱۲۸...
 آل الیندن آیانی، قوی آباغبنا باشبئی، ۱۰۳...
 الا، ای دلبریم، یاربم، خرابات، ۱۰۰...
 الیه تیغ وئردین ایکی مستین، ۱۵۰...
 امیدیم باد ائتمه، بادہ وئرگیل، ۱۰۰...
 امین اولان حوادثن، دو عالمده او عاشق دیر، ۱۳۳...
 آنہن چۆن حرمتی معلوم اولوندو، ۱۳۴...
 آنہن مقصودی سنسن گنجہ - گوندوز، ۹۷...
 او جوهر دیر ساجام اول دم گۆزۆملن، ۹۸...
 او حور جنت و رضوانی آنماز، ۹۷...
 او زنجیری ساجپنا شانه اوردون، ۱۵۰...
 او گۆلرخ غنچه لیلن بوسه ایسته، ۱۱۸...
 اوخور جان مصحفینی بیگمان، اول، ۹۹...
 اول حبیب یی وفاتین قولینہ اینانما سن، ۱۳۵...
 اول دل سیه فتن فرنگ، هر اؤخ کیم آثار بی درنگ، ۱۱۶...
 اول زلمان کیم مست قبلدی چشم مخمورون منی! ۱۴۷...
 اول سیه دل یئلریندن عقل دلدیر منفعل، ۱۰۶...
 اول صفا جامن پیایی نوش ائدلیم، ای حکیم! ۱۳۶...
 اول لذتی کیم جانبا لعل روان بخشین وئریر، ۱۳۱...
 «اول مرغ نه مرغ، بو نه چمندیر؟» - دئدیم، دئدی: ۱۵۴...
 ایردی قولاغیم سحر چون های و هو میکنه، ۱۴۸...
 ایرم روز وصاله، ای مه نوا! ۹۹...
 لؤستۆ چاپیق بیر عجب اوغرو دور لول هنلو سنین، ۱۱۹...
 ای آغزی غنچه، چهره سی گۆل، خطاری سمن، ۱۳۹...
 ای آفتاب دولت! وی کوکب هدایت! ۱۰۷...
 ای بلالی دل شکسته، وی پریشان حال، ائشیک، ۱۳۵...
 ای حبیبی! ایشته غرا مدحینی تکرار ائدم، ۱۲۵...
 ای حبیبی! حالی اولما بیر نفس، ۱۳۳...
 ای حبیبی، اول حبیبین درد عشقی سوزونو، ۱۰۶...
 ای حبیبی، جو رو نازین گۆزملین گۆزلریم، ۱۲۶...
 ای حبیبی، خوشلورور جام شراب، ۱۱۵...
 ای حبیبی، سن مدام ایچ شؤل شراب جامینی، ۱۳۲...

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۷۳

- ای حبیبی، عقلی قوی، توت جام عشقی هر نفس، ۱۳۶
 ای دوستان! ای دوستان! یاریم منه لویماز، نئدیم؟ ۱۱۶
 ای ساقی خجسته فال! هر روز و هفته، ماه و سال، ۱۳۴
 ای ساقی روح رول! بیر دؤلو سون، بالئه رول، ۱۲۱
 ای سبزه‌ی جان گولشنی، سرو روانین لطفیتی، ۱۳۱
 ای شهشاه جهان، وی پادشاه انس و جان ۱۴۷
 ای قمررخ شمس جان، ساقی، ساقین، ۱۳۳
 ای کؤنلو سگ و عادتى جنگه خویى هم پلنگه ۱۲۹
 ای کؤنل عشق اهلینه هر دم گۆلردین شمع تکه ۱۲۷
 ای که قد دلبری سرو سهی به بنزه‌دن، ۱۰۳
 ای گؤنش یۆزلو حبیب هر کیم سنی حق ییلمه‌دی، ۱۰۲
 ای ناصح مشفق! ییزه پند و نصیحت ائیلهمه، ۱۱۶
 ای نور مهر عالم! بیر مه دؤرور کی، یۆزۆن، ۱۰۷
 آیاغبین تویراغی نین قلدین نه ییلسین هر کیشی، ۱۰۲
 ایریشمیز شؤل همانین زلفونه، ۱۱۵
 ایکی کؤنه بیر قهلی نجه‌سی اولماسین محیطه ۱۳۳
 اول جامی چون نوش ائیلهدیم، بو عقلی سرخوش ائیلهدیم، ۱۴۸
 اول دم کی، سن روش ائدمسن جام صفایى جم کیمی، ۱۰۵
 اول هوا و بو هوس کیم لبرلی ائت جام [تک] ۱۳۹
 اولدورور سلطان ایکی عالمه بس، ۱۴۲
 اولمالان بو باد و آتش، خاکیمیز، ۱۱۱
 اولمادی بو پیره هرگز خوان و صلیندن نصیبه ۱۳۸
 اولوبور غرق انوار تجلی، ۱۳۷
 باخدییم شکنج طره‌سینه زار و مستمند ۱۵۳
 باغبرم قابنې گۆزلرین هر دم حبیبی، تۆکؤگۆ، ۱۰۵
 بالئه سحردير، ساقی! دؤلور بری جام، ایچهلیم ۱۲۴
 بو اققنن هر ستاره کیم دؤغار، ۱۴۲
 بو جمله زلف و جانین زلف و خالین، ۱۴۰
 بو جهان و جان دماغین تازره و خوشبو ائلمر، ۱۴۷
 بو حبیبی خسته‌یه قیلعل شفاعت روز حشر، ۱۰۲
 بو حبیبی دنیا و عقیده بس، ۱۱۱
 بو حبیبی صورت رحمانه ائلمر سجده‌سین، ۱۴۷
 بو حبیبی نین دغاسین مستجاب ائت ای صنم! ۱۲۰
 بو خاکی جسمیمی مهرین اؤنونون یئلی یاخدیقجا، ۱۳۳
 بو دؤرور اسباب عشرت و آسلاام ۱۳۳
 بو عقل محکم قید ایمنش عشاقه گۆردۆکه ای رفیق! ۱۲۱
 بو کؤنلۆم دردینی سوردوم طبیعه، ۱۲۵
 بو گۆن ملهیتی سنسن حقیقت ۱۲۷
 « - بو نه خجسته سرو سمندیر؟ » - دئدییم دئدی ۱۵۴
 بو ویران دل ساراین وصل الیه، ۱۰۰
 بوی ساچیندان ایردی باد بهارا چون کیم ۱۳۰
 بیان و منطق و قانون و هئیت ۱۰۱
 بی‌یا و سر فئاده قالمیش دؤرور حبیبی، ۱۰۸
 بیر تۆکنمز قاره سؤلدایر باشما ساچلارین، ۱۲۸
 بیر تۆکنمز قاره سؤلدایر کی، اوجو یوخ آتین، ۱۳۳
 بیر دم تفرج ائیلهدیم، چون اول مقام عالی، ۱۴۸
 بیر دم سالتنسا چون اول سرو روان چمنده ۱۳۰
 بیر دمله مین جان و جهان ترک اتیلر اولسام یولونا، ۱۱۶
 « - بیر ذره گۆردۆم انا، دهئدیر! » - دئدییم دئدی ۱۵۵
 بیر زمان چون ساکن میخانه اولوم بیر الیه ۱۱۰

۱۷۴ ➤ آرتېرمالار: كشف‌الآبيات

- بیر سحر پیر مغانی چۆن زیارت ائیلهدیم، ۱۰۹
بیر عجب رطل گران سونلو الیمه پیر مست ۱۰۹
بیر نفس چۆن سندن آیری اولو جانیم، ای صنم! ۱۳۸
بیز بو بی‌یا و سر و افتاده دل‌ریشین ملام، ۱۴۶
بیلورسن که اول فقیری مستحقیر، ۹۷
پُر اندیپ پیمانه‌یی، ساقی، الیمه سون ملام، ۱۳۶
پرتو حسن جمالین عالمی پُر نور ائدم، ۱۱۳
پرتو حسن جمالین، عالمی روشن قیلر، ۱۰۶
پُر گشایش اولوغومو گۆردۆ، دثر: ای بینوا، ۱۰۹
پرشان زلفونون سؤدالار بندان، ۹۴
پیر مغائب یۆزونه توش اولو اول دم گۆز لریم، ۱۴۸
پیرانه‌سر کۆتول آخپ اول قد جویینه، ۱۵۴
پیریمین بیر جرعه‌سیینه ساتمام ایکی کونی من، ۱۱۰
تاپین کیم، جانلارین جانانه‌سیدیر، ۱۴۰
تب دۆشدۆ جانم، جمله‌ی آفاقی توتدو تاب، ۱۵۵
تمنای وصال‌بندیر، همین بس، ۹۷
توت ساقی نین اینی، قوی باشینې آياقله ۱۳۰
توتام عمرۆم کیمی زلفون اوجون برکه ۹۸
تیر غمزن زخمینی جانلن رولن، ۱۳۴
تیز ائهلن منه خنجر مرد کافر گۆزلرین، ۱۳۸
جان آلبچی خونی گۆزۆن بیر دم امان وئرمز، نئدیم؟ ۱۳۱
جان ایچینه درد عشقین اولالی، جانا! مقیم ۱۲۶
جان بۆلبولو هر صبح و شام، افغان و آه ائیلر ملام، ۱۱۶
جان گۆزۆن، مریخ غمزن سیفی چۆن عنبر اولور، ۱۳۹
جان مسکین ماری زلفی آغولارسه غم دگیل، ۱۴۶
جان و کۆتلو، عقل و دینی جمله وئردیم ساقی‌یه، ۱۰۹
جان وئریب بیر جان اوچون یانسا حیسی، غم دگیل، ۱۱۲
جم اولوب کاشانه ایچره، نوش قیلدیق جام می، ۱۰۹
جمالین شمعینه یانماغا هر دم، ۱۵۰
جمالین مصحفین عینیم گۆزهلن، ۹۵
جمله بو خلق جهانین قیل و قابلدان منه، ۱۲۰
جهاندا قالمادی بیر دره ظلمت، ۹۴
جهد قیل، سئلیگی سندن زایل ائت، ۱۳۳
جوهریندن خاک پاکین، ای صنم! ۱۱۱
چون سهیل - ی لیلین بیر بوسه وئرمز جانیم ۱۳۹
چۆن بو سیه کاسه جهان، بیر دم بیزه وئرمز امان، ۱۲۴
چۆن حاضر اولودف و نی، گۆل سیزه ایچره یار و می، ۱۲۴
چۆن حیسی گۆردۆ بو گۆن دلبرین دیلارینې ۱۰۴
چۆن رز قهرې گۆزلری نین یاشې دۆرۆر می، ییل ملام، ۱۲۴
چۆن سنین خوشلوعونا یاراتدی صانع عالمی، ۱۰۲
چۆن گلیر مین ناز ایله اول سرو سیه‌اندلم یار، ۱۰۳
چۆن منی مست ائیلدی اول رطليله پیر مغان، ۱۰۹
چۆن کیم زمین و آسمان، گۆردۆکه سماع ائیلر ملام، ۱۲۱
« - چین سؤیله، بو نه چاه زغندیر؟ » - دئدییم دئدی: ۱۵۴
چین ائیلندن چین سحر چۆن شول بت زیبا گلیر، ۱۰۳
چېخمایا سؤدای زلفون باشلان، ای ملام گر یۆز ایل، ۱۲۷
حاضر ایکن دور ایچه‌لیم دورملان، ۱۳۳
حیسی درویشین شوقین گۆزهلن، ای پری پیکر! ۱۳۳
حیسی نئج ائت استغفار و توبه، ۱۰۱
حیسی، قولاغنا سؤیله یارېن، ۱۵۱

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۷۵

حبیبی، گر دیلرسن عمر باقی، ۱۴۵	دو عالمده نه کیم وار جمله سنسن، ۹۶
حسرتیندن خسته اولوم، دردیمی یلمز طیب ۱۲۵	دور اورو، ای ساقی مهرو! ییزه، ۱۴۱
حُسُونُوتُن تقویمینی چُون باغلار احسن وجه ایله .. ۱۱۳	دور اُورُو، ای ساقی، بالله، خوش خرام، ۱۲۳
حُسُونُوتُن رازین نَجه ساخلایا دل، ۱۱۱	دور زمان ایچینده گُرمهدی بیر بشر هئج، ۱۳۰
حقیقت سنسن، اول مظهر، حقیقت ۹۶	دور سحر، ای ساقی جان! بیر قدح می سون ییزه، .. ۱۲۶
حور عینه دعوت ائتمه منی، واعظ، وارمازام، ۱۰۳	دوره، ای مرغ سحر! بالله، آغاز ائت ۱۱۸
حیات جلویلدن بولا حبیبی، ۹۹	دُوز، ای مطرب! رباب و چنگینی راست، ۱۴۴
خانه‌ی گُزده خیالین کُله‌گه‌سین، ۱۳۴	دُشدُ شبنم باغه گل، تا گُل نثار ائتسین سانا، ۱۲۷
خسته دل اولوغونه غم بئمه ای جان! دم به دم، .. ۱۰۴	دُون گُردُوم اول نگار طربناک و ارجمند ۱۵۳
خط و خالین دُورُور ابجد حروفی، ۹۵	دُلاشدی جان سر زلفونه یارب، ۱۴۴
خط و خالین نقشی دلدن گُز یاشیله گئتمهدی، ۱۳۸	رُخلارین شمعینه جان پرواز ائدیپ پروانه‌وش، ۱۱۳
خط یاقوتبَنی جان مصحفینده، ۹۵	رُخلارین شول جام جم گیتی نمادپر کیم یقین، ۱۳۶
خواب غفلتدن اویانسین عشق دلدار ایسته‌ین، ۱۱۲	رُخلارینلا عارضین هر کیم گُورُورسه دئر رول، ۱۰۶
خیالین خیلیدیر، ای شاه اعظم، ۹۴	رخون شمعینه قارشې جانی هر دم، ۹۹
دُورت کتابین مشکلینی بو حبیبی ائسه دارالشفّا ۱۴۵	رخون نعتینده خالین بایداغې بن، ۱۴۰
دۀ روح قدسی بُولُوله، تاکی ائده هر دم غلغله، ۱۴۸	رسیملی تۆرک ادبیات تاریخى ۲۰
دُر دیشینله لعل نابین دُوقونو، ۱۴۱	رَطْب و یاس سَورُو قوی واعظ دماغین خوش گُوتُو، ۱۲۲
دُرُ نجف هواند آسیلمیش قولاغینا، ۱۵۳	رقتم در آن میخانه راه دیدم بسی دیوانه راه ۱۴۸
درد عشقه هر کی، اول دمساز اولا، ۱۱۵	رهزن جاندپر، حبیبی، خاک دوست ۱۴۱
دُرُدو صافی نه سوتارسا ساقی جان، نوش قیل، ۱۴۶	روح ایله عقلی راه ایله لایعقل و مست ائیه‌ییب، ۱۲۱
دف و نی و عود و ششتا چنگ و بربط، ۱۰۱	روخون، زلفون گُورُوب اولوم مسلمان، ۹۹
دل ساچپندلن اولو سؤدایی مزاج، ۱۱۱	روضه‌ی حسن جمالین گُورلی، ۱۴۱
دلی دیوانه اولوم مست گُورُوندن، ۱۰۱	زُلال لعلین لُچُون اولمایان خاک، ۱۴۰
دمه مین گر قال ائدرسه عاشقی، ۱۱۵	زُلفون گُورلی سَنبل، گُله‌گُون بُوزُونُو لاله ۱۳۰
دو عالمده غنی اولا فقیرین، ۹۹	ساچې زنجیری‌نین هر دم حبیبی، ۱۴۰

۱۷۶ ➤ آرتېرمالار: كشف الأبيات

۱۴۰.....	ساچن مشاطهسي نېن ديل اولوبدور،
۱۵۰.....	ساچن نېن بير قېلېن، اى مصحف جان!
۱۲۱.....	ساقى! سحردير، سون برى، جام جمى نوش ائدليم،
۹۴.....	سانا كيم بنزيره، اى دل رله كيم،
۱۳۵.....	سانا گر رسواى خلق اولماق گرهمزسه آ دل!
۱۲۰.....	سانا، اى زلهدا بهشت و حور و رضوانى، منه،
۱۲۳.....	سبزه و آب و حريف و ساز و مى،
۱۵۴.....	سحر ائيلميش يوزونده يئنه چاه بابلى،
۹۸.....	سعادت بولور اول دم نحس اكبر،
۱۴۳.....	سعادتلى آياغي نېن توزو هر باشا كيم قونساه،
۹۸.....	سن اول سلطان جانسان، اى دل افروز،
۱۴۳...۱۳۳.....	سن اول انسان كاملسن، الا، اى صورت رحمان!
۱۲۵.....	سن فراغت شاد و خرّم من قبلارم نالهر،
۱۰۷.....	سن مصحف حياتى يازديقدا دست قبرت،
۱۴۸.....	سن منطقين درسين منه سؤيلهمه، اى مفتى! دخی،
۱۴۷...۱۳۷.....	سن منى بير دممه مين گر اولدورورسن جور ايله،
۱۱۷.....	سن، اى حبيبى! جام مى نوش ايله، چالدير چنگ و نى
۱۴۴.....	سن، اى ساقى! ايلمه سون، سحر دور،
۱۰۵.....	سنبل ساچن گول يوزونه چون كيم نقاب اولور، شهاد،
۱۰۷.....	سنبل ساچنې چوزمه كيم، نجه باش آياقدا،
۹۷.....	سنى هر شئیده گوردو چون حبيبى،
۱۳۸...۱۲۸.....	سوردو جان روح القدس دن شول دهاتېن سرينى،
۱۰۲.....	شول مبارک ذاتبا ايشيم ندادېر، يا نى!
۱۴۶.....	شمس دينين صحبتينده بيزه، اى يار ظريف!
۱۰۷.....	شمع رخ جمالين بير نور لم يزل دير،
۱۰۶.....	شهير عرش آشيائين، يعنى غمزه، اى صنم!
۱۲۸.....	شوجاويى كمان كش دير كى، قان ايچمكن لوسانماز،
۱۵۰.....	شو جان ديرينده ياخدېن ايكي شمعى،
۹۸.....	شو قتل عيى نين عينيه گلمز،
۱۰۱.....	شو فرعونى گوزوله قاره زولفون،
۱۴۴.....	شو كافر چشمى گوردوم استفاده،
۱۴۴.....	شو كچياز زلف آلدې ايكي روح مفت،
۹۵.....	شو كيم توحيد قائلدير احد دتر،
۱۵۰.....	شو مست اتديكلرين محراب ايچينده،
۱۱۸.....	شو مشكين زلفونون چينينى چوزگيل،
۱۳۰.....	شوقينه گول يوزونون هر دم هزاردستان،
۱۱۷.....	شوخيم، او جان ساقيسى نين سرخوش گوزونن مست اولان،
۱۳۱...۱۳۱.....	شيرين لبين اسرارنې روح القدس دن سوردو جان،
۱۳۰.....	شول تير قامتېنى سروى گوردورسه دغرو،
۱۳۱...۱۳۱.....	شول جامى كى سوندون ملام، جان حبيبى ملام،
۱۱۶.....	شول قتنه دور قمر، عينين بلادر كيم مگر؟
۱۴۸.....	شول كعبه ي تروير ايله اى آرزو ائلن كيشى،
۱۲۱.....	شول كيم ائدجكدير ملام، گل ائدليم بيز صبح شام،
۱۳۶.....	شول لب ياقوتونو قوت ائمه گى چين جانبا،
۱۵۳.....	« - شول مشك لاله اوزره نندير؟ » - دئديم، دئدى:
۱۲۹.....	صاحب جمال و اهل كمال، شكرين مقال،
۱۲۳.....	صحبتي بير خاص ائدليم يار ايله،
۱۵۶.....	صفا هنگاميدېر، عشرت دميدير، اى گول رعنا،
۱۲۲.....	صوفيا! قوى ننگ و نامى، جام صافى نوش قېل،

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی ۱۷۷

- طبل و الم میخانه به چک، گل سحر دور شاهوار،... ۱۴۹ قَاب قَوْسین ایلَه غمزمن اُوخونا جان و دلی، ۱۱۹
- طره‌ی طرارینې سن ائدملین پیچ و تاب، ۱۰۶ قاپسیندا گوشى حلقه قبلدېم بو که ائشیدم، ۱۰۴
- عارضین دۆرؤنده شؤل گؤل جلوه ائدر کندینی، ۱۳۸ قاشلارین یاپینا کیم عید آیدیر، ۱۳۴
- عاشق اُنلا نجه توبه ائده کیم، ۱۱۵ قاشین محرابی جان ایکن، عجب بو، ۱۴۰
- عاشق اولور جان و دلین درد قبلدی اختیار، ۱۱۲ قاشینلا کییرگیگن زلفون، خط و خالینلا هم لعلین، ۱۲۲
- عاشق صالح اولدور معشوقون، ۱۱۵ قامو جورى کى، جانله جانله ائدین، ۱۵۰
- عاشقلا جور و جفا و درد و غم، ۱۱۵ قامو دردو فرقیندان همین بس، ۹۹
- عاشقه معشوقونون جورو صفا سې خوش گلیر، ۱۲۰ قامو شاهمات اولور شاها فرس فیلیله فرزین سور ۱۳۳
- عاشقین ایشی گرک شام و سحر، ۱۴۲ قدیم و اورتا عصر لر آذربایجان ادبیاتی ۲۱
- عاشقین یانماقلان اؤزگه دردینه درمانی یوخ، ۱۱۲ قوی مدرسه یله مسجدی صوفی و شیخ و واعظه، ۱۲۱
- عجب آفت دؤرؤر جان جهانله، ۱۳۷ قیامت قامتین عینیم گؤرهلندیر روان، ای دوست! ۱۲۲
- عدمن تا کی، عالم اولدو پیدا، ۹۴ قیامت قامتینې گؤرن آیدر: ۹۵
- عشق معشوقه قول اولان صلق ایلله، ۱۴۲ قبلدی نظر چؤن حالیمه بیر دؤلو سونلو ایلمه، ۱۴۸
- عقدیسیندن بیر گره چۆرمرسه عرشین لؤستونه، ۱۳۳ کؤنلؤمؤ گؤزؤم خیالینا و طندیر گرچی کیم، ۱۲۵
- عقلیم و فکریم داغیلدی، بیر بیره جمع اولمادی، ۱۴۷ کؤنلؤمؤ هم دم به دم ائدر پریشان ساچلارین، ۱۳۳
- عمر باقی ساچلار بندیر، باده و فرمه، ای صنم! ۱۲۰ کؤنلؤنؤن آینه سینی هر نفس پاک ائیله گیل، ۱۲۲
- عنصر، شش جهات و هفت کوبه ۱۰۰ کؤنؤل چیرکین، یو گتسین فضل ایلله، ۱۰۱
- عنبر سارا ساچیندان اولدو خاک، ۱۱۱ کؤنؤل مرغون گرفتار ائتمگیچون، ۱۵۱
- عین آشوب جهاندر گؤز لرین، ۱۴۱ کایاتین وارلغیندان منه سن ساقی یتر، ۱۴۶
- عین جاندر اللریندن زهر ناب ۱۱۱ کعبه‌ی کوبین زیارت ائتمگه باد صبا، ۱۰۳
- عین قنابینلا قاشین، زلفین، ای مهر و صنم! ۱۱۳ کلام و حکمت و علم لدنی، ۱۰۱
- غالیه و مشک و عنبر قبلدی طبل و عود، نی، ۱۳۳ کلک قدرت آلتینا چون فضل بسم الله یازار، ۱۱۳
- غم دگیل، خیل خیالین بیخسه ای شه! جان اتوین، ۱۱۳ کی، انا بنزر دخی بیر بت بولونماز، ۱۴۴
- فضل فیاض ازل چون ائیلهدی فیضینی عام، ۱۲۲ کییریکلرینله قاشین، زلفون حروفی دیر کی، ۱۰۷
- فمیدیر نقطه‌ی موهوم، حبیبی، ۱۱۸ گؤرهلن زلف عنبر بارین، ای دوست! ۱۳۷

۱۷۸ ➤ آرتېرمالار: كشف‌الآبيات

- گۆزەلەن نرگىس مخمورىن، اى دوستە ۹۴
 گۆرەن شول وجە زىيانى، نگار! ۹۹
 گۆرۈنۈرسەن بو كىرت عالمىندە ۹۶
 گۆز گۆرۈڭ - گۆنچە كۆنلۈم اولور حۇس مايلى، ۱۵۴
 گۆزلەردىنە سۆرمە اولماغىچۇن دم بە دم ۱۲۰
 گۆزۈم آيدېر كۆنلۈمە: «شول حور مەھوشىن ساقىن!» ۱۳۵
 گۆزۈمۈن ياشىلە ھېم آتشىنەن يۇر و گۆزۈن تەك ۹۴
 گۆزۈن قان آغلايدى، اى پىرىرو! ۱۵۰
 گۆزۈنلە زۇلف شېرىنگىن گۆزەلەن جان و دل ھەر دم ۱۳۲
 گر دو كۆنى يىر قېلىنا وئرسەلر مېن جان ايلە ۱۳۳
 گر سىن چۆن قېلىيام چاكە اى بىت نازك بىن! ۱۲۷
 گرچە ياران مست اولوب، نوش ائىلەملر كاسەلى .. ۱۴۶
 گرچى انا اَلْحَق سىرىنى ذرات عالم سۆيلەشسېر ۱۳۱
 گرچى شاد اولمان دىخى، اى دل! بوندىل بۇيلە كېم ۱۲۷
 گرچى كېم سەم سعادىدېر قاشېن، ۱۴۱
 گىشت ايلە چىخدى گۆلشەنە اول سرو گۆل عذار ۱۵۴
 گل، اى صوفى، ايكى كۆنن صفا سېن ۱۴۴
 گلدىم قىلچە گىدىرىپ، رز قېزېنى يىر قوجالېم ۱۲۱
 گېمى احمد على سىن، گە خدىجە ۹۶
 گېمى صورت اولورسان، گاه معنى ۹۶
 گېمى مخنون اولورسان لېلى اۆچۈن ۹۶
 گېمى وامق، گېمى عذرا اولورسان ۹۶
 گۆل ياناغىن اۆزرە چۆن اول سۇنل سركش ياتېر ۱۱۹
 گۆن يۈزۈن آينەسىنە باخدىغىنچا ھەر نفس ۱۲۶
 گۆن يۈزۈن گۆردۈكجە، والاھى، بو كۆنلۈم شاد اولور ۱۲۵
 گۆن يۈزۈنلەن شاد و خندانېر كۆتۈل ۱۴۱
 گۆن يۈزۈندە كىر زۇلفىن، اى صنم! ۱۳۴
 گۆن يۈزۈندۈر گرچە ايمان ايلە دىنى عاشقىن ۱۳۳
 گۆن يۈزۈنلە زۇلف شېرىنگىن، آ دوستە ۱۳۳
 گۆشنى كىندۈرۈتۈر ظاھر ائىدىن ۹۶
 گىرو اولسون دا پىر مى فروشە ۱۰۰
 لىل لىلىن فراقىدىنلار آخېدىر ۹۴
 لىلىندىر گرچە كېم تىراك جان ۱۴۱
 لىل جانېخشېن اگرچە مردە جىسمە جان وئرىر ۱۱۳
 لىل لب ياقوتونا جان نىجە تشەنە اولماسىن ۱۰۵
 لىل و گېر دىشىلە بايىشمىش دۇاغىنا ۱۵۳
 لىل و لؤلۈتۈن حېسى نظم ائەھكە مدحىنى ۱۱۴
 لىل و ياقوتى رواتېمدان روان ائىتمز سانا ۱۲۹
 لىل ياقوتى روانى لطف ائىدې ۱۲۳
 لىلىندىر اىحا ائىن ھەر دم او بى جىسمى ولى ۱۰۵
 مانا مېرى ائرمەدى سىن مەلقانېن، ئىلەيىم ۱۲۸
 مەلەن گۆلخانىن گۆشەسىدىر ۱۰۰
 مەخىر ائىلە عشاقى نولە ۱۱۸
 مستدام اولغىل ھمىشە، اى گۆزل خانېم مېم ۱۲۵
 مشام جانە عطرىن - بويون ايرىگر ۱۰۱
 مصحف حۇسۇن تقال ائىدىگىمچە روز و شە ۱۰۳
 مصحف حۇسۇنلە خط و خالىنى ۱۳۴
 مطربا! راستگو نولە چۆن دۆزىدىم چىنگىنى ۱۰۹
 معلون مانا اول سېخان اولورسا ۹۸

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۷۹

معشوقه عینی سنسن، ای عشق اری حبیبی، ۱۳۰	نرگس مخموره‌نئیر کیم، تاکی خودین اولماسین، .. ۱۰۳
معشوقه‌دن خبر کیم یلمک دیلرسه، یاسین، ۱۰۸	نعمت و نازین جهانین تندر، ای جان! جان و دل، .. ۱۲۶
معشوقون، ای عاشق! مهری اودو یلینه، ۱۰۷	نقشینی پرگارین نقاش صورت یازاجاق، ۱۱۴
معنبر زلفونه مشک ختا او یکنمک ائتدیکجه، ۱۴۳	نگار! آیغیندن ساچینې در، ۱۱۸
مفتی، مدرّس، شیخ، امام، گوردوم کی، ایچرلر ملام، ۱۲۴	نگار! زلف شیرنگین کی، ایلمین سیاه ائیلر، ۱۴۳
مفرح لعل و یاقوتون خیال فکرین ائکملن، ۱۳۲	نه خطوعارض و خط کیم، محقق نقاش چین اولموش، ۱۲۸
مگر باد صبا زلفون لوجوندان کی پریشان دیر، ۱۳۲	نه روشن شمس دین و مهر جانسان، ۱۲۷
من کی، لعلین جان یئرینده گورموشم، ۱۳۴	نه سلطانسان کی، قاپی‌بن گداسی، ۹۹
من گوردوم ائنا پسته و بلام و سیب و نار، ۱۵۴	نه شیرین آب و رنگ و خال و خطادیر، ۱۳۷
مندن ائشیت دؤغرو خبر، ائدم سنه سوز مختصر، ... ۱۴۹	نه شیرین لیدیر اول خسروکی، جان فرهادبدر آهین، ۱۲۸
منشی قلرت یازار چون دفتری‌نین صورتین، ۱۱۳	نه قلمر فکر دقیق ائدمر اولورسام بئلینی، ۱۲۸
منور ائیله‌سین رویون دل عشاق غمخواری، ۱۵۶	نه کوکیدیر بو، یا رب کیم، گونشن نوری روشندیر، ۱۲۸
منی بو ایکلیکن بیره ایرگیر، ۱۰۱	نه مشکل عقدمدیر زلفی کی، عقل عام ائدمز حل، ۱۲۸
منی رسوای خلق ائسه، عجمیدیر غم عشقین، ۱۳۲	نور ایله روشن اولا بو کاینات، ۱۴۲
منی زار ائتمسین، دی، خار هجرین، ۱۰۰	نورالدین عبدالرحمان جامی ۳۸
منی شول جام مین مست ائيله، ۱۰۰	نی کیمی باغزین دلیب، هر دمه نالان ائيله‌سین، .. ۱۱۲
منیم بو منلیگیم، ملکومو یغما، ۱۰۰	هجرین شیینده مقصود یولونو یاد قیلدیم، ۱۰۷
مهرینله کینین اودونو جانیم ایچینده یاخالی، ۱۰۵	هر قاچان باد سحر دیره‌تسه مشکین زلفونو، ۱۰۳
می‌دیر مسیحین قانی بس، می‌دیر چوروح ثانی پس، ۱۲۴	هر قاچان بیر بوسه ائسه جان لیبندن ائتماس، ۱۲۶
میکده ایچره مقیم اول، دئر ایسه پیر مغان، ۱۲۲	هر کیمه همراه فضل الله اول، ۱۴۲
نتجه ائسین قراری جان ساچنلا، ۹۸	هر مذلت که ایریشه معشوقدان، ۱۱۵
نتجه دینلسین حبیبین سنسیر، ای اندامی گول؟ ۱۲۷	هر نه جور ائسن، حبیبی، لطف ایله، ۱۳۴
نار هجرانین دُخانې ظلمتینی سؤرمگه، ۱۴۶	هر نه کیم ائدمر کیشی، ای یول اری، ۱۴۲
نذر ائتدیگین بیر بوسه‌یی درویش اوچون ائسن ادا، ۱۰۵	هردم نظر پاک ائيله‌ییب، باخسام جمال آینا، ۱۱۶
نرگس اویاندی، بو چمن دامن و جامخاب، ۱۵۵	هر کی حُسنون کعبه‌سینده گورسه فتان عینی‌نی، ... ۱۱۹

۱۸۰ ➤ آر تېر مالار: كشف الأبيات

- «- هی هی، بو نه عقیق یمندیر؟» - دئدییم دئدی: ۱۵۳ یۆزۆ بیر شمع جانبدیر، عالم افروز، ۱۴۰
- و هی رمیم لولالار یحیی العظام اولورلار، ۱۳۰ یۆزۆن ماه - بن گۆرن مهرینه باخماز، ۱۳۷
- واله وی عقل و سرخوش، مست و حیرل اولموشوز، .. ۱۳۶ یۆزۆن نعتینده خالین یایداغینې، ۱۵۰
- واله و حیرل اولور، هر کیم گۆرۆر گۆن یۆزۆنۆ، ۱۰۶ یۆزۆن نوری ائدر شکسیر هدايت، ۹۸
- وجه آدمیر صراط مستقیم، ۱۴۲ یۆزۆنلۆر جنت فردوس اعلا، ۹۵
- وجودی کایاتین جمله سنسن، ۹۵ یۆزۆنه زهره، مشتری، مهر ایله ماه اؤگنمه سین، ۱۰۵
- یارین قاپسیننا مدام، خوار اولوغوم بودور کی من، ۱۱۶ یۆزۆنۆ هر کی، گۆردۆ بارک الله، ۹۵
- یاشاردېجا لب لعلینده خطین، ۱۳۷ یوخ - یوخ، خطا دئدییم غلط ائدییم، کج آنلادییم، ۱۲۹
- باشیم یۆزۆدۆ سو کیمی اول سرو سوبینه، ۱۵۴ ییغماگیل غم لشکريله، بالله ای سلطان جان! ۱۴۷
- بوزوندور آیت سبع المانی، ۹۵

۸. حیبی کتابلغی

۱. آراسلی، حمید. مختصر آذربایجان ادبیاتی تاریخی، باکو: ۱۹۴۳.
۲. اغریدلی، حاجی کمال. جامع النظائر، بایزید، دولت کتابخاناسی، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۵۷۸۲.
۳. انوشه، حسن (ویراستار). دانشنامه‌ی ادب فارسی - ادب فارسی در قفقاز، تهران، ۱۳۸۱.
۴. ایپکتین، خالوق. دیوان ادبیاتی اسملر سۆزلۆگۆ، آنکارا، ۱۹۸۸.
۵. تربیت، محمدعلی. دانشمندان آذربایجان، تهران، ۱۳۱۴.
۶. چلبی، اولیا. سیاحتنامه، چاپ سنگی، ج. ۱۰.
۷. چلبی، عاشیق. مشاعرالشعراء.
۸. حکمت ارطیلان، اسماعیل. آذربایجان ادبیاتی تاریخی، باکو: ۱۹۲۸، ج. ۱۰.
۹. _____ . حیبی، "حیات" درگیسی، آنکارا، ۱۹۲۸، ج. ۳.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه‌ی دهخدا، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۱. رشاد، فائق. تاریخ ادبیات عثمانیه، استانبول، ۱۹۱۳.
۱۲. ساسانی، چنگیزصادق اوغلو. حیبی (دیانت وقفی اسلام انسیکلوپدیسی)، ج. ۱۴.
۱۳. سام میرزا صفوی. تحفه‌ی سامی، چاپ سنگی، ۱۳۱۳.
۱۴. سامی، شمس‌الدین. قاموس‌الأعلام، اسلامبول، ۱۳۱۵، ج. ۳.
۱۵. سلمان ممتاز. سلطان‌الشعراء حیبی، باکو: مجله‌ی "فقرا فیوضاتی"، ۱۹۲۱.
۱۶. الطهرانی، آقابزرگ. الذریعه إلى تصانیف الشیعه، القسم الأول من الجزء التاسع، تهران: الطبعة الأولى.
۱۷. عون‌اللهی، سیدآقا. III-X-III عصرلرده تبریز شهرینین تاریخی، باکو: ۱۹۸۲.

۱۸۲ ➤ آر تېرمالار: حېبىي کتابلىغى

۱۸. قلى زاده، ميرزا آقا. آذربايجان ادبياتى تارىخى، باکو: ۱۹۶۰، ج. ۱۰.
۱۹. قېنالى زاده. تذکره، ج. ۱۰.
۲۰. کۆپرۇلۇزاده، محمدفؤاد. حېبىي، دارالفنون ادبيات فن مجموعهسى، ۱۹۲۵، ج. ۱۰/۴.
۲۱. لطيفى. تذکرة الشعراء، در سعادت: مطبعة اقدم، ۱۳۱۴ هـ.
۲۲. محمدزاده صديق، حسين. واقف گۆزه لليك و حقيقت شاعرى، ترجمه: محمد داوريار، تهران: تكدريخت، ۱۳۸۹.
۲۳. مظفر، محمد (صبا). روز روشن، هوپال، ۱۹۲۷.
۲۴. نسيمي، سيد عمادالدين. ديوان اشعار تركى، تصحيح و تحشيه و مقدمه: دكتور ح. م. صديق، تبريز: اختر، ۱۳۸۷.

مطلبی که پیش روی خواننده است توسط سایت «دوستاناران دکتر ح. م. صدیق» در اختیار مسئول محترم سایت توروز قرار داده شده است. پیش از آغاز کتاب مقدمه‌ای در شناخت آثار، احوال، تحقیقات و اندیشه‌های دکتر حسین محمدزاده صدیق را قرار دادیم.

- سید احسان شکرخدا

www.duzgun.ir

<http://hakimfuzuli.blogfa.com>

<http://nasimi.iran.sc>

<http://seyedazim.blogfa.com>

پیشگفتار در بررسی زندگی و آثار دکتر صدیق^۱

چکیده

استاد دکتر حسین محمدزاده صدیق از بزرگان فاضل و استادان بنام و خستگی‌ناپذیر ایران در قرن معاصر است که در زمره‌ی اساتید دلسوز و محققان و نویسندگان پرکار و زحمتکش محسوب می‌شود. با توجه به تسلط و اشراف بالا و کامل ایشان در مباحث مختلف از جمله: ادبیات، زبان‌شناسی، فولکلور، روزنامه‌نگاری، ترجمه، شعر و... ایشان صاحب تألیفات بسیار، چه به صورت کتاب و چه مقاله در این زمینه هستند. در این نوشتار، قصد بررسی همه‌ی جوانب زندگی این بزرگمرد استاد، ادیب و شاعر ایرانی نیست. بلکه سعی گردیده به طور موجز به

^۱ در نوشتن این گفتار از مقاله‌ی آقای علی آزادمنش و خانم عاطفه درویشان به طور کامل استفاده کرده‌ایم و بعضی از جملات ایشان را عیناً در مقاله آورده‌ایم.

۱۸۴ > آرتهمالار: حییبی کتابلیغی

معرفی این شخصیت کم‌نظیر ادبی و علمی ایران اسلامی در قالب زندگی‌نامه، تحقیقات، تألیفات، مجموعه‌های اشعار، ترجمه‌ها و دیدگاه بعضی از اهل قلم درباره‌ی ایشان و هم‌چنین از میان مقالات تحقیقی استاد، به نقد و بررسی اجمالی سخنرانی‌هایشان در چند کنگره‌ی ادبی و علمی پرداخته شود.

در این مقاله که تحقیق نظری به شیوه‌ی تحلیل محتوا است، مطالب و اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

مقدمه

یاد کرد و معرفی بزرگان علم و ادب و کندوکاو در زوایای مختلف زندگی آنان و اشراف بر روح متعالی ایشان و مطالعه در آثاری که از خود به یادگار گذاشته‌اند، امروزه از اهمّ اموری است که باید به شایستگی انجام گیرد و آینه‌وار پیش روی جوانان گذاشته شود، زیرا بیان و تبیین حیات علمی و فضایل شخصیت‌های برجسته‌ی اجتماع، شیوه‌های تبعیت از روش‌ها و منش‌های استادان بزرگوار را به دانشجو و جوانان ما می‌آموزد و البته که این رسالتی است شایان توجه و خدمتی است بس گرانقدر برای نسل‌های آینده که باید وارث و حافظ هویت‌های علمی و فرهنگ ملت خویش باشند.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۱۸۵

اطلاع از احوال و آثار و تحولات، عظمت فرهنگ و مفاخر علمی و ادب ملت و ممکت ایران، ضرورت شناخت فرهیختگان را بر ما فرض می‌کند. اعظم و اکابری که زندگی خود را وقف دانش و پژوهش کرده، در توسعه و تکمیل و تجلی شخصیت ملی و فرهنگی جامعه‌ی خویش، رسالتی بزرگ را ایفا نموده‌اند. یکی از نمونه‌های بارز این فرزندگان، دکتر حسین محمدزاده صدیق است که با سابقه‌ی درخشان خدمات فرهنگی خود در تاریخ و فرهنگ و ادب، مسندی ویژه دارد و دستمایه‌های قلمی وی اعم از نگارش و تألیف و ترجمه و شعر در قلمرو تاریخ ایران، ادبیات آذربایجان، شعر، تاریخ ادبیات و تصوف ایران، نشر انتقادی و تصحیح متون نظم و نثر و... جایگاه مخصوص به خود را دارند. استاد دکتر حسین محمدزاده صدیق در زمره‌ی افرادی است که در نیم قرن فعالیت خود جز فرهنگ‌پروری کاری نکرده است. آثار و تألیفات ارزنده‌ی وی گواه این ادعاست و جزء معتبرترین منابع و مراجع جویندگان و پژوهندگان است. وی از جمله شخصیت‌هایی است که با کارهای خود به فرهنگ مکتوب و رسمی این مرز و بوم، صادقانه و عاشقانه خدمت کرده است.

وی از معروفترین نویسندگانی است که تألیفات ایشان اعم از تاریخ و ادبیات و شعر و ترجمه به ۳۵۰ کتاب و رساله می‌رسد و تعداد مقالاتشان

۱۸۶ ➤ آرتیرمالار: حبیبی کتابلیغی

از هزار فقره افزون‌تر است. ایشان برخلاف بسیاری از دوستان و هم‌قلمان در گذشته که به دنبال امور سیاسی رفتند، تنها به ادب و فرهنگ و نویسندگی گراییدند و بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی و به بار نشستن استقلال و آزادی‌های فرهنگی، سوار بر توسن علم و ادب، نیکنامی اندوختند. (محمد داوریار اردبیلی، ۱۳۸۹: ۷)

استاد دکتر صدیق مردی چند چهره و شخصیت چند بعدی که فعالیت‌های علمی ایشان ابعاد گوناگون داشته که شگفت‌انگیز و بهت‌آمیز است. ایشان علامه‌ای به تمام معنی، با متانت علم و تدقیق عالمانه‌اش آثار ماندگاری تحویل جامعه‌ی علمی- ادبی کشور داده‌اند که در نوع خود بی‌بدیل است (محمد داوریار اردبیلی، ۱۳۸۹: ص ۷). وی استادی لایق، محقق تیزبین، شاعری پراحساس و مبارز، مترجمی امین و دقیق، روزنامه‌نگاری مدیر و مدبّر، سخنرانی پرجذبه، منتقدی بی‌رحم و مهربان، نویسنده‌ای قهار و زبان‌شناسی راه‌گشا (محمد رضا کریمی، ۱۳۷۷: ص ۱۷) هستند که درباره‌ی ابعاد مختلف این شخصیت در حد مقدورات سخن خواهیم گفت.

دکتر صدیق از شخصیت‌هایی است که با پشتکار خود به درجات عالی علم رسیده است. بارها در رژیم سابق زورورزان مانع تحصیلات رسمی وی شده‌اند، اما او در کنار فعالیت‌های علمی و ادبی قهارانه، به

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۱۸۷

تحصیلات رسمی هم پرداخته است. او پس از اخذ درجه‌ی PH.D از دانشگاه استانبول در سال ۱۳۶۲ و بدون توجه به دعوت‌های کشورهای همسایه و داشتن ویزاهای اقامت از کشورهایی مانند کانادا، به خاک وطن بازگشت (مصاحبه‌های علمی پدرم، ۱۳۸۱: ص ۱۳) او در زمره‌ی معدود کسانی است که سالیان سال با عشق و علاقه‌ی وافر به تحقیق و تفحص در زبان و فرهنگ و ادبیات اسلامی پرداخته است.

به جرأت می‌توان گفت که اگر امروز زبان و فرهنگ و در کل هویت ملی ما می‌تواند در برابر هجمه‌های فرهنگ‌ستیزان پایداری نماید، مرهون مساعی اشخاصی هم‌چون ایشان است (مهندس امیر چهره‌گشا، ۱۳۸۸: ص ۷۶).

پژوهش‌های استاد در زمینه‌های مختلف، امروزه در محافل علمی و دانشگاه‌های ایران و جهان از اعتبار خاصی برخوردار است (اثلیار آذران ۱۳۸۲: ص ۲۱).

تولد

استاد دکتر صدیق در ۱۵ تیرماه سال ۱۳۲۴ ش. برابر با ماه جولای سال ۱۹۴۵ میلادی در خانه‌ی پدری جنب مسجد آقا میرعلی در کوچه‌ی اسماعیل بقال از محله‌ی سرخاب در شهر تبریز متولد شده است. (مصاحبه‌های علمی پدرم، ۱۳۸۱: ص ۳)

۱۸۸ ➤ آر تهرمالار: حیبی کتابلیغی

در کودکی در مسجد جامع تبریز و حوزه‌ی طالبیه نزد آقامیرزا غلامحسین هریسی، آقا میرزا عمران و مرحوم وقایعی مشکات تبریزی به تعلیم قرآن، فلسفه‌ی اسلام، فقه، احکام و اصول دین مشغول شد. از کودکی در حالی که ۱۴ سال بیشتر نداشت، در مسجد محله و اوقاتی هم در منزل به تدریس قرآن و دروس مدرسه‌ای مشغول بود. بی‌سوادهای محله را که دو برابر سن او سن داشتند باسواد کرد. (همان، ۸) او، در سال ۱۳۳۷ تحصیلات ابتدایی را به پایان رسانید و وارد دبیرستان شد و در رشته‌ی علوم ادبی مشغول تحصیل گشت. از همان ابتدا استعداد عجیبی نسبت به ادبیات پیدا کرد. به طوری که در دبیرستان او را "شاعر" صدا می‌کردند و او برای بهتر متوجه شدن درس‌ها، آن‌ها را به قالب شعر درمی‌آورد و فرمول‌های فیزیک، ریاضی و یا درس طبیعی و جغرافیا را در قالب شعر حفظ می‌کرد و انشاءهای خود را به شعر می‌نوشت. (همان، ۹)

وقتی از دوره‌ی اول دبیرستان به دانشسرا رفت، شایع شد که همه‌ی کتاب‌های کتابخانه‌ی دانشسرا را خوانده است، زیرا با کارمندان وارد می‌شد و با آن‌ها خارج می‌شد. می‌خواست همه‌ی قله‌ها را فتح کند. (یعقوب حیدری، ۱۳۸۷: ۱۴)

دوران کودکی

استاد در مصاحبه‌ای که در سال ۱۳۷۹ با «بنیاد پژوهشی ادبیات کودکان ایران» کرده‌اند، از مادرشان بسیار با عزت یاد کرده و افتخار می‌کنند که دوران کودکی خود را با او سپری کرده‌اند:

«مادرم شاعر بود. پیوسته موزون و مقفلاً سخن می‌گفت و قادر بود با تکیه بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موسیقایی زبان ترکی، هر صحبتی را به شعر تبدیل کند. بی‌گمان در سال‌های کودکی من، لالایی و نازلامایی‌های ریتم‌دار و آهنگین ایشان، در شکل‌گیری توان شاعری، در من کارگر افتاده است. مادرم سینه‌ی پر درد و غمی داشت. سخنانش پیوسته با آه توام بود. آه‌های مادرم از اعماق قلبش بیرون می‌آمد. مادرم، گاه و بی‌گاه و شاید تمام شب‌های زمستان، سر کرسی برایم ناغیل می‌گفت. از ناردان خاتون، ملک محمد، مرد قارداش و نامرد قارداش، هفت پسر پادشاه، دختر شاه سمرقند، کچل و ماجراهای متعدد او. قصه‌های شاه عباس، قصه‌های روباه و غیره را اول بار از مادرم و شاید هم فقط از مادرم شنیدم. او از قدرت خلاقه‌ای در قصه‌سرایی و موزون‌سازی برخی پاره‌های آن برخوردار بود. مادر او یعنی مادر بزرگ من، شکر ننه نیز سینه‌ی پر قصه‌ای داشت. من شکر ننه را به ناغیل گفتن می‌شناختم و نه چیز دیگر، شکر ننه وقتی قصه می‌گفت، همه ساکت،

۱۹۰ > آرتیرمالار: حبیبی کتابلیغی

مست و مبهوت می‌شدیم. او طوری افسانه می‌گفت که انگار آن‌ها را حفظ کرده است، کلمات و جملات را با ژست‌های ادبی ادا می‌کرد و هیچ گاه هم دیگرگونه نمی‌شد.» (محمد هادی محمدی، ۱۳۸۰: ۹۲)

آغاز فعالیت ادبی

دکتر صدیق وقتی از دانشسرای مقدماتی پسران تبریز فارغ‌التحصیل شد، رهسپار روستاهای تبریز و اهر گردید (م. کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶). در روستا، ضمن معلمی، به گردآوری مواد فولکلوریک همت گماشت. او، در قصبه‌ی هریس معلم و مدیر دبستان بود و هم‌چنین در دانشگاه تبریز در رشته‌ی ادبیات فارسی تحصیل می‌کرد. (مصاحبه‌های علمی پدرم، ۱۳۸۱: ۱۰)

از سال ۱۳۴۴ به فعالیت‌های علمی و ادبی پرداخت. اولین مقاله‌ی او تحت عنوان "فرشته‌ی میترا و عید مهرگان" در سال ۱۳۴۴ در ماهنامه‌ی آموزش و پرورش تبریز چاپ شد. (همان جا)

در سال ۱۳۴۶ صفحه‌ی ادبی روزنامه‌ی عصر نوین را در تبریز اداره می‌کرد و در سال ۱۳۴۷ در همین شهر نشریه‌ی «هنر و اجتماع» را راه‌انداز کرد که آن را هر پانزده روز یکبار و با استفاده از امتیاز روزنامه‌ی مهد آزادی انتشار می‌داد. (همان جا)

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۱۹۱ <
کم بودند کسانی که در رژیم گذشته، حرص مقام و شهرت را به
یک‌سو نهادند و علیه استبداد و ظلم نعره سردادند و راه مبارزه بیش
گرفتند که دکتر صدیق یکی از آن‌ها بود. (جابر عالی‌شان، ۱۳۵۹: ۴/
۱۳۸۷: ۹)

آثار

دکتر صدیق تألیفات و آثاری بسیاری در زمینه‌های گوناگون دارد. آثار
او معمولاً رغبت گروه‌های مختلف خواننده را دربردارد (پروانه محمدلی،
۲۰۰۹: ۱۲۳). مواردی از دستمایه‌های قلمی ایشان را خانم معصومه
بازکیایی لیست کرده‌اند که با استفاده از ثمره‌ی زحمات ایشان این سیاهه
را در این جا می‌گنجانیم.

تصحیح و تحشیه

۱. آل محمد (ص) تاریخینده تشریح و محاکمه
۲. امثال لقمان
۳. پنج نمایشنامه
۴. تمثیلات تماشاخانه (۲- موسیو ژوردان)
۵. تمثیلات تماشاخانه (۴- خرس قولدورباسان)
۶. تمثیلات تماشاخانه (۱- کیمیاگر)
۷. چهار تئاتر و رساله‌ی اخلاقیه

۱۹۲ > آرتهرمالار: حبیبی کتابلیغی

۸. حضرت پیغمبر (ص) دن قیرخ حدیث
۹. دو سهندیه
۱۰. دیوان اشعار ترکی بایرک قوشچو اوغلو
۱۱. دیوان اشعار ترکی حکیم سید ابوالقاسم نباتی
۱۲. دیوان اشعار ترکی حکیم ملا محمد فضولی
۱۳. دیوان اشعار ترکی حکیم ملامحمد هیدجی
۱۴. دیوان اشعار ترکی سید عظیم شیروانی
۱۵. دیوان اشعار ترکی سید عماد الدین نسیمی
۱۶. دیوان اشعار ترکی مرتضی قلی ظفر اردبیلی
۱۷. دیوان اشعار ترکی ملا پناه واقف
۱۸. دیوان اشعار فارسی مولانا حکیم ملامحمد فضولی بیاتلی
۱۹. دیوان اشعار فارسی میرزا علی مجتهدی (عشقی)
۲۰. دیوان غریبی و تذکره مجالس شعرای روم
۲۱. دیوان فارسی سید ابوالقاسم نباتی
۲۲. رند و زاهد فضولی
۲۳. سایالار
۲۴. قارامجموعه
۲۵. قارامجموعه

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۱۹۳۴

۲۶. قارامجموعه ۱ و ۲

۲۷. قاعده زبان ترکی

۲۸. قواعد زبان ترکی

۲۹. کلاملار

۳۰. گلشن راز شبستری

۳۱. لیلی و مجنون و باشقا اثرلری

۳۲. محاکمه اللغتین

۳۳. مقالات تربیت

۳۴. مقالات فارسی میرزا فتحعلی آخوندزاده

۳۵. مقالات فلسفی میرزا فتحعلی آخوندزاده

۳۶. منتخب غزلیات شمس تبریزی

۳۷. نصاب اعتماد: فرهنگ لغات منظوم ترکی

۳۸. نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی

۳۹. یوسف و زلیخا

تحقیق و پژوهش

۱. دیدی از نوآوری‌های حبیب ساهر

۲. سه سنگیاد باستانی

۳. سیری در اشعار ترکی مکتب مولویه

۱۹۴ ➤ آرتمالار: حییلی کتابلیغی

۴. شرح غزل‌های صائب تبریزی (ج. ۱)

۵. عارف سالک

۶. عاشیق‌لار

۷. قوپوزنوازان دلسوخته‌ی آذربایجان

۸. گوئشلی وطن یادداشت‌لاری

۹. مقالات ایران‌شناسی (ج. ۱ و ۲)

۱۰. واقف، شاعر زیبایی و حقیقت

۱۱. هفت مقاله

۱۲. یادمان‌های ترکی باستان

ترجمه

۱. آتا! ای ظلم گورموش مکتبین بایراق‌داری

۲. آثاری از شعرای آذربایجان

۳. آذربایجانین شهید عالیملری

۴. آرزوی و قمبر

۵. ارمنستان در زمان تیمور لنگ

۶. از پیدایی انسان تا رسایی فتودالیسم در آذربایجان

۷. اسلام احکامی

۸. اصول عقاید

۹. افضل الدین خاقانی شیروانی
۱۰. انقلاب بورژوازی در انگلستان
۱۱. اوچونجو امام، حضرت حسین علیه السلام
۱۲. ایچگی و ایچگی ایچمک حاققیندا قیرخ حدیث
۱۳. بهسروده‌های زرتشت
۱۴. بیرینجی امام، حضرت علی علیه‌السلام
۱۵. پیرامون پیدایش انسان
۱۶. توحیده چاغری
۱۷. جزء عم
۱۸. حضرت امام جعفر صادق (ع) دن قیرخ حدیث
۱۹. حضرت امام حسن (ع) دن قیرخ حدیث
۲۰. حضرت امام حسن عسگری (ع) دن قیرخ حدیث
۲۱. حضرت امام حسین (ع) دن قیرخ حدیث
۲۲. حضرت امام رضا (ع) دن قیرخ حدیث
۲۳. حضرت امام زین‌العابدین (ع) دن قیرخ حدیث
۲۴. حضرت امام علی (ع) دن قیرخ حدیث
۲۵. حضرت امام علی‌النقی (ع) دن قیرخ حدیث
۲۶. حضرت امام محمدالتقی (ع) دن قیرخ حدیث

۱۹۶ > آرتېرمالار: حېبىي کتابلىغى

۲۷. حضرت امام محمدباقر (ع) دن قيرخ حديث

۲۸. حضرت امام مهدي (عج) دن قيرخ حديث

۲۹. حضرت امام موسى كاظم (ع) دن قيرخ حديث

۳۰. حضرت فاطمه زهرا (س) دن قيرخ حديث

۳۱. حكيم ملاعبدالله زنوزى و زنوزيه مكاتبى

۳۲. در شناخت هنر و زيبايى

۳۳. دو گفتار ادبى

۳۴. ديوان لغات الترك

۳۵. زندگى و اندیشه‌ى نظامى

۳۶. سون سؤز

۳۷. گفتارهايى پيرامون مسائل زبانشناسى ايران

۳۸. گفتارى درباره‌ى زبان‌هاى رايج فارسى در آذربايجان

۳۹. مسائيل ادبيات ديرين ايران

۴۰. مسائيل ادبيات نوين ايران

۴۱. مطلع الاعتقاد فى معرفة المبدأ و المعاد

۴۲. قيسا سؤزلىر

۴۳. مجموعه داستان‌هاى ماكسيم گوركى

۴۴. مقدمه‌اى بر فلسفه‌ى تكاملى طبيعت و جامعه

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۱۹۷

۴۵. نسیمی (درام تاریخی در ۳ پرده و چهارده صحنه)

۴۶. نظامی، شاعر بزرگ آذربایجان

۴۷. نمونه‌های شعر معاصر آذربایجان

۴۸. هامی ایچون اسلام

۴۹. یئنی یئتمه‌لر ایچون الله تانیما درس‌لری

۵۰. یئنی یئتمه‌لر ایچون امام تانیما درس‌لری

۵۱. یئنی یئتمه‌لر ایچون ایلاهی عدالت

۵۲. یئنی یئتمه‌لر ایچون پیغمبر تانیما درس‌لری

۵۳. یئنی یئتمه‌لر ایچون معاد تانیما درس‌لری

مجموعه شعر

۱. اردبیل لوحه‌لری

۲. آناما هدیه

۳. اوچغون داخما

۴. باکی لوحه‌لری

۵. تبریز یول‌لاریندا

۶. زنگان لوحه‌لری

۷. شیخ محمد خیابانی حماسه‌سی

۸. صمد بهرنگی (منظومه)

۱۹۸ > آرتېرمالار: حېبىي كتابلىغى

۹. قاشقايى لوحه لرى

۱۰. كيچيك شعرلر

۱۱. يورد غزللرى

متون دانشگاهى

۱. آشنايى با رسالات موسيقى

۲. آشنايى با متون ادبى

۳. برگزیده متون نظم تركى

۴. برگزیده ی متون نظم و نثر تركى (ج. ۱)

۵. خلاصه ی قانون كار و تاريخ ادبيات

۶. سبرى در رساله هاى موسيقيايى

۷. متون ادبى هنر

ادبيات كودكان

۱. چيل مايدان

۲. دنياى قصه ی بچه ها

۳. دوقلو هاى ترك

۴. قصه هاى روباه

۵. قصه هاى كچل

۶. يهودانين خيانتى

نقدها

۱. درباره‌ی قصه‌های کودکانه‌ی بهرنگ
۲. و باز هم درباره‌ی مرداد و امرداد
۳. انارستان
۴. حبیب ساهر، شاعر مردم
۵. ترجمه‌ی بوستان
۶. هجری هریسی
۷. قامت خود را بردار می‌بیند
۸. از شبستر تا شبستر
۹. رُستهای علمی ترکی ستیزان
۱۰. میرزا مآذون قشقایی
۱۱. فقدان دکتر حمید نطقی،
۱۲. پاسخ به معترض
۱۳. چون غرض آمد هنر پوشیده شد
۱۴. حماسه‌پرداز خشم شقایق
۱۵. پیرامون اشتباه مرحوم تربیت درباره‌ی قارامجموعه
۱۶. تکمله‌ای بر کتاب
۱۷. بازی‌های باستان شناسی پان ایرانیسم‌ها بر علیه مدنیت ترکی

۲۰۰ > آرتېرمالار: حبيبي کتابليغي

۱۸. نگاهی به مطالب کتاب فارسی اول دبیرستان
۱۹. صفویه، ملا صدرا و جعبه جادویی
۲۰. مکتب غیر واقعی سازی و حرکت از «من» به «نا من»
۲۱. وجدان علمی و ادب کاوی صمیمانه
۲۲. پاسخ به مقاله‌ی «ظهور پان ترکیسم و ترجمه‌ی دیوان لغات‌الترک»

۲۳. تغزل‌سرای خردگرا
۲۴. شاعر خنده‌های تلخ
۲۵. کاروان سالار نثر واقعگرا
۲۶. درباره‌ی رمان «اشک سبلان»
۲۷. انسان طالعینی دوشونن شاعیر
۲۸. درباره‌ی اشعار سؤنمز
۲۹. اشک سبلان

کنگره‌ها

۱. اوزان شعری در دیوان مختومقلی فراغی
۲. تأثیر آفرینش نظامی بر ادبیات ترکی
۳. حاج غلامرضا مجدفر
۴. حکیم هیدجی و آذربایجان فیلسوفلاری

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۲۰۱

۵. خطیب تبریزی، شارح ابن سکیت
۶. در مورد ادبیات قشقایی
۷. سبک آذربایجانی در شعر فارسی
۸. سلسله‌ی مولویه و شیخ شهاب‌الدین اهری
۹. عطار
۱۰. فرزند ایل سرافراز
۱۱. کلیات غریبی منتشا
۱۲. گامی برای تدوین کتابشناسی اوحدی مراغه‌ای
۱۳. منوچهری از دیدگاه مرحوم پرفسور احمد آتش
۱۴. نگاهی به پیشینه‌ی باستانی زبان ترکمنی
۱۵. نوع سیرسوژه در منظومه‌های نظامی
۱۶. ورود آق‌قویونلوها به آناتولی

دکتر صدیق پیش از هر چیزی یک معلم است. او سال‌های جوانی خود را در دبیرستان‌ها سپری کرده است و وقتی در اوایل دهه‌ی ۶۰ از دبیرستان به مراکز تربیت معلم منتقل شد، چند سال بعد در مرکز تربیت معلم دارالفنون مدرس نمونه شناخته شد. در آن جا نیز فصلنامه‌ای ادبی با نام دارالفنون راه‌اندازی کرد. در جایی معلمان را خطاب کرده، می‌گوید:

۲۰۲ > آرتیمرالار: حبیبی کتابلیغی

«عزیزان من! وقتی وارد کلاس شدید و در را بستید، همه چیز را، جزء بچه‌ها، فراموش کنید و خودتان را پدر روحانی و معنوی آن‌ها بدانید. گفتار و رفتار ما خیلی روی بچه‌ها تأثیر دارد. من به خودم که نگاه می‌کنم، می‌بینم آن قدر که از معلمانم متأثرم، از پدر و مادرم نیستم.» (جواد محقق، ۱۳۸۲: ص ۱۴)

امضاءها

نام علمی استاد «دکتر حسین محمدزاده صدیق» است که از دهه‌ی ۶۰ به این طرف به این اسم معروف شده است. کتاب‌هایش در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ با امضای، «ح. صدیق» منتشر شده است. اشعار ترکی او با تخلص «دوزگون» و شعرهای فارسی‌اش با امضاء «اشاون» انتشار یافته است. ترجمه‌ی قرآن و کتاب‌های مذهبی خود را در دهه‌ی هفتاد با نام «حسین سرخابلی» منتشر ساخته است. امضاءهای مستعار «حمص»، «حق»، «صفدر شمایللی سرخابلو»، «فاضل ترک‌تبار تبریزی» هم از آن اوست. (دکتر مرتضی مجدفر، ۱۳۸۵: ۱۸)

استاد عرفان

دکتر صدیق سال‌ها در دانشگاه‌های ما تدریس کرده است. در اواخر دهه‌ی هفتاد و اوایل دهه‌ی هشتاد اغلب دانشگاه‌های معتبر تهران، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، ارومیه، زنجان، سمنان و غیره از ایشان برای

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۲۰۳۴

تدریس و سخنرانی دعوت رسمی می‌کردند. در بسیاری از واحدهای دانشگاه آزاد هم از تهران، زنجان، تبریز و غیره تدریس و سخنرانی کرده‌اند. دانشجویان، اغلب شیفته‌ی دانش و رفتار استاد می‌شدند. معروف است که در نظرخواهی که در یکی از دانشگاه‌ها از دانشجویان درباره‌ی استاد شده بود، یکی از دانشجویان نوشته بود:

«دکتر صدیق سر کلاس، این قدر از ما کار کشید که درمانده شدیم، اما مایلم ترم دیگر نیز او به کلاس ما بیاید!»

این، ناشی از سخنانی بود که وی در کلاس می‌زد و وجود آدمی را نشاطی دوباره می‌بخشید تا بتواند با چشمانی باز در طریق عشق و معنویت گام بردارد. (روزها با استاد، ۱۳۸۷: ۳)

عرفانی که شاگردان دکتر صدیق از او آموخته‌اند، عرفان اسلامی است. درباره‌ی ابعاد عرفانی استاد تاکنون از طرف علاقه‌مندان سه کتاب زیر چاپ شده است:

ادراکات (۱۳۸۴)

نجوای سکوت (۱۳۸۵)

اندریافت نو (۱۳۸۵)

یکی دیگر، مجموعه‌ای با عنوان «دیوان رها» حاوی یکصد غزل عرفانی درباره‌ی استاد و به عشق ایشان سروده و چاپ کرده است. «رها»

۲۰۴ آرتهمالار: حیییی کتابلیغی

لقبی است که شاگردان محافل عرفانی استاد به او داده‌اند. یکی از این غزل‌ها چنین است:

من به جز حضرت تو راهبری نگزینم،
همدم و مونس و یار دگری نگزینم.
همه را چشم طمع خیره به خوان دگری است،
من به جز دیده‌ی عبرت، بصری نگزینم.
تلخ آید دگران را شکر تعلیمت،
غیر از این نوش که داری، شکری نگزینم.
خبری هست تو را کاصل خبرهاست مرا،
در پی آنم و جز آن خبری نگزینم.
ای که پروانه صفت بال و پرم سوخته‌ای!
تا تو بالم ندهی، بال و پری نگزینم.
میوه‌ی عشق، ثمرهای جهان را ثمر است،
من به جز میوه‌ی عشقت ثمری نگزینم.
تا تو سلطان منی سلطنت فقر سزااست،
تا تو درگاه منی، هیچ دری نگزینم.

روح مذهبی و انقلابی

استاد از کسانی است که به امام راحل^(ره)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی عشق می‌ورزید. ایشان تمام آثار منظوم و چند کتاب منشور امام راحل^(ره) را به ترکی آذری ترجمه کرده‌اند و به چاپ رسانیده‌اند. گذشته از آن، منظومه‌ای هم با عنوان «در سوک آفتاب» سروده است که انتشار آن با استقبال روبرو شده است. (هفته‌نامه‌ی سهند، ۱۳۷۱:ش)

هم‌چنین نزدیک یکصد عنوان کتاب در موضوعات مذهبی شیعه در اوایل دهه‌ی هفتاد از طریق بنیاد بعثت در تهران انتشار داده است که در میان آن‌ها چهارده جلد سیره‌ی معصومین^(ع)، چهارده جلد احادیث معصومین^(ع)، پنج جلد اصول عقاید و کتاب «علمای شهید آذربایجان» قابل ذکراند. (فهرست انتشارات بنیاد بعثت، ۱۳۸۰)

در تمام نوشته‌های استاد روح مذهبی و عرفانی وجود دارد. اشعار مذهبی و عرفانی ایشان نیز فراوان است. (مریم منافی ملایوسفی، ۱۳۸۱: ۴)

کلمات قصار

چند تن از شیفتگان قلم به دست دکتر صدیق، کلمات قصار و نصایح ایشان را به صورت کتاب چاپ کرده‌اند که از آن میان می‌توان به دو کتاب:

۲۰۶ آرتمالار: حبیبی کتابلیغی

الف) روزها با استاد^۱

و

ب) قدم به قدم با استاد^۲

اشاره کرد.

با استفاده از این دو کتاب بعضی از کلمات قصار ایشان را در این جا می‌نویسیم:

قدم اول را که برداشتی، قدم آخر را نیز برداشته‌ای و زمان حجابی است بر چهره‌ی این حقیقت بزرگ.

برای کسی که خلأ نبودن شعف و بشارت در زندگی را با خیالات پر کرده است، برای خود حجاب و مانع حضور بشارت و امیدواری ایجاد کرده است.

انسان زمانی نجات پیدا می‌کند که بهانه‌جویی را کنار بگذارد و با خودش صادق باشد.

باید با تمام وجود زندگی کرد. آن‌گاه نوعی شگفت‌زدگی، نوعی حیرت که نیاز به اثبات و بحث ندارد، ما را فرا می‌گیرد.

^۱ شکرخدایی، سید احسان. **روزها با استاد**، تبریز، اختر، ۱۳۸۶.
^۲ شکرخدایی، سید احسان. **قدم به قدم با استاد**، تهران، نکدرخت، ۱۳۹۱.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۲۰۷۴

حقیقت برای یک انسان گرفتار در ظلمت، حقیقتی است که ساخته‌ی نوع زندگی، نیازها و عقاید او است.

همان گونه که اتفاقات بیرونی می‌تواند بر حال درونی ما اثر بگذارد، ما نیز می‌توانیم با دگرگونی حال درونی خویش بر حوادث و وقایع بیرونی زندگی اثرگذار باشیم.

هر کس به اندازه‌ی محبوب خویش وسعت می‌یابد. اگر محبوب کامل است، پس عاشق نیز می‌تواند کامل شود. اگر وسایل و کالاهای محبوب کسی شود، آن‌گاه وسعت نگرش و رشد او منحصر به همان کالاهاست.

ترجمه

دکتر صدیق وقتی اثری را ترجمه می‌کند، گاهی بیش از مؤلف آن زحمت می‌کشد و طوری ترجمه را روان و نرم انجام می‌دهد که گاهی خواننده فراموش می‌کند که این مکتوب، ترجمه است (داوریار، ۱۳۸۸: ۸). مخصوصاً ترجمه‌ی اشعار به دست او چنان است که لطافت، حساسیت، طنین، صلابت و حتی ارزش بعضی کلمات را به خواننده‌ی فارسی‌زبان منتقل می‌کند. به گونه‌ای که حس جاری بودن را ارزانی می‌دارد، بی‌آن که بخواهد با جملات و کلمات ناموزون و غیر همگون، ترجمه‌ی اشعار، را گرفتار دشوارگویی‌ها و پیچیدگی‌های لفظی کند. (همان جا)

۲۰۸ > آرتهمالار: حبیبی کتابلیغی
از میان ترجمه‌های موفق او می‌توان به «دیوان لغات الترک» اشاره
کرد که آن را از عربی به فارسی و ترجمه کرده است.

موسیقی

دکتر صدیق سال‌ها واحدهای ادبیات موسیقایی دانشکده‌های موسیقی
را تدریس کرده است و عضو هیئت سردبیری ماهنامه‌ی مقام نیز بودند.
با راهنمایی و زیر نظر ایشان در رشته‌ی موسیقی دانشگاه سوره تاکنون
بیش از ده پایان‌نامه‌ی موسیقایی تألیف شده است. (ناصر به‌نژاد، ۱۳۸۷)
آخرین کتاب که از دکتر صدیق درباره‌ی ادبیات موسیقایی چاپ
شده، کتابی است با عنوان **سیری در رساله‌های موسیقایی** که از طرف
مرکز موسیقی حوزه‌ی هنری (انتشارات سوره مهر- ۱۳۸۹) چاپ شده
است. در این کتاب وی پس از بحث درباره‌ی موسیقی حلال، حرام،
متعالی، عرفانی، ایقاعات و سبک‌شناسی رسالات موسیقایی، شش کتاب
عربی و سی و نه کتاب فارسی موسیقی را که در قرون گذشته مخصوصاً
دوره‌های صفویه و قاجار تألیف شده است، عالمانه معرفی می‌کند.

شعر

اشعار **حسین دوزگون** بسیار ساده، معنی‌دار و گاه از لحاظ محتوا
بسیار پر مفهوم و از لحاظ بیان دلنشین است. او در بسیاری از اشعار
خود، معایب اجتماعی دوران گذشته را با قدرت تمام و بدون ترس و

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۲۰۹ <
واهمه بر زبان آورده است و جزء شاعرانی است که اراده‌ی
شکست‌ناپذیر در مبارزه داشتند. (رضا همراز ۶: ۱۳۸۰)

درباره‌ی او

در کنار بیش از سی صد کتاب، نزدیک به ده نشریه، بیش از هزار
مقاله و ده‌ها کنفرانس و سمینار علمی داخلی و خارجی، باید تربیت بیش
از هزار دانشجوی را به کلکسیون افتخارات دکتر صدیق بیفزاییم.

سجایای اخلاقی و روح بلند استاد در پنجاه سال تلاش علمی و ادبی
ایشان آن‌چنان زیاد بوده است که ده‌ها کتاب و صدها مقاله در باب ایشان
منتشر شده است که به جرأت می‌توان گفت: هیچ استاد دانشگاهی این
چنین دل و عقل دانشجویان خود را مجذوب نکرده است. (نائبی، ۱۳۸۸:
۱۴)

از میان آثاری که به طور مستقل درباره‌ی دکتر صدیق انتشار یافته
است کتاب‌های زیر را می‌شماریم:

۱. ایمانی، بهروز. **سؤز سواغیندا؛** چاپ اول؛ تهران: مؤلف، ۱۳۷۹؛ تک
جلدی؛ ۱۰۲ ص.؛ عکس؛ رقعی.
۲. ایمانی، بهروز. **لوحه دن لوحه یه،** تهران، تکرخت، ۱۳۸۹.
۳. جمعیت نویسندگان آذربایجان، **مجموعه - ۱؛** تهران: شبتاب، ۱۳۵۷؛
تک جلدی؛ ۱۳۲ ص.؛ رقعی.

- ۲۱۰ > آرتېرمالار: حېبىي کتابليغى
۴. چهره‌گشا؛ امير. ائل قايغى سى؛ چاپ اول؛ تهران: مؤلف، ۱۳۸۳؛ تک جلدی؛ ۱۰۵ ص.؛ رقعی.
۵. حیدری، لیلا؛ فرجام طرح بنیاد آذربایجان‌شناسی؛ چاپ اول؛ تهران: مؤلف، ۱۳۸۱؛ تک جلدی؛ ۸۷ ص.؛ نمونه، عکس؛ رقعی.
۶. حیدری، یعقوب. کوه در کوله‌پشتی؛ چاپ اول؛ تهران: تکدرخت، ۱۳۸۷؛ تک جلدی؛ ۴۷ ص.؛ عکس؛ رقعی.
۷. داوریار، محمد. بیر عمان بیر دنیز، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۸.
۸. داوریار، محمد. تکریم استاد، تهران، فرهنگسرای مهر، ۱۳۸۸.
۹. دمیر، آیدین. زندگی و بعضی از آثار دکتر محمدزاده صدیق؛ استاد راهنما: دوچنت دکتر بیلگه‌خان آ. گؤک داغ؛ ۲۰۰۲؛ مقطع کارشناسی رشته‌ی زبان و ادبیات ترکی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه قرق قلعه (ترکیه)؛ ۲۲۹ ص.؛ کتابنامه.
۱۰. رضیان، خاطره. لب‌های یخ‌بسته؛ چاپ اول؛ تهران: ائلشن، ۱۳۸۲؛ تک جلدی؛ ۱۱۵ ص.؛ رقعی.
۱۱. سالک، حمید. چند گفتار پیرامون پنج نمایشنامه‌ی میرزا آقا تبریزی؛ چاپ اول؛ تبریز: نوبل، ۲۵۳۷ (۱۳۵۷)؛ تک جلدی؛ ۷۴ ص.؛ رقعی.

- دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۲۱۱ <
۱۲. شکرخدایی، سید احسان (گردآورنده). **روزها با استاد**؛ چاپ اول؛ تبریز، ۱۳۸۷؛ تک جلدی؛ ۱۱۲ ص.؛ جیبی.
۱۳. شکرخدایی، سید احسان. **ادراکات** [بی‌جا]؛ تهران: گردآورنده، ۱۳۸۴؛ تک جلدی؛ ۱۲۸ ص.؛ عکس؛ رقعی.
۱۴. شکرخدایی، سید احسان. **اندر یافت نو**، چاپ اول؛ تهران: دانشگاهیان، ۱۳۸۴؛ تک جلدی؛ ۱۱۲ ص.؛ رقعی.
۱۵. شکرخدایی، سید احسان. **دیوان رها**؛ چاپ اول؛ تهران: تکدرخت، ۱۳۸۷؛ تک جلدی؛ ۱۶۱ ص.؛ رقعی.
۱۶. شکرخدایی، سید احسان. **نجوای سکوت**؛ چاپ اول؛ تهران: دانشگاهیان، ۱۳۸۴؛ تک جلدی؛ ۱۱ ص.؛ رقعی.
۱۷. غریبلی، دکتر اسلام. **صفی‌الدین اردبیلی‌نین قارامجموعه‌سی و حسین محمدزاده صدیق**؛ چاپ اول؛ باکو: نشر جاویدان، ۲۰۰۴؛ تک جلدی؛ ۱۳۹ ص.؛ رقعی.
۱۸. غلامنژاد بازکیایی، معصومه. **کتابشناسی آثار استاد دکتر حسین محمدزاده صدیق**، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۸.
۱۹. کریمی، محمدرضا. **اٹلیمیزین آجیان یاراسی (شرح زندگی و آثار دکتر حسین محمدزاده صدیق)**؛ چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰؛ تک جلدی؛ ۸۸ ص.؛ عکس؛ رقعی.

۲۱۲ > آرتېرمالار: حېبىي کتابلىغى

۲۰. محمدزاده صدیق، ائلدار. **مصاحبه‌های علمی پدرم؛** به کوشش ائلدار محمدزاده صدیق؛ چاپ اول؛ تهران: مؤلف، ۱۳۸۱؛ تک جلدی؛ ۱۳۶ ص.؛ عکس؛ رقعی.

۲۱. نائبی، محمدصادق. **قارامجموعه از منظر واژه‌شناسی؛** چاپ اول؛ تهران: مؤلف، ۱۳۸۰؛ تک جلدی؛ ۷۱ ص.؛ رقعی.

۲۲. نیایش، امید. **دکتر صدیق و هویت آذربایجان؛** چاپ اول؛ تهران: زوفا، ۱۳۸۱؛ تک جلدی؛ ۹۵ ص.؛ رقعی.

۲۳. وظیفه، صدیار (ائل اوغلو). **جشن‌نامه‌ی دکتر صدیق،** تهران، تکدرخت، ۱۳۸۸.

۲۴. وظیفه، صدیار. **بیر بؤلوک دورنا؛** چاپ اول؛ تهران: زوفا، ۱۳۸۱؛ تک جلدی؛ ۷۵ ص.؛ رقعی.

۲۵. همراز، رضا. **گوللر آچاجاق؛** چاپ اول؛ تبریز، ۱۳۸۰؛ تک جلدی؛ ۱۲۶ ص.؛ رقعی.

بسیاری از استادان امروزی ادبیات، شاگرد و دانشجوی دیروز دکتر صدیق هستند و افتخار می‌کنند که شیوه و روش او را در تدریس پیش گرفتند. یکی از این استادان می‌نویسد: «تا به امروز که خود به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های زنجان مشغول هستم، سبک و

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۲۱۳
روش استاد بزرگوار را سرمشق تدریس خویش نموده‌ام. زیرا استاد تنها به کار درس دادن و عاقبت به نمره‌ی دانشجو اکتفا نمی‌کردند، بلکه با مهربانی و بدون توجه به نمره، دانشجو را به کار می‌گرفتند و هر بار با تکلیف قرار دادن یک تحقیق در موضوعات گوناگون ادبی، دانشجویان را به تحصیل واقعی علم و دانش فرا می‌خواندند.» (دکتر سیامک سلیمانی روشن، ۱۳۸۸: ۱۸۹)

او را علاقه‌مندانش «دائرةالعمارف متحرک» نام داده‌اند. یکی از نویسندگان معاصر می‌گوید: در حال حاضر پرفسور صدیق به تنهایی یک دائرةالعمارف به شمار می‌رود که در هر روز از عمرش صدها صفحه به دانش و ادبیات ایران افزوده و اندیشه‌های نو آورده است. (حسین دوستی، ۱۳۸۸: ۹۵) یکی دیگر از محققان معاصر شماره صفحات تعداد تألیفات او را بر روزهای عمر پربرکتش تقسیم کرده، به هر روزش ۴۷ صفحه افتاده است. (دکتر مرتضی مجدفر، ۱۳۸۸: ؟)

دکتر حلیم یارقین استاد دانشگاه‌های افغانستان درباره‌ی یکی از ترجمه‌های دکتر صدیق با عنوان دیوان لغات‌الترک می‌گوید: «دکتر حسین محمدزاده صدیق با صلاحیت بایسته‌ای یکی از مهم‌ترین میراث ادبی و زبانی را به گونه‌ی بهینه‌ای به زبان فارسی به فرجام آورده و به چاپ رسانیده‌اند. این ترجمه‌ی کامل و روان نه تنها برای استفاده‌ی فارسی

۲۱۴ > آرتهمالار: حبیبی کتابلیغی

زبانان، بلکه تمام علاقه‌مندان فارسی‌دان، به ویژه افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است. من ترجمه‌ی تازه‌ی فارسی دیوان لغات‌الترک را کاری بهین و گامی مهم و ارزنده در گسترش لغت‌شناسی و زبان‌شناسی دانسته، استاد گران‌قدر دکتر حسین محمدزاده صدیق را به این مناسبت شادباش و تهنیت می‌گویم و از بارگاه رب‌العزّه برایشان کامیابی‌های مزید آرزو می‌کنم.» (دکتر حلیم یارقین، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

دکتر اسرافیل باباجان استاد دانشگاه غازی در آنکارا که روزگاری هم در ایران دانشجوی خود دکتر صدیق شده بود، درباره‌ی همین ترجمه گوید:

«دکتر صدیق با این ترجمه، نه تنها متنی زیبا به فارسی‌زبان ارزانی داشته است، در عین حال محیط دانشگاهی ایران را با حقایق علمی تورکولوژی آشنا ساخته است و اثری را که برای جهان اسلام بسیار با ارزش است تقدیم فارسی‌زبانان کرده است.» (دکتر اسرافیل باباجان، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

خسرو سرتیبی یکی از ادبای تبریز درباره‌ی دقت استاد در تصحیح متون، ضمن تحسین از تصحیح دیوان نباتی گوید: «از نکات قابل توجه در تحقیق دکتر صدیق، توجه در تصحیح اشعار و ابیاتی است که در نسخ قبلی غلط چاپی و املایی داشته و مفاهیم خود را از دست داده بودند و

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۲۱۵<
عنایت به تأثیر شایسته‌ی نباتی در شاعران بزرگ است.» (خسرو سرتیپی
کلپیر، ۱۳۸۸: ۱۴۶)

شعر درباره‌ی دکتر صدیق

دکتر حسین محمدزاده صدیق یک ایرانی است که همه‌جای ایران را
سرای خود می‌داند. همه‌ی ایرانیان به وجود چنین استاد زحتمکشی
افتخار می‌کنند. تقریباً در همه‌ی استان‌های کشور حداقل یک بار حضور
داشته است و مورد تقدیر و تحسین علاقه‌مندان خود شده است. در
اهواز، شیراز، مشهد، سمنان، همدان، کرمانشاهان و ... در محیط‌های
علمی تقدیر شده است و بر صدر نشسته است. اما، برادران و خواهران
آذربایجانی ما احساساتی دیگر به استاد دارند. آن‌ها احساس خود را
اغلب با شعرهای ترکی بیان داشته‌اند. یکی از آن شعرهای بلند (در صد
بند) سروده‌ی محمدباقر باقری (ارکین) است. او، در این کتاب که به
ترکی است می‌گوید:

من، قدر تو را وقتی زنده بودی شناختم
گرد و غبار زمانه را از چهره‌ات زدودم
چشم به چشمان سبزت دوختم و خندیدم
هر چه را دارم فدای تو می‌کنم
و یاری مانند تو را از دست نمی‌دهم.

۲۱۶ آرثر مالار: حبیبی کتابلیغی

(م. ارکین، ۱۳۸۹: ۱۴)

مکتب دکتر صدیق

مهم‌ترین مکتبی که دکتر صدیق مؤسس آن است، روش علمی شرح حال‌نویسی شعرا و علمای سلف است. وی در این کار، اول کلیه‌ی اسناد قدیمی اعم از تذکرها و تواریخ را تلخیص کرده و عین متن‌های آن را ذکر می‌کند و سپس دیدگاه‌های دوست و دشمن را درباره‌ی آن شاعر عیناً نقل می‌کند و آن گاه با استفاده از اسناد، شرح حال شاعر مورد نظر را خود می‌نویسد و دیدگاه‌ها را یکی یکی به نقد می‌کشد و پس از آن مضامین و محتوای دیوان صاحب ترجمه را از داخل اشعارش استخراج کرده، نهایت مختصات لفظی و معنایی آن‌ها را می‌دهد.

این روش بسیار پسندیده، مورد توجه ادبا و علاقه‌مندان قرار گرفت. مثلاً **دیوان راجی** را که اخیراً کتابفروشی فردوسی در تبریز چاپ کرده است، بر اساس این مکتب کار کرده‌اند.

در شعر و نقد ادبی نیز وی صاحب سبک و مکتب است که باید به جای خود از آن بحث کرد.

این یک حقیقت است که این دانشمند در هر زمینه از علوم ادبی که کار کرده، در آن موفق شده است و راه و مکتب خاص خودش را ایجاد کرده است. (شاه‌نسا، ۲۰۰۷: ۳۸۰).

مراسم تجلیل

در سال‌های اخیر چند مراسم تجلیل در دانشگاه‌ها و فرهنگسراها از خدمات علمی و فرهنگی استاد در سطح ملی و استانی برگزار شد و «برگزاری این مراسم تجلیل از ایشان تنها کاری کوچک است که در مقابل ارج‌گذاری به خدمات علمی- فرهنگی‌شان صورت می‌پذیرد. بزرگان هر کشور و ملتی جزء میراث فرهنگی آن کشور محسوب می‌شوند. پس، بر همه‌ی مها واجب است که با تجلیل از این عزیزان به وظایفمان که همانا حفظ این میراث‌های گران‌بهاست عمل نماییم.» (مهندس امیر چهره‌گشا، ۱۳۸۸: ۸۳)

در مراسم‌های تجلیل از استاد، از همه‌ی استان‌های کشور اسلامی‌مان محققان و هنرمندان حضور می‌یافتند. در یکی از مراسم آقای باران یکی از هنرمندان جنوب کشور همراه با گیتار به یاد مبارزات قلمی استاد و دفاع ایشان از حقوق تضییع‌شده‌ی مردم در رژیم گذشته، دو ترانه‌ی «دخترک گل‌فروش» و «کودک واکسی» را به ایشان هدیه کردند که قطرات اشک را به چشمان بعضی از حضار، از جمله استاد آورد. (تکریم استاد، ۱۳۸۹: ۱۶)

علاوه بر ایران در کشورهای دیگر نیز از استاد تقدیر شده است. از جمله در سال ۲۰۰۷ در سیپوزیوم تورکولوژی در دانشگاه غازی آنکارا از

۲۱۸ > آرتېرمالار: حبيبي كتابليغي
او به خاطر ترجمه‌ی فارسی كتاب ديوان لغات الترك تجليل به عمل آمد.
(صميمه بولاد. Baykara. ۴۶)

مهندس محمدرضا كريمي در كتابي كه درباره‌ی شرح زندگي و آثار
دكتور صديق نوشته است، در انتهاي كتابش براي او صفاتي نظير درست
كرداري، تواضع و فروتنی، جسارت علمي، خوي معلمی، شجاعت و
شهامت و خيرخواهي را مي‌شمارد و مي‌گويد: «او دانشمندی است كه در
جهان علم به كسي باج نمي‌دهد. جسارت علمي او بي مثل است. دوست
و دشمن اعتراف مي‌كنند كه او دانشمندی بسيار با علم است و اكتشافات
علمي و زحمات وي از امكان‌هاي انسان عادي خارج است. او در هر جاي
و هر جلسه كه حضور پيدا كند، جو جلسه را در اختيار مي‌گيرد و مثل
يك معلم صحبت مي‌كند و براي خير ديگران از همه چيز خود
مي‌گذرد.» (مهندس محمدرضا كريمي، ۱۳۷۷: ۸۶) يكي از ويژگي‌هاي
شخصيتي استاد اين است كه با سعه‌ی صدر و گشاده‌رویی، پژوهندگان و
شعرا و نويسندگان را مي‌پذيرند و آن‌ها را از ارشاد و راهنمائي خود
بهره‌مند مي‌سازند. اين خصوصيت اخلاقي، كه متأسفانه در روزگار ما
كمياب است، در كنار ويژگي‌هاي ديگر ايشان مانند خستگي ناپذيري و
عشق و علاقه‌ی بي‌پايان به فرهنگ و ادب، ايشان را تبديل به چهره‌ای
مثال زدني ساخته است. (ميثم سرايي، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۲۱۹ <

کسانی که درباره‌ی دکتر صدیق اظهار نظر کرده‌اند، او را مردمی‌ترین نویسنده و پژوهشگر می‌دانند. **برندا شیفر** - استاد دانشگاه هاروارد - هنگام بحث از فعالیت‌های ادبی او در رژیم گذشته، درباره‌ی او می‌گوید: «مردم علاقه‌ی بیش از حدی به کتاب‌های حسین دوزگون نشان دادند. از این رو مسئولان رژیم، آن‌ها را جمع کردند و مانع انتشار آن‌ها شدند.» (Brenda shuffer, ۲۰۰۰/۲۸/۳)

شاه نسا رستم‌اوا - پژوهشگر جمهوری آذربایجان - می‌گوید:

«حسین دوزگون در رژیم استبدادی شاه، بدون توجه به هرگونه مشکلات، با خستگی‌ناپذیری زایدالوصفی نوشت و ایجاد کرد و از عقاید و آرمان‌های خود دست نکشید، تبعیدها دید و زندان‌ها کشید و ...» (شاه نسا، ۲۰۰۷: ص ۲۸۰)

قضاوت

قضاوت اهل قلم و دانشمندان درباره‌ی دکتر صدیق معمولاً توأم با تحسین و تکریم است. او را غواص دریای معانی و وارسته از تمنیات مادی (مهندس نائی، ۱۳۸۸: ۲۹) و صاحب انرژی پایان‌ناپذیر و صاحب نظریه (داوریار ۱۳۸۸: ۵۹) و جزء افتخارات ایران زمین (مهندس چهره‌گشا ۱۳۸۸: ۷۵) به حساب می‌آورند آینه‌ای بی‌غبار نام می‌دهند

۲۲۰ > آرتېرمالار: حېبىي كتابلىغى

(جمشيد شيبانى ۱۳۸۸: ۲۲۹) سرکرده‌ی اردوی علم و دانش می‌شناسند
 (حسین شهرک ۱۳۸۸: ۲۳۲) معلمی عدالت‌خواه می‌نامند (جبرائیل سیف
 هریس ۱۳۸۸: ۲۱۷) افتخار ملت (جعفر نور محمدزاده، ۱۳۸۸: ۲۲۰) و
 زبان‌شناس دانشمند ایرانی (دکتر غلام کریم ۱۳۸۸: ۱۶۹) و صاحب
 استعداد و خارق‌العاده و بی‌نظیر (اسدالله مردانی ۱۳۸۸: ۱۶۲) می‌شناسند
 او را به تنهایی یک ملت قلمداد می‌کنند (دکتر مرتضی مجدفر، ۱۳۸۵:
 ۱۱) و دارای پهنه‌ی علمی چند بعدی و وسیع می‌شناسند. (مهندس امید
 نیایش، ۱۳۸۱: ۵) به دوستی با او و از این که گامی در راه اشاعه‌ی
 آثارش برمی‌دارند، به خود می‌بالند (مهندس باقری ۱۳۸۸: ۶) او را پیر،
 استاد و نورچشم خود می‌دانند (سید احسان شکرخدایی ۱۳۸۵: ۱۲)

بعضی‌ها نیز قضاوت‌های متفاوت دارند. یکی از آن‌ها شخصی به
 اسم ویسمن که در دهه‌ی ۶۰ در آمریکا کتابی در موضوع انقلاب
 اسلامی ایران نوشت و دکتر صدیق را به خاطر جان‌فشانی‌ها که برای
 انقلاب اسلامی داشت، تخطئه کرد و آقای مهندس محمدرضا کریمی
 کتاب ائلیمیزین آجیان یاراسی را در سال ۱۳۷۷ در جواب او نوشت و
 منتشر ساخت. شخصی دیگر او را با مرحوم جلال آل احمد مقایسه
 کرده و آرزو کرد که او نیز «خسی در میقات» بنویسد و یا شخص
 دیگری موسوم به ماکان از این که ایشان، صاحب نظریه در زبان‌شناسی

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۲۲۱
ایرانی هستند برآشفته و حضور ایشان را در عصر ما بر نمی‌تابد و خیال
می‌کند که صاحب نظریه‌ها در علم حتماً باید روس و یا انگلیسی باشند
و ما در مقابل آن‌ها کرنش کنیم!

قضاوت اهل قلم هرچه باشد، ما امروز با شخصیتی که نیم قرن به
فرهنگ و ادبیات این مملکت جانانه خدمت کرده است و با عشق به این
آب و خاک زیسته است، رو در رو هستیم. زانوی ادب در برابرشان بر
زمین می‌نهم و از خداوند منان سال‌ها سلامت و نشاط برایشان آرزو
می‌کنیم و به عنوان حسن ختام، آخرین پاراگراف کتاب **دکتر صدیق و
هویت** را در این جا نقل می‌کنیم: «باید دانست و پذیرفت که راز موفقیت
و محبوبیت شخصیت‌های مردمی و میهنی مانند دکتر صدیق فقط در آن
است که اینان پیوسته بر روی ریشه‌های خود ایستاده‌اند، به فکر منافع و
موقعیت‌های خود نبوده‌اند، بلکه پیوسته به مردم و سرزمین اندیشیده‌اند و
مرزهای آرمانشان را پشت سر نگذاشته‌اند. از این جهت است که دشمنان
این مرز و بوم و نوکران رنگ و وارنگ داخلی آنان، حضور او را
بر نمی‌تابند و بعضی‌ها نیز که دنبال موقعیت و مقام و منافع شخصی و
پیمودن نردبان‌های ترقی هستند، تئوری‌های آن‌ها را لقلقه می‌کنند تا شاید
از جوّی که ایجاد می‌شود، بتوانند بهره‌برداری کنند.» (امید نیایش، ۱۳۸۱:

(۹۴

کتاب حاضر

ما هم به نوبه‌ی خود برای عرض ارادت به محضر استاد و هم‌چنین به خاطر نشر قطره‌ای از دریای فعالیت‌های علمی ایشان، کتاب حاضر را آماده‌ی چاپ کردیم.

در بخش اول کتاب، شرح زندگی صائب تبریزی به روایت استاد را آوردیم که بخشی از آن را قبلاً در شرح غزل‌های فارسی صائب تبریزی^۱، و بخشی دیگر را در شرح اشعار ترکی صائب تبریزی^۲ چاپ کرده بودند. که آورده‌ی ما خلاصه‌ای از این گفتارها است.

در بخش دوم، شرح ده غزل فارسی از ایشان را در این کتاب گنجانیدیم که پیش از این به صورت کتاب مستقلی از طرف انتشارات الست در سال ۱۳۷۰ چاپ شده بود. لازم به ذکر است که این کتاب در سال‌هایی که ایشان در مرکز تربیت معلم شهید مفتاح شهر ری و دانشگاه ارومیه درس دو واحدی «اشعار صائب تبریزی» را تدریس می‌کردند، انتشار یافت.

^۱ محمدزاده صدیق، حسین. شرح غزل‌های صائب تبریزی، تهران، الست، ۱۳۷۱.

^۲ محمدزاده صدیق، حسین. شرح اشعار ترکی صائب، تبریز، یاران، ۱۳۹۰.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... ۲۲۳

در بخش سوم، برگزیده‌ای از شرح بیست غزل ترکی را با حذف برخی موارد و تغییراتی در آن آوردیم که در این شرح جزئیات ریشه‌شناسی و معادل‌سازی در اشعار صائب و نکات دستوری و صنایع ادبی و ویژگی‌های شعری غزل‌ها مورد بحث قرار گرفته است. در بخش چهارم، ترجمه‌های منظوم فارسی از اشعار ترکی مورد بحث را که توسط استاد پذیرفته، گردآوری کردیم. در بخش پنجم، مقاله‌ی «گزیده‌های شعر ترکی» را که درباره‌ی اشعار ترکی ذکر شده در «سفینه»ی صائب است، نقل کردیم.

امیدواریم برای علاقه‌مندان به پژوهش‌های استاد تحفه‌ای قابل توجه باشد.

منابع مقدمه

اسدالله مردانی رحیمی (مقاله)، جشن‌نامه، تهران، ۱۳۸۸.

امید نیایش، دکتر صدیق و هویت آذربایجان، زوفا، تهران، ۱۳۸۱.

امیر چهره‌گشا، ائل قایغی‌سی، تهران، ۱۳۸۳.

ائلدار محمدزاده، مصاحبه‌های علمی پدرم، تهران، ۱۳۸۱.

۲۳۴ > آرتېرمالار: حېبىي کتابلىغى

اٲليار آذران، فرجام هفته نامه فرهنگى، تهران، ۱۳۸۲ (ش اول).

بهروز ايمانى، سؤز سوراغيندا، تهران، ۱۳۸۱.

بهروز ايمانى، لوحه دن لوحه يه، تهران، ۱۳۸۸.

، پروانه محمدلى، Cənubi Azərbaycan Mətbuatı Tarixi،

باکو، ۲۰۰۹.

جابر عالى شان، صمد بهرنگى منظومه سى، تبريز، بهرنگى، ۱۳۸۷.

جبرئيل سيف هريس (مقاله)، جشن نامه، تهران، ۱۳۸۸.

جعفر نورمحمدزاده (مقاله)، جشن نامه، تهران، ۱۳۸۸.

جواد محقق، رشد معلم، تهران ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ (ش ۶ و ۷).

حسين دوستى، بير قوجاق سئوگى، تهران، ۱۳۸۸.

حليم يارقين (مقاله)، جشن نامه، تهران، ۱۳۸۸.

خسرو سرتيبي (مقاله)، جشن نامه، تهران، ۱۳۸۸.

رضا همراز، گوللر آچاجاق، تهران، ۱۳۸۶.

س. الف. نسيملو (مقاله)، جشن نامه، تهران، ۱۳۸۸.

سيامك سليمانى روشن (مقاله)، جشن نامه، تهران، تكدرخت، ۱۳۸۸.

سيد احسان شكرخدايى، اندريافت نو، تهران، نشر دانشگاهيان،

۱۳۸۶.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی..... < ۲۲۵

سید احسان شکرخدایی، دیوان رها، تهران، ۱۳۸۸.

سید احسان شکرخدایی، روزها با استاد، تبریز، ۱۳۸۵.

سید احسان شکرخدایی، نجوای سکوت، دانشگاهیان، تهران، ۱۳۸۵.

شاه نسا رستم اوا، تدقیقلر (ادبیات، تاریخ، فلسفه و صنعت

مسأله‌لری) باکو، ش ۱، ص ۳۷۹-۳۸۵، ۲۰۰۷.

صدیاری وظیفه، بیر یؤلوک دورنا، تهران، زوفا، ۱۳۸۲.

صدیاری وظیفه، جشن نامه‌ی دکتر صدیق، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۸.

صمیمه بولاد، Baykara، آنکارا، ۲۰۰۷.

لیلا حیدری، فرجام طرح بنیاد آذربایجان‌شناسی، تهران، ۱۳۸۱.

م. ارکین، تبریزدن حیدربابایا، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۷.

م. کریمی، ائلیمیزین آجیان یاراسی، تهران، ۱۳۷۷.

م. کریمی، دوزگون و قاراقوش، تألیف م. کریمی، تهران ۱۳۸۸.

محمد داوریار، بیر عمان بیر دنیز، تهران، ۱۳۸۹.

محمد داوریار، تکریم استاد، تهران، ۱۳۸۸.

محمد داوریار، محمدباقر خلخال و ثعلبیه، تهران، ۱۳۸۹.

محمد داوریار، واقف، گؤزلیک و حقیقت شاعری، تهران، ۱۳۸۹.

۲۲۶ آرتېرمالار: حېبىي کتابلىغى

محمد هادى، محمدى. تاريخ ادبيات كودكان، بنياد پژوهش تاريخ ادبيات كودكان ايران، تهران، چيستا، ۱۳۸۰.

محمدباقر باقرى، تبريزدن حيدر بابايا، تهران، ۱۳۸۹.

محمدباقر باقرى، هفت مقاله ي دكتور صديق، تهران، ۱۳۸۸.

محمدصادق نائيبى، دكتور صديقين ديل يلليم درسليگى، تهران، ۱۳۸۸.

مرتضى مجدفر (مقاله)، جشن نامه، تهران، ۱۳۸۸.

مريم منافى ملايوسفى، گاهنامه ي پژوهشى قرار، تهران، ۱۳۸۱ (ش ۳).

معصومه بازكيايى، كتابشناسى آثار دكتور صديق، تهران، ۱۳۸۸.

ميثم سرايى (مقاله)، جشن نامه، تهران، ۱۳۸۸.

ناصر بهنژاد، سيري در رساله هاى موسيقايى، تهران، ۱۳۸۷.

نيلوفر شكرخدائى، دو قلوهاى ترك، تهران، ۱۳۸۸.

يعقوب حيدرى، كوه در كوله پستى، تهران، ۱۳۸۷.

Brenda shuffer. The Formation of Azerbaijani Collective Identity in Iran, vol. ۲۸, No. ۳, ۲۰۰۰.

دیوانچه‌ی اشعار ترکی عبدالله حبیبی ۲۲۷

..... ۱۵۴ ➤ آرتمیدالار: حییلی کتابلیغی